



جهانی شدن و نفوذ مرزها در فضای مجازی  
جغرافیای سیاسی جهان، آشنایی با کشورهای جهان  
کوناکونی زمین پدیده‌ها و حفاظت از آنها



# Geographical Association

160 Solly Street, Sheffield S1 4BF

Tel: 0114 296 0088

Fax: 0114 296 7176

Web: www.geography.org.uk

Registered Charity No. 313129

Chief Executive: Professor David Lambert

جناب پروفیسر گنجی

6 February 2009

Professor M H Ganji  
10 Koocheh Shahrदार  
Enghelab  
Tehran  
Iran 16119

بسیار خوشنویسیم از جانب GA در عزرائیل یک حضور نام علمی و انجمن جغرافیائی  
و استاد ممتاز دانشگاه تهران دعوت بهر آدمی که در فعالیت‌های علمی و انجمن جغرافیائی  
که قدمت آن از سال ۱۸۶۱ میلادی و ۱۳۰۹ شمسی منتهی به حال شده حضور بهم رسانید  
این جانب در امر درگیر اعصاب و عصبانیت بسیارم می‌باشم و امیدوارم که در این زمینه با شما  
در امری که خواست خود را که گفتید با هم و امیدوارم بتوانید دعوت ما را قبول فرمایید  
در انتظار فراخنده را در یک کجاست  
در انتظار فراخنده را در یک کجاست

Dear Professor Ganji

Geographical Association Annual Conference 16-18 April 2009

We have great pleasure in inviting you, as a Life Member of the Geographical Association, and as Emeritus Professor of Geography at the University of Tehran, to attend the Annual Conference of the Geographical Association (GA), which takes place in Manchester, England, from 16-18 April 2009.

I do hope you will be able to accept this invitation. I, and the President and other Officers of the GA, are all very much looking forward to welcoming you to the Conference.

With all good wishes

Yours sincerely

David Lambert

انجمن جغرافیائی یک مؤسسه غیر انتفاعی (موقوفه) است که در سال ۱۸۹۳  
تاسیس شد و در کشور انگلستان در کسین معروفات به ثبت رسیده است  
دکتر محمد حسن گنجی ارسال ۱۹۳۵ شمسی انجمن جغرافیائی

Professor David Lambert  
Chief Executive

Note: The GA is a well-established subject teaching association, founded in 1893 and registered in England as a charity with the Charity Commission. Professor M H Ganji has been a member of the GA since 1935.

President 2008-09: Margaret Roberts

Honorary Vice Presidents: Dr Vanessa Lawrence CB  
Professor Doreen Massey  
Ben Saunders





# رشد آموزش جغرافیا ۸۹

فصلنامه علمی رشد آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی  
دوره‌ی بیست و چهارم، شماره‌ی ۲، زمستان ۱۳۸۸

**قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم**  
مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. مقاله‌های ترجمه‌شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی (زبان میزبان) نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. مقاله یک خط در میان، در یک روزی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و بر روی لوح فشرده (CD) یا فلاپی و یا از طریق آدرس الکترونیکی (ایمیل) مجله ارسال شوند. نیز مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد. در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. محمل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. مقاله باید دارای چکیده هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر آورده شود. کلمات حار و مفاهیم نمایی (کلیدواژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جداگانه نوشته شوند. مقاله باید دارای تیترو اصلی، تیتروهای فرعی (میان‌تیترو) در متن و سوبتیترو (گزیده‌ی مطالب مجوری) باشد.  
● معرفی‌نامه کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عبارین و آثار وی پیوست شود. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و نالخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبنی بر آرای و نظر مسئولان مجله نیست.

● مدیر مسئول: محمد ناصری ● سردبیر: دکتر سیاوش شایان ● مدیر داخلی: دکتر مهدی چوپینه  
● هیئت تحریریه: دکتر عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری، دکتر بهلول علیجانی، دکتر اصغر نظریان،  
دکتر سیدمهدی موسی کاظمی، دکتر یارمحمد بای، کورش امیری‌نیا ● ویراستار: عطاءالله دانشگر  
● طراح گرافیک: سیدعلی موسوی  
● نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶، صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵  
● تلفن: ۸۸۳۱۱۶۱-۹ (داخلی ۳۷۴) ● شماره: ۸۸۳۰۱۴۷۸  
● پایگاه اینترنتی: ● www.roshdmag.ir رایانامه: info@roshdmag.ir  
● تلفن پیام‌گیر نشریات رشد: ● ۸۸۳۰۱۴۸۲ کد مدیر مسئول: ۱۰۲ ● کد دفتر مجله: ۱۱۳  
● کد مشترکین: ● ۱۱۴ نشانی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱  
● تلفن امور مشترکین: ۷۳۳۶۶۵۵-۷۳۳۶۶۵۶ شماره‌گان: ۱۱۰۰۰ نسخه ● چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

۱۵

گونگونگی زمین پدیده‌ها  
و حفاظت از آن‌ها /  
دکتر رضا خوش‌رفتار

۵

دانش‌نامه‌ی پدیده‌شناسی:  
جغرافیای اجتماعی / نویسنده:  
پروفسور بنو ورن، مترجم: منیژه احمدی

۲

گزارش اجمالی از آخرین  
کنگره‌ی جغرافیایی  
در انگلستان / دکتر محمدحسن گنجی

۳۳

جندق / نرگس کلاکی

۱۱

با پیشکسوتان گفت‌وگو با استاد محمد تقی رهنمایی / لیلان تاجیک

۲۵

جهانی شدن و نفوذ مرزها در فضای مجازی / هادی ویسی

۵۰

جاذبه‌های طبیعی تالاب کیشهر / امین دولی

۵۶

نیازسنجی مخاطبان در  
میزگردی با حضور جمعی از دبیران  
شهر شیراز / زهره صداقت‌زاده

۴۰

شوشتر، شهر آبشارها و سازه‌های  
زیبای آبی / حکیمه سلحشور

۴۶

تقسیم رودخانه‌ی تجن و پیامدهای  
پیش‌بینی نشده‌ی آن / رقیه پناهنده

۵۴

ویژگی‌های راهنمای برنامه‌ی درسی  
استان‌شناسی / نسرین خیرآبادی

۵۹

معرفی کتاب / کوروش امیری‌نیا

۶۲

جغرافیای سیاسی جهان  
آشنایی با کشورهای جهان / سعید بختیاری

چهره‌ی ماندگار جغرافیا، استاد ارجمند و گران‌مایه، جناب آقای دکتر محمدحسن گنجی که از جمله مفاخر این سرزمین هستند و عمر دراز و سلامتی و شادابی ایشان آرزوی همه‌ی جغرافی دانان و جغرافی خوانان است، گزارشی از تازه‌ترین «کنگره‌ی جغرافیا در انگلستان» تهیه و ارسال کرده‌اند. گزارش ایشان حاوی مطالبی بسیار ارزشمند است و جای آن دارد که به‌عنوان سرمقاله از آن یاد شود. از این‌رو گزارش یادشده - که در فروردین ماه

سال ۱۳۸۸ در دانشگاه منچستر انگلستان برگزار شد - به جای سرمقاله‌ی

این شماره نشست.

تحریریه‌ی «رشد

آموزش جغرافیا».

ضمن قدردانی و

آرزوی سلامتی

و بهروزی

برای استاد

گران‌قدر که

همواره آموزش

اثربخش

جغرافیا در

دوره‌های تحصیلی

قبل از دانشگاه

را مورد تأکید قرار

داده‌اند و در این مسیر،

دبیران ارجمند جغرافیا را از نظر

دور نمی‌دارند. گزارش مذکور را در این

شماره به خوانندگان و دبیران ارجمند جغرافیا تقدیم می‌دارد.

لازم به ذکر است، مدیرکل اجرایی «اتحادیه‌ی جغرافیایی»،

آقای پروفیسور دیوید لامبرت، از جمله مدرسان کارگاه آموزش

جغرافیا بود که در سال ۱۳۷۴ در نهران برگزار شد که گزارش

کامل آن کارگاه در چهار شماره‌ی رشد آموزش جغرافیا، پیشتر

تقدیم خوانندگان شده است.

**سردبیر**

# گزارش اجمالی از آخرین کنگره‌ی جغرافیایی در انگلستان

دکتر محمدحسن گنجی

کنگره‌ی سالانه‌ی جغرافی دانان، روزهای ۱۶ تا ۱۸ آوریل ۲۰۰۹ برابر با ۲۷ تا ۲۹ فروردین ۱۳۸۸، با حمایت «انجمن جغرافیایی» و «انجمن پادشاهی جغرافیایی انگلستان» در «دانشگاه منچستر» برگزار شد. در این کنگره، از من به‌عنوان قدیمی‌ترین عضو مادام‌العمر انجمن جغرافیایی، فارغ‌التحصیل دانشگاه منچستر و استاد ممتاز دانشگاه تهران دعوت شده بود (نگاه کنید به دعوت‌نامه پیوست و ترجمه فارسی آن).

من قبل از فروردین، ویزای انگلستان را تقاضا کردم که گفتند روز ۳۱ فروردین ویزای من صادر خواهد شد. ولی من ناگزیر بودم روز ششم فروردین به همراه هشت نفر (شش نفر اعضای هیئت علمی جغرافیا و دو نفر دانشجوی دوره‌ی دکتری) از دانشگاه تهران به فرانسه عزیمت کنم. هدف ما شرکت در همایش سه‌روزه در «دانشگاه کن»، در شمال غربی کشور فرانسه بود. همایش با مشارکت ترکیب مشابهی از آن دانشگاه و تعدادی از دانشمندان مهمان با موضوع «بررسی شهرنشینی تطبیقی در اروپا و خاورمیانه و شمال آفریقا» برگزار می‌شد.

بعد از برگزاری موفقیت‌آمیز و مفید این همایش و سه چهار روز گردش در نواحی صنعتی و گردشگری شمال فرانسه، همه‌ی همراهان به ایران برگشتند، ولی من با آرزوی تحصیل ویزای انگلستان در آلمان که در آن‌جا سوابق ممتدی از سفرهای گذشته داشتم، به آلمان رفتم. یک هفته برای تحصیل ویزا تلاش کردم که مؤثر نیفتاد. چون اعتبار ویزای فرانسه‌ی من ۱۵ روز بیشتر نبود، متأسفانه ناچار شدم از شرکت در کنگره‌ی انگلستان عذر بخواهم و به ایران برگردم.

اکنون آن کنگره پایان یافته و گزارش تفصیلی آن، همراه آخرین شماره‌ی مجله‌ی انجمن به دستم رسیده است. این گزارش حاوی بیانیه یا قطع‌نامه‌ای است که به‌صورت کتابچه‌ای در حدود ۳۰ صفحه چاپ شده است. به این قطع‌نامه عنوان «مانیفست»<sup>۱</sup> و «نگاهی دیگر



## ● به جغرافیا» داده‌اند که باید از یک بیانیه‌ی معمولی خیلی مهم‌تر تلقی

شود. مانیفست ۳۰ صفحه‌ای مذکور از هفت سرفصل یا موضوع تشکیل شده است. به این ترتیب که اول موضوع را با حروف درشت مشخص ساخته‌اند، بعد آن را با حروف کوچک‌تر تعریف کرده‌اند، سپس با حروف معمولی به تفسیر آن پرداخته‌اند، و در پایان در یکی دو صفحه، آن را مورد ارزیابی و نظرسنجی دانشمندان قرار داده‌اند. من در این جا موضوع، تعریف و تفسیر بخش‌های هفت‌گانه را برای اطلاع و استفاده‌ی دبیران محترم جغرافیا ترجمه کرده و از بخش ارزیابی و نظرسنجی آن صرف‌نظر می‌کنم. امیدوارم که این نوشته مورد توجه خوانندگان «رشد آموزش جغرافیا» قرار گیرد.

یکی از نتایج اساسی آموزش جغرافیا این است که جغرافی‌دان می‌تواند معلومات و مفاهیم دانش خود را در زمینه‌های نو به کار اندازد و به عبارت دیگر، در مسائل متغیر جهان جغرافیایی فکر کند.

جغرافیایی فکر کردن، با به‌کارگیری مفاهیم در تنظیم اطلاعات، کودکان و جوانان را قادر می‌سازد که درک کاملی از مباحث زیر داشته باشند:

- **جهان طبیعت:** زمین، جنس خاک، آب، هوا، سیستم اکولوژیک چهره‌ی زمین و جریانات ایجاد و تغییر آن.
- **محیط‌زیست:** اجتماعات و جوامع انسانی، جریانات انسانی مربوط به شغل، مسکن، مصرف، وقت‌گذرانی و چگونگی شکل‌گیری مکان‌ها.
- **تعامل:** پیوستگی محیط طبیعی و محیط‌زیست انسانی و درک مفهوم توسعه‌ی پایدار.
- **مکان و فضا:** تشخیص شباهت‌ها و اختلافات در نواحی گوناگون جهان و درک مکان و ارتباط آن با گسترش‌های فضایی.

جغرافیا دانش محدودی نیست که به تعداد اندکی از افراد جامعه منحصر باشد، بلکه دانشی همگانی است که از مدارس ابتدایی و حتی از زمانی که کودک چشم به جهان اطراف خود باز می‌کند و می‌کوشد جهان را بشناسد، آغاز می‌شود و تا آخر عمر او، مطالبی برای یاد گرفتن دارد. جغرافیا همواره سرگرم‌کننده و الهام‌بخش است، زیرا زیبایی‌های زمین و عوامل شکل‌دهنده‌ی آن زیبایی‌ها را بررسی می‌کند. این عوامل ممکن است ما را به جاهای دور و ناآشنا بکشانند. مطالعات جغرافیایی، کنجکاوی‌های ما را پاسخ می‌دهند و درک چالش‌های امروز نظیر تغییر اقلیم و امنیت غذایی و منابع نیرو را مقدور می‌سازند. این چالش‌ها را بدون جغرافیا نمی‌توان عمیقاً درک کرد.

جغرافیا اهداف حیاتی آموزش و پرورش را برآورده می‌کند و فکر کردن و تصمیم گرفتن با اطلاعات جغرافیایی، به ما کمک می‌کند که زندگی خود را به‌عنوان شهروندان آگاه و آشنا با محیط بلافصل خود، در چارچوب جهانی بزرگ‌تر بگذرانیم.

جغرافی‌دانان، هنرمند هم هستند، زیرا با به‌کار گرفتن نقشه‌ی جغرافیایی و استفاده از تصاویر، نمودارها، آمارها و سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS)، می‌توانند در مشاغلی غیر از آموزش و پرورش هم به نحو ثمربخشی اشتغال ورزند.

## ● جغرافیای زنده

وظیفه‌ی عمده‌ی دانش جغرافیا در مدارس و دانشگاه‌ها و سایر محافل فرهنگی این است که چهره‌ها و واقعیت‌های زیستگاه منحصر به فرد جهان انسانی را عمیقاً بشناساند، چگونگی کارکرد سازه‌های طبیعی و انسانی جهان را با تفحص درک کند و درباره‌ی تفاوت‌های احتمالی آینده برنامه‌ریزی کند. این است آنچه می‌توان «جغرافیای زنده» نامید.

اعم از این که براساس موضوع یا مکان ترتیب داده شود، جغرافیای زنده آن است که چهره‌ها و زمینه‌های معاصر و جهان واقعی را وارد برنامه‌ی درسی کند. به‌هر حال، جغرافیای زنده اصلی عمده در برنامه‌های درسی قرن ۲۱ به‌شمار می‌آید.

جغرافیای زنده مستقیماً با زندگی افراد و جهان زیست آن‌ها سروکار دارد. با تغییر ارتباط دارد و مدعی است که گذشته، وضع امروز



را به وجود آورده است. جغرافیای زنده همواره وضع مکان و محل را در بستر جهانی بررسی می‌کند. فوق‌العاده کنجکاو است و برای درک علل تغییر محیط‌ها و اجتماعات عمق‌یابی می‌کند.

جغرافیای زنده، درک انتقادی مسائل جهان امروز، مانند توسعه‌ی پایدار و روابط بین‌الملل و جهانی شدن را تشویق می‌کند.

جغرافیای زنده، درک انتقادی مسائل جهان امروز، مانند توسعه‌ی پایدار و روابط بین‌الملل و جهانی شدن را تشویق می‌کند.

### ● جغرافیا و نسل جوان

به نسل جوان باید کمک کرد تا خود بتواند با همکاری معلمین و به‌کارگیری تجربه‌ها و کنجکاوی‌های خود، محتوای برنامه‌ی جغرافیا را آماده سازد.

معمولاً معلمین هستند که مواد برنامه را برای یادگیری دانش‌آموزان تعیین می‌کنند. ولی باید دید دانش‌آموزان و جوانان از آنچه در کلاس جغرافیا یاد می‌گیرند، چه استفاده‌ای می‌کنند؟

هدف «طرح جغرافیا برای جوانان» (چنان‌که در انگلستان معمول شده و اکنون مورد عمل است و از آن به جغرافیا برای جوانان تعبیر می‌شود)، این بوده که راه‌هایی عملی پیدا کنند تا با استفاده از آن‌ها، جوانان بتوانند با به‌کارگیری علاقه، تجربه، آرزو و ایده‌آل خود، در برنامه تأثیرگذار باشند. این حالت هنگامی حاصل می‌شود که معلمین جواب‌گویی سؤالاتی باشند که جوانان در کلاس درس طرح می‌کنند.

### ● تفحص و کشف در جغرافیا

انجمن جغرافیای انگلستان، به «تفحص در جغرافیا» اعتقاد دارد. به عبارت دیگر، می‌خواهد دانشجویان در تفحصات جغرافیایی درگیر و فعال باشند، نه این‌که با حالت منفعل، دریافت‌کننده‌ی درس در کلاس جغرافیا باشند.

جغرافیا ماهیتاً موضوعی اکتشافی است. روزگاری بود که جغرافیا به اکتشافات جغرافیایی و جمع‌آوری اطلاعات درباره‌ی جهان محدود بود. یعنی هدف آن توصیف جهان بود و جغرافی‌دانان جهان‌نگار بودند. این خواص جغرافیا هنوز هم کم و بیش باقی است. ولی با استفاده از وسایل ارتباطی و فناوری‌های دیجیتال و تجارب دست اول، امروزه جغرافیا مسائل و اکتشافات بسیاری را در بر دارد و جغرافی‌دان از تصورات و خلاقیت‌های خود، با تفکر انتقادی در جهان خارج استفاده می‌کند.

میراث جغرافیا در عرف امروز، گناه‌آمیز است؛ چون در طول قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، کتاب‌های جغرافیایی جوانان انگلیسی را

با تمایلات نژادپرستی بار می‌آوردند. در حالی که جغرافیای امروزی در مدارس، نقش بزرگی در تفکرات غیرمنطقی که گاهی مانع درک واقعیت در جوانان و دیگران می‌شود، ایفا می‌کند. این یکی از خصوصیات پرارزش جغرافیا در آموزش و پرورش است که باعث می‌شود، با نظر دیگری به مسائل جهان بیندیشیم.

### ● جغرافیا و جهان واقعی

مشاهدات میدانی و به‌عبارت دیگر، یادگیری مسائل جهان آشفته در خارج کلاس درس، از خواص اساسی جغرافیای معاصر است.

هیچ چیز جای شناخت جهانی واقعی از طریق مشاهدات میدانی یا به اصطلاح «کار میدانی» را نمی‌گیرد؛ زیرا اهمیت مشاهدات میدانی در تحقیقات، امری است که به دلایل زیاد به ثبوت رسیده است.

### ● برنامه‌سازی با جغرافیا

انجمن جغرافیایی انگلستان معتقد است که معلمین باید مسئول شناخته شوند. با این‌که آن‌ها افراد حرفه‌ای مستقلی هستند که باید تابع مقررات و آیین‌نامه‌های مبتنی بر اهداف و مقاصد آموزشی باشند، ولی به هر حال آن‌ها هستند که برنامه‌ساز و راه‌ما به‌شمار می‌روند.

وقتی که معلمین علاقه‌مند به موضوع درس خود، منافع آموزشی جغرافیا را برای دانشجویان خود احساس کنند، می‌توانند چالش‌های حیرت‌انگیزی با همکاری دانشجویان خود در جغرافیای زنده به وجود آورند. همین است که ما آن را «برنامه‌سازی با جغرافیا» می‌نامیم و معتقدیم که از برقراری تعادل سه نیرو در کلاس به‌وجود می‌آید که عبارت‌اند از:

۱. مهارت و تجربه‌ی شخصی معلم.

۲. علاقه‌مندی و نیاز دانشجویان.

۳. آن‌چه که جغرافیا می‌تواند ارائه دهد. (قابلیت‌ها و شایستگی‌های

دانش جغرافیا)

تدوین برنامه‌ی درسی نه فقط کاری است که باید هدف و طرق تحقق هدف درس را تعیین کند، بلکه امری اخلاقی است که باید به ما بفهماند، چه چیزی باید درس بدهیم. به همین جهت است که ما معتقدیم، برنامه‌ی درسی باید تا میزان زیادی و عمیقاً نتیجه‌ی اعمال نظر معلمین مطمئن و مستقل باشد.

این است خلاصه‌ای از نگاهی دیگر که انجمن جغرافیایی انگلستان درباره‌ی درس جغرافیا دارد.

پی‌نوشت

1. Manifest
2. Field work



# دانش نامه‌ی پدیده‌شناسی: جغرافیای اجتماعی

نویسنده: پروفسور بنو ورن ترجمه‌ی منیژه احمدی  
دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه شهید بهشتی

## پیش‌گفتار

آراء و اندیشه‌های مربوط به جغرافیا، در جریان تکامل پویای خود، از مکاتب فلسفی و اجتماعی متعددی بهره گرفته‌اند که علت آن را می‌توان در علائق درون ساختاری - روشی (عقلانیت ساختاری - روشی) و ماهیت بین‌رشته‌ای این دانش جست‌وجو کرد. پارادایم (نقشه‌ی ذهنی، سرمشق) علم فضایی که تأثیراتی بنیادی بر مطالعات علم جغرافیا بر جای گذاشت، اکنون در آثار جغرافی‌دانان جدید به چالش کشیده شده است. به گونه‌ای که دیدگاه‌های فلسفی دیگری به تبیین جغرافیا پرداخته‌اند، فضا محوری را در مطالعات جغرافیایی نقد کرده‌اند و بر عوامل دیگری نظیر «اقدام آگاهانه‌ی انسان» تأکید ورزیده‌اند. برخی از این دیدگاه‌ها با علوم جامعه‌شناختی در ارتباط تنگاتنگی به سر می‌برند. رهیافت و برداشت پدیدارشناختی از فضا نمونه‌ی بارزی از این دیدگاه است. این دیدگاه با مباحث افرادی مانند هوسرل درباره‌ی روش‌شناسی پدیدارشناسی و شوتز، به بالندگی می‌رسد و بعدها وارد مطالعات جغرافیایی می‌شود. نوشتاری که در پی می‌آید، به بیان رویکرد فلسفی در مطالعات جغرافیایی می‌پردازد.

زمین و انسان‌ها، اثر ریگلاس<sup>۱</sup> را مطالعه می‌کرد. به‌وجود آمد این اثر یکی از جامع‌ترین و برجسته‌ترین آثار در تاریخ جغرافیا از زمان انتشار آثار الکساندر فون همبولت<sup>۲</sup> و کارل ریتتر<sup>۳</sup> بوده است. ریگلاس، تحت تأثیر کتاب «انسان و طبیعت - جغرافیای تعدیل شده توسط اعمال انسان» نوشته‌ی مارش<sup>۴</sup>، در سال ۱۸۶۴ قرار گرفت. این کتاب یکی از متون بنیادی «کولوژی مدرن» محسوب می‌شود. بنابراین او به

کلیدواژه‌ها: جغرافیای اجتماعی، پدیده‌شناسی، شناخت‌شناسی جغرافیا، مکاتب‌های جغرافیایی

## جغرافیای اجتماعی

اصطلاح «جغرافیای اجتماعی» اولین بار توسط دی رویرز<sup>۵</sup>، جامعه‌شناس فرانسوی، در سال ۱۹۸۴، زمانی که جلد اول کتاب «جغرافیای جدید جهانی»





مقابله با دیدگاه جغرافیایی مسلط آن زمان که عبارت بود از «محیط‌گرایی جبری طبیعی» پرداخت.

ریکلاس آنارشیزست و اعضای «مکتب لی‌پلی»<sup>۱</sup>، با تشریح شرایط جغرافیایی، ضرورت شکل‌گیری اجتماع جدید را مطرح کردند. آن‌ها انواع جدید فعالیت‌های حاصل از پیامد فرایندهای صنعتی شدن را که عبارت بود از «فناوری صنعتی» مطرح کردند.

زندگی روزمره از مسیر تغییرات نمایشی می‌گذشت: بازیگران و عاملان این نمایش، با کار، بازار و رقابت بر سر موقعیت‌های اجتماعی مواجه می‌شدند به علاوه، آن‌ها مجبور بودند با نظم بوروکراتیک زندگی اجتماعی در سازوکارهای کنترل قلمروهای ریشه‌دار شده، مانند «دولت - ملت» مواجه شوند. بنابراین، رابطه‌ی سنتی فضا - اجتماع از حالت ایدئولوژیکی و فرهنگی حاکم، به سوی جامعه‌ای منطقی‌مبتنی بر بازار کنترل شده به‌طور سازمانی، تغییر یافت. اکنون جامعه به‌عنوان موزاییک فضایی، الگوبندی شده در انطباق با تفاوت‌های اجتماعی که به‌طور اقتصادی (زاغه‌نشینی‌ها، بخش‌تجاری، مناطق ویلایی و...) پایه‌گذاری شده‌اند، یا قلمروهایی که به‌طور قانونی / اصولی تعریف شده‌اند (از قبیل بخش‌ها، دولت - ملت‌ها و...)، ظاهر می‌شود.

برای تبیین این موضوعات، در آغاز جغرافیای اجتماعی پیش‌گام بود و اغلب جغرافی‌دانان، آن را به‌عنوان «جغرافیای اجتماعی» شناختند. هدف این گرایش از جغرافیا یا جامعه‌شناسی، تحلیل الگوی فضایی واقعیات اجتماعی بود. با تأثیرپذیری از آرمان علوم طبیعی، هدف نظری برای بسیاری از جغرافی‌دانان اجتماعی، کشف قوانین (روابط علی - معلولی) فضای جهان اجتماعی در سنت فرانسوی، جغرافیای اجتماعی ریکلاس و مکتب لی‌پلی، نتوانستند موفق شوند. ویدال دولا بلاش<sup>۲</sup> و جغرافیای انسانی او که نظم‌نهادی را حاکم کرد، این نظم را نه به‌عنوان علم انسان یا علم اجتماعی، بلکه به‌عنوان علم مکان‌ها تعریف کرد؛ فقط در اواخر دهه‌ی چهل، جورج<sup>۳</sup> و ساره<sup>۴</sup> توانستند این گرایش را در دانشگاه‌های فرانسه مطرح کنند. آن‌ها به جنبه‌های اجتماعی، شکل‌های زندگی ناحیه‌ای، الگوهای فضایی و تفاوت‌های ناحیه‌ای طبقات اجتماعی علاقه‌مند هستند.

در جامعه‌ی آنگلو ساکسون، مکتب جامعه‌شناسی شیکاگو

با ورود به قرن بیستم در زمینه‌ی تحقیق پیش‌گام بود. مدل اکولوژی گیاهی زیست‌شناس دانمارکی، پارک<sup>۱</sup> (۱۹۲۰)، برای مطالعه‌ی نظام موجود در الگوی اجتماعی شهرها به‌کار گرفته شد. این نقطه‌ی آغاز - که با رهیافت فضایی علمی رایج توسط بینگ<sup>۱</sup> و بری<sup>۲</sup> تقویت شد - تا سال‌های اخیر تأثیر شدیدی بر جغرافیای اجتماعی بریتانیایی و انگلیسی - آمریکایی داشت [Jackson & Smith, 1974]. از یک‌سو درک وضعیت موجود کنونی به ترکیب ماتریالیسم تاریخی در بحث جغرافیایی هاروی<sup>۳</sup> و کاربرد «نظریه‌ی تولید فضای لوفور<sup>۴</sup>» مربوط می‌شد و از سوی دیگر، تلاش‌های بسیاری به منظور تأسیس جغرافیای اجتماعی به‌عنوان رشته‌ی حیاتی علوم اجتماعی که بر پایه‌ی نظریه‌ی اجتماعی و مطالعات فرهنگی بود، صورت گرفت.

در اوایل دهه‌ی بیستم، استینمتز<sup>۵</sup>، پیرو سنت هلندی ادعا می‌کرد که شناسایی اجتماع باید دانش شناخت روستاها، شهرها، بخش‌ها و کشورها را به شکل واقعی‌تر و دقیق‌تر ارائه دهد؛ همان‌طور که علوم طبیعی برای شناخت جهان مادی این امر را انجام می‌دهند. این علوم باید برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، یعنی مهم‌ترین کاربرد جغرافیای اجتماعی را، به‌خصوص در اروپای قاره‌ای بعد از جنگ جهانی دوم ایجاد می‌کرد.

در دهه‌ی پنجاه، هارتکه<sup>۶</sup> تحقیق برنامه‌ریزی شده‌ای را برای فضاهای به‌وجود آمده توسط رفتارهای یکسان و مشابه جغرافیایی - اجتماعی که فضاهای هم‌ارزش و نرم‌های رفتار معنی می‌دهد، تدوین کرد. بارتلس<sup>۷</sup>، موارد یاد شده را همراه با نظریات و بحث‌های مکتب شیکاگو، به‌منظور کشف قوانین فضایی در الگوی شکل‌گیری اجتماع، نظام‌های سکونتگاه‌های شهری و عوامل مؤثر بر کنش و اقدام انسان، از قبیل نرم‌های اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی، مطرح کرد. با تأسی از این روش، آلمان و آنگلو ساکسون در دهه‌ی هفتاد و اوایل دهه‌ی هشتاد، ترکیبی از این مباحث را به‌صورت رویکرد فضایی علمی بررسی کردند.

نقد «انسان‌گرایانه»ی جغرافیای رفتاری در دهه‌ی هفتاد روی ترکیب بُعد فضایی زندگی روزمره و نگرش علمی متمرکز شد. باتیمر<sup>۸</sup> (۱۹۷۹)، رلف<sup>۹</sup> (۱۹۷۶)، رز<sup>۱۰</sup> (۱۹۷۷) و سیمون<sup>۱۱</sup> (۱۹۷۹)، عقاید کارترین‌ها [پیروان فلسفه‌ی



دکارت] و هم‌چنین طرح غربی ریسون را که براساس اصول «پدیدارشناسی اگزیستانسیال» مبتنی بود، نقد کردند. آن‌ها اظهار داشتند: به‌جای پژوهش روی قوانین فضایی و تبیین آن، جغرافیای انسانی باید به معنی و مفهوم ذهنی مکان توجه کند. به عقیده‌ی ایشان، ادراک ذهنی فضاها‌ی جغرافیایی (نقشه‌های ذهنی) و موضوعات (ابژه‌ها)، به اندازه‌ی ارزیابی معقول خطر بلا‌یای طبیعی، مهم است. مفروضات زیربنایی که شامل این ابعاد می‌شوند، نقش مهمی در رفتار محیطی و رفتار محیطی و رفتار در فضا ایفا می‌کنند. به‌نظر می‌رسد برای ساختن چنین دانشی، جغرافیای رفتاری به فهم بهتر رفتار انسان کمک می‌کند.

اما برای جغرافیای رفتاری، «فضا» هنوز مرکز توجه جغرافی دانان بوده و هنوز مورد توجه است. رفتار در فضا اتفاق می‌افتد و محیط تأثیرپذیر و دریافت‌کننده محسوب می‌شود. پرسشی مطرح می‌شود، لی<sup>۲۲</sup> در سال ۱۹۷۷، برخی از ابعاد آن‌چه را که به عنوان «جهان متعالی» منظور شده در منظر جغرافیایی- اجتماعی مورد سؤال قرار داد که بر زمینه پدیدارشناختی فراتر از مقوله‌های روانشناختی پایه‌گذاری شده بود. وی با اشاره به پدیدارشناسی بنیادی شوتز<sup>۲۳</sup>، بر ویژگی‌های بنیادی و هدفمند بین ذهنی، با حرکت از رفتار به عمل به عنوان کانون تحقیقات، تأکید کرد.

او تأکید می‌کرد که جغرافی دانان بایستی به مفاهیم ذهنی کنشگران، که در رفتار طبیعی به وجود می‌آید، بیشتر توجه کنند. بنابراین آنها نبایستی تنها علاقه‌مند به دریافت ذهنی مکان‌ها باشند اما به ساخت ذهنی مکان بی‌توجه باشند. شهر بیشتر به عنوان الگوی فضایی واقعیت‌های اجتماعی دیده نشده بلکه نسبتاً به عنوان موزاییک جهان اجتماعی یا معانی دقیق مربوط به مکان‌ها دیده شده است.

هاگراستراند<sup>۲۴</sup> (۱۹۸۴م.) و جغرافیای زمان توسط مکتب لاند<sup>۲۵</sup>، به رویه‌های دخیل در کنش‌های اجتماعی کنشگران به واسطه زمان و فضا توجه کردند. آنها استدلال می‌کردند که عاملان جسم به عنوان واحد تفکیک‌ناپذیر شناخته می‌شوند. بنابراین مطابق با این اصل، عمل (فعالیت) در فضا زمان‌بر بوده و برنامه‌ریزی شهری/ منطقه‌ای برنامه‌ریزی زمان را نیز شامل می‌شود. مفهوم دسترسی عینی شوتز در این متن برای بازساخت الگوی عملی و فعالیت‌های فضا- زمان کنشگران

و عاملان در جهان روزمره برابر با فایده بهینه‌سازی به واسطه برنامه‌ریزی شهری/ منطقه‌ای است. در این دسترسی بعد زمان با دسترسی عملی تعریف می‌شود. مطالعات مارتیسونز در سال ۱۹۷۹م. بر روی شکل‌گیری بیوگرافی‌ها و موضوعات برگرفته شده مقولات فضا- زمان، یک رویکرد تحقیقاتی جدیدی برای تجزیه و تحلیل فرآیند جامعه‌پذیری بچه‌ها باز کرد که بر طبق آن تأثیر ریتم کار والدین و تعارض با الگوهای فضایی- زمانی که نهادی شده‌اند، بیشتر روشن شد.

برای شمول بیشتر، مطالعات جغرافیایی اجتماعی جسم در اصطلاح شوتز می‌تواند به عنوان ارتباط عملکردی بین روندهای درونی و اعمال بی‌واسطه نسبت به جهان مادی و بیرونی دیده شود. از یک سو جسم در جهان مادی واسطه بیان برای آگاهی بین‌المللی محسوب می‌شود و از سوی دیگر خصوصاً در موقعیت‌های چهره به چهره بعد فضایی در داخل جسم تغییر یافته و به آن می‌پیوندد. بنابراین موقعیت مادی یا جغرافیایی جسم بر طبیعت ناب و اصل، هم‌چنان که شوتز آن را به برگسون ارجاع می‌دهد، تأثیر می‌گذارد. به این ترتیب عملکرد جسم این است که بین تداوم و جهان همگن فضایی- زمانی، که به سوی گسترش نیل دارد، میانجی می‌شود علاوه بر این جسم برای تشکیل فرایندها و پدیده بین‌ذهنی ضروری است. اگر یک فردی به صورت بین‌ذهنی قوانین معتبر تاویل و تعبیر را که در درون جهان اجتماعی- فرهنگی معین موجود هستند بیاموزد، لازم است که تاویل و تعبیرهایش را تصحیح کند. این به آن معناست که کاربرد بافت معنایی بین‌ذهنی به روش‌های ممکن در آزمون اعتبار مشخصات معنا بستگی دارد. دستیابی به اطمینان درباره ساختارهای معتبر بین‌ذهنی معنا بیشتر از همه در موقعیت بی‌واسطه و چهره به چهره امکان‌پذیر می‌گردد.

در اینجا اجسام کنشگر به طور مستقیم به عنوان حیطه‌های بیان و تجلی ضمیر ناخودآگاه = طرف دیگر [با روی آوردی هویتی] در برابر یکدیگر قرار می‌گیرد. این مسئله برقراری ارتباط از طریق حرکات اشاره‌ای جسمانی و دقیق<sup>۲۶</sup> را میسر می‌سازد و احتمال سوءتعبیر را محدود می‌نماید. به این ترتیب حضور دو طرف، شرط لازم برای تضمین تفسیری و هستی‌شناختی می‌باشد که بر این اساس بیش از پیش هم تخصیص انتزاعی و هم بی‌نام و ناشناخته<sup>۲۷</sup> معنا بنیان نهاده می‌شود.

نظر نگار تحقیقی بر نامه‌ریزی شده‌ای را برای فضاهای پیچیده آمده توسط رفتارهای یکسان و مشابه چتر آبی اجتماعی که فضاهای هم‌رزشی و هم‌رزشی رفتار ذهنی می‌باشد، ترویج کرد

برای جغرافیای اجتماعی این موضوع اهمیت مضاعف و دو جانبه دارد. اول از همه در متن تئوری شهری فهم ارتباط چهره به چهره، که هنوز برای تصمیم در دنیای مدرن تجارت از اهمیت برخوردار است، را ممکن می‌سازد حتی اگر ارتباطات از راه دور (ارتباطات مخابراتی و...) به نحو گسترده‌ای در دسترس باشد و در برنامه‌ریزی شهری نیز این مسئله به روشن ساختن اهمیت روانشناسی اجتماعی فضاهای عمومی کمک می‌کند. ثانیاً اهمیت حضور دو طرف یک بینش عمیق را که مربوط به شرایط تفاوت‌های ناحیه‌ای و تأثیر آن بر تفسیر ساختار معنادار جهان روزمره اجتماعی را امکان‌پذیر می‌سازد. بنابراین مادی بودن کنشگری انسان و اقدامات او، مرکزی است برای فهم آنچه که ارتباط جامعه-فضا نامیده می‌شود. در جوامع سنتی موقعیت‌های چهره به چهره بسیار رایج است. بنابراین دنیای معانی محدودیت‌های ناحیه‌ای بسیار بیشتری دارند و از نظر داخلی در مقایسه با جوامع پیشرفته از جدایی کمتری برخوردارند. برای درک دنیای ناحیه به زوش مناسب فراهم نمودن زمینه‌های فهم بین فرهنگی ضروری است. همچنان که درک متقابل کنشگرانی که در نواحی متفاوت اجتماعی - فرهنگی زندگی می‌کنند نیز ضروری می‌باشد. به طور مرسوم، جغرافیای اجتماعی و فرهنگی یک بخش بسیار مهم و اساسی در تولید دانش دنیاهای متفاوت از نظر ناحیه‌ای بازی می‌کند و این مسئله نیازمند تحقیق تجربی در بعد ذهنی می‌باشد. در جغرافیای انسانی سنتی، ذهنیت به ندرت به دیدگاه ذهنی عاملان یا عمل در نگرش مادی ارجاع داده می‌شود و تقریباً به نقطه نظر دنیای ذهنی پژوهشگر ارتباط دارد. و این ذهنیت‌گرایی ساده‌انگارانه می‌تواند از طریق انطباق واقعی روش‌شناسی پدیدارشناختی غلبه نماید، به موجب آن شرط اصلی تفسیر ذهنی و تناسب شوتر حفظ می‌شود.

بر طبق نظر گریگوری، فضا و مکان موضوع کلیدی ثابت و بی‌چون و چرا برای اکثر جغرافی دانان و بیشتر تصورات جغرافیایی جهان بوده و هنوز هم می‌باشد. پیکلز<sup>۳۸</sup> در سال ۱۹۸۵م. موضوعیت فضا را نقد کرده و پدیده‌شناسی را به عنوان روشی که در پی ساختن مفاهیم می‌باشد، مطرح نمود. بر پایه‌ی پدیدارشناسی وجودی هایدگر<sup>۳۹</sup>، او یک دورنما در مورد این‌که فضا نمی‌تواند موضوع تئوری‌پردازی و تحقیقات

تجربی باشد اما فضا‌مندی می‌تواند چنین شرایطی را داشته باشد، تشریح کرد. از نظر پیکلز یک هستی‌شناسی فضا‌مند مورد نیاز هست تا تعیین کند ماقوع چگونه باید باشد مشروط بر این‌که بتواند هر چیزی مانند رفتار فضایی و محیطی وجود داشته باشد. از نظر او هدف جغرافیای اجتماعی باید بیان تطبیقی فضا‌مندی انسان باشد.

در آغاز با توجه به فرضیات منطقی هایدگر (۱۹۶۲م.) که واقعیت انتظام فضایی به واسطه شخص اتفاق می‌افتد، درمی‌یابیم که معمولاً یک مکان در درون چارچوب ابزاری یک فعالیت ویژه تعلق دارد. اشاره به این مسئله حائز اهمیت است که بر طبق نظریات هایدگر (۱۹۷۱ م.) فضا و زمان تنها به عنوان متغیر به کار نمی‌روند. بلکه هر دو تا حدی تشکیل‌دهنده هستی هستند. فضا نتیجه تحقق بوده و بنابراین فی‌ذاته برای خود دارای وجود می‌باشد، اگرچه فضا، بخشی از موضوع نیست و جهان را آن‌گونه که در فضا نیوتنی مورد نظر است، مشاهده نمی‌کند. از نظر هایدگر (۱۹۶۲) سوژه و موضوع بیشتر فضایی بوده و از طریق نحوه بودنش جهان را فضایی می‌کند.

نه‌ایتاً در جغرافیا بر این مطلب تأکید شد که فضا‌مندی انسان باید قادر به ساختن بخشی از تئوری فضا باشد. آینده جغرافیای اجتماعی و جغرافیای انسانی، که همواره در گذشته مورد بحث بوده و هنوز مباحث مربوط به نهادها<sup>۴۰</sup> مورد بحث و جدل است، به طبیعت مسئله تحقیق که از این اتصال ناشی می‌گردد، بستگی دارد. بنابراین جغرافیای انسانی بایستی به عنوان علم انسانی به وسیله فضا‌مند بودن انسان درک شود. اما آیا ممکن است که فضا‌مندی به عنوان موضوع تئوری فضایی مطرح گردد؟ آیا این دقیق‌تر نخواهد بود که فضا‌مندی را به طریق روش‌شناختی به فعالیت‌ها یا کنش انسان به جای فضا، ارتباط دهیم؟ در این صورت تئوری فضایی هسته و مرکز علاقه جغرافی دانان نخواهد بود.

پدیدارشناسی هوسرل<sup>۴۱</sup> (۱۹۷۳) و شوتر (۱۹۸۲) این امکان را به وجود آورد که از این فرضیه آغاز کنیم که آن‌چه که جغرافی دانان به عنوان مسائل فضایی از آن یاد می‌کنند، در حقیقت مسائل انواع خاصی از اعمال آگاهانه هستند. اعمال آگاهانه ضرورت جسمانی و مسائل مادی بخش‌های تشکیل‌دهنده آن می‌باشند.

این واقعیت که خودپنداری، جسم را عمدتاً به صورت حرکت تجربه می‌کند همچنین به این معناست که خود (ضمیر)، جسم را فقط «در» بافت عملکردی و نه «به عنوان» بافت عملکردی تجربه می‌کند. تجربه حرکت ضرورتاً دوباره به عنوان تجربه فضا تفسیر می‌شود و دسترسی را به جهان تعمیم می‌گشاید. با تجربه همه خصوصیات فضایی، خویشن جسم، فضامندی چیزها کشف می‌گردد. تشکیل جهان مادی و فضا با تجربه کردن، حرکت کردن و عمل کردن خود (خویشن) ارتباط نزدیک دارد. جدا از تجربه فضامندی جهان مادی، سوژه کیفیت موضوعات متنوع در ارتباط با خود جسم را تجربه می‌نماید و با معانی مترادف برای اعمالش آنها را تصدیق می‌نماید.

با تلفیق بنیادین تفکر پدیدار شناسانه در جغرافیای اجتماعی و انطباق نظریه‌ی عمل، طرح جغرافیای اجتماعی کانون آن را تغییر می‌دهد. بنابراین کانون علاقه دیگر فضا یا فضامندی نیست. در توافق با نظریه شوتز در مورد علوم اجتماعی هدف پژوهش اجتماعی - جغرافیایی، بازساخت علمی جغرافیاسازی در وضعیت و نگرش طبیعی می‌باشد. ما به طور یقین به مقوله‌های نظری دقیق برای درک انواع مختلف جغرافیاهای روزمره نیاز داریم.

شوتز و لاکمن<sup>۳۳</sup> نظریه جسم محوری جغرافیاهای در نگرش طبیعی ارائه می‌دهند. این نظریه از فرق بین جهان با دسترسی مستقیم و دسترسی بالقوه آغاز می‌شود. این دسترسی فوری، یک منطقه ابتدایی و یک منطقه ثانوی تأثیر را شامل می‌شود. اولی منطقه تأثیر مستقیم است منطقه‌ای که یک آزمایش و تست اساسی و کلی از تمام واقعیت‌ها را پیشنهاد می‌کند. منطقه دوم تأثیر به عنوان بخشی از جهان فیزیکی تعریف می‌شود که عامل تنها از طریق استفاده از کمک‌های تکنولوژیکی و فنی می‌تواند اثر بگذارد. توسعه تکنولوژیکی یک جهش کیفی در تجربه و توسعه منطقه اجرا را پیشنهاد می‌کند. مناطق در درون دسترسی بالقوه به دنیای واقع در دسترسی قابل بازسازی و قابل دسترس تقسیم می‌شود. منطقه اول زمانی هسته واقعیت عامل بود. اقبال دسترسی بعدی اولاً بستگی به توانایی‌های مادی و تکنولوژیکی در زمان و جامعه خاص و ثانیاً به دسترسی یک عامل خاص به چنین ابزارهایی بستگی دارد.<sup>۳۳</sup>

تحلیل جغرافیاهای روزمره در منظر پدیده شناسانه بر این موضوع دلالت می‌کند که اساساً تحقیق علمی باید موضوعات را در مرکز خود قرار دهد و نه فضاها مناطق یا فضامندی را. سؤال این است که افراد چگونه با قرار دادن اشیا برای فعالیت‌های خاص به ایجاد جغرافیاهای می‌پردازند و چگونه نظم خاص اشیا را از طریق مصرف حفظ می‌کنند؟

همان‌طور که شوتز و لوکمان بیان می‌کنند این مسئله می‌تواند در منطقه دوم تأثیر و با درجات متفاوت احتمال در منطقه دسترسی قابل حصول رخ می‌دهد. بنابراین پژوهش اجتماعی - جغرافیایی تنها به جغرافیای اهداف و موضوعات در جهان علاقه‌مند نیست، بلکه همچنین به این مسئله که افراد چگونه دنیا را از طریق فعالیت‌های تولید و مصرفشان با خود ارتباط می‌دهند، توجه دارد.

دومین تعبیر از قلمرو جغرافیایی اجتماعی روزمره شامل تعبیر هنجاری - سیاسی مناطق در ارتباط با حیطه اعمال یا حیطه قلمروهاست. نقطه آغاز ناحیه‌ای شدن جسم محور برای نواحی پیشین نمایش اجتماعی (یعنی صحنه، نمایش و...) و ناحیه پسین نهان‌سازی اجتماعی (صمیمیت، خجالت و...) با تفاوت بین آنها براساس سن، جنس، وضعیت و نقش می‌باشد.

شکل دیگر عبارتست از مقررات داخلی شمول و استثنای کنشگران از طریق حقوق مالکیت، تعاریف سیاسی - حقوقی دولت - ملت و حقوق شهروندان. این شکل از جغرافیای اجتماعی روزمره به کنترل مقتدرانه‌ی مردم از طریق ابزارهای سرزمینی مانند جغرافیای سیاستگذاری و انواع خاصی از کنترل ابزار خشونت متصل می‌شود. یک شکل بسیار مهم از روزمره کردن جغرافیا عبارتست از: فعالیت‌های جنبش‌های منطقه‌ای و ملی‌گرایانه که با هدف جغرافیای سیاسی جدید و تمام اشکال مختلف هویت‌های ناحیه‌ای و ملی که آنها بر پایه‌ی آن قرار دارند.

بالاخره سومین منطقه پژوهش جغرافیای روزمره این است که چگونه فرایند ساخت بار علمی [شبکه‌ی مفهومی] کنشگران به ارتباطات از راه دور جهانی [شبکه‌ی مفهومی جهان‌اندیشی] مرتبط می‌شود و آنها چگونه بر روندهای نمادینه کردن تأثیر می‌گذارند؟ این‌گونه از جغرافیای اجتماعی آموزنده و مهم ابتدا به شرایط ارتباط، شبکه‌ها و دسترسی



## برای مطالعه بیشتر

عامل‌های ویژه که باید به چنین ابزاری دسترسی داشته باشد، علاقه‌مند است. جغرافیای انتشار اطلاعات باید با ابزارهای مختلف و کانال‌های ارتباطی از یکدیگر متمایز گردند (مانند کتاب‌ها، روزنامه، رادیو، تلویزیون، شبکه‌های اطلاعاتی و...) ولی این شکل از ساخت بار علمی به ساختار فرآیندهای نمادینه کردن و معنایی - محتوایی حیطه‌های متفاوت در دنیای روزمره مرتبط می‌شود.

به این طریق، جغرافیای اجتماعی مبتنی بر پدیدارشناسی و اقدام، ناحیه‌ای شدن روزمره جهان هستی را احیا می‌کند و مفروض دانستن بازنمایی جغرافیایی جهان را مورد بررسی قرار می‌دهد.

## پی‌نوشت

1. de Rousiers
2. Reclus
3. Alexander von Humboldt
4. Carl Ritter
5. Marsh
6. Le Play
7. Vidal de la Blaches
8. George
9. Sorre
10. Park
11. Binge
12. Berry
13. Harvey
14. Lefebvre
15. Steinmetz
16. Hartke
17. Bartels
18. Buttimer
19. Relph
20. Rose
21. Seamon
22. Ley
23. Schutz
24. Hagerstrand
25. Lund school

۲۶. حرکات جسمی، مانند حرکات دست هنگام صحبت کردن که برای تفهیم بهتر منظور و معنایی توسط فرد سخنگو انجام می‌گیرد.

27. Anonymous
28. Pickles
29. Heidegger
30. Id
31. Husserl
32. Luckmann

۳۳. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: افروغ، عماد (۱۳۷۷)، فضا و نابرابری‌های اجتماعی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

1. Buttimer, A. (1976), "Grasping the Dynamism of Life world". Annals of the Association of American Geographers.
2. Gregory, D. (1994), Geographical Imaginations. Oxford: Basil Blackwell.
3. Hagerstrand, T. (1984), Time-Geography: Focus in the Corporeality of Man, Society, and Environment. Papers and Proceedings of the Regional Science Association.
4. Heidegger, M. (1962), Being and Time. Trans. Macquarrie, J. and Robinson, E. New York: Harper and Row.
5. Heidegger, M. (1971), The nature of language On the way to language. Trans. Hertz, P.D. New York: Harper and Row.
6. Husserl, E. (1973), Ding und Raum. Vorlesungen 1907. Den Haag. Martinus Nijhoff
7. Jackson. P. and Smith. S.J. (1984), Exploring Social Geography. London: Allen and Unwin.
8. Ley, D. (1977), "Social Geography and the Taken-for-Granted". Transactions of the Institute of British Geographers, New Series 2.
9. Livingstone, D.N. (1992), The Geographical Tradition. Oxford: Basil Blackwell.
10. Marsh, G.P. (1864), Man and Nature. Physical Geography as Modified by Human Action, New York: Charles Scribner.
11. Martesson, S. (1979), On the Formation of Biographies. Meddelanden fran Lunds Universitets Geografiska Institution. Avhandlingar LXXXIV. Lund.
12. Park. R.E. (1925), "The Urban Community as a Spatial Pattern and Moral order". Publications of the American Sociological Association.
13. Pickles, J. (1985), Phenomenology, Science and Geography: Spatiality and the Human Sciences. Cambridge University press.
14. Relph, E. (1976), Place and Placeness. London: Pion.
15. Rose, C. (1977), The notion of reach and its relevance to social Geography. Ph.D. dissertation.
16. Schutz, A. (1982), Life Forms and Meaning Structures. Trans. H.R. Wagner, London: Rutledge
17. Schatz, A. and Luckmann. (1974). Th. Structures of the Life World, Trans. R.M. Zaner and H. T. Engelhardt. Jr., London: Heinemann.
18. Seamon, D.A. Geography of the Life world. New York: St. Martins press, 1979.
19. Werlen, B. (1988), Gesellschaft, Handlung und Raum. Grundlagen handlungstheoretischer Sozialgeographie. Stuttgart: Franz Steiner Verlag.; Society, Action and Space. An Alternative Human Geography. Tranl. By Gayna Walls. London: Riutledge, 1993
20. Werlen, B. (1995), Sozialgeographie alltaglicher Regionalisierung 2 vols. Stuttgart: Franz Steiner Verlag,

## گفت‌و‌گوبا

# استاد محمد تقی رهنمائی

لیلا تاجیک

دبیر جغرافیا منطقه‌ی ۱۱

□ لطفاً به طور اجمالی خود را معرفی کنید و از سوابق تحصیلی و پژوهشی خود بگویید.

■ من محمد تقی رهنمائی، متولد سال ۱۳۲۳ در تالش هستم. تحصیلات ابتدایی را در تالش گذراندم و به دلیل نبود دبیرستان در تالش، در سن ۱۱ سالگی برای رفتن به دبیرستان، مجبور به عزیمت به رشت شدم.

از دبیرستان شاپور سابق و شهید بهشتی فعلی رشت که هنوز هم از مدارس سرشناس ایران است، دیپلم گرفتم. سپس برای خدمت سربازی به «سپاه بهداشت» ملحق شدم. در سال ۱۳۴۸ در کنکور دانشگاه ملی سابق یا شهید بهشتی امروزی در رشته‌ی جغرافیا پذیرفته شدم. اولین دانشجوی جغرافیا بودم که داوطلبانه جغرافیا را انتخاب کردم. مدیر گروه وقت و معاون دانشکده، یعنی آقای دکتر ایرانپور جزئی، پرسید: چرا می‌خواهید جغرافیا بخوانید؟ پاسخ دادم: می‌خواهم استاد این رشته بشوم. این عزم بنده آن‌چنان تأثیری در استاد عزیز گذاشت که هنوز بعد از گذشت ۴۰ سال، ایشان یکی از عزیزترین کسان و بهترین دوستان زندگی من و خانواده‌ام هستند.

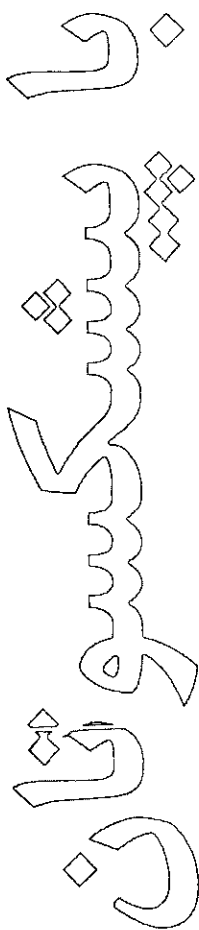
طی دوران تحصیل در دانشگاه رتبه‌ی اول شدم و برای دریافت بورس از «مؤسسه‌ی تبادلات علمی آلمان» (D.A.A.D) در مسابقه‌ای که ۴۰۶ داوطلب داشت، شرکت کردم و توانستم یکی از پنج بورس اعطا شده را برای ادامه‌ی تحصیل در دوره‌ی دکترا در آلمان به دست آوردم. در سال ۱۳۵۲ به آلمان رفتم و در سال ۱۳۵۸ از دانشگاه ماربورگ دکترای جغرافیا گرفتم. از سال ۱۳۵۹ در دانشگاه تهران استخدام شدم و با تلخی‌ها و شیرینی‌های فراوان، هنوز در دانشکده‌ی جغرافیای تهران تدریس می‌کنم.

□ از تألیفات و تحقیقاتان برایمان بگویید.

■ جمعاً ۹ کتاب و بیش از ۲۵ مقاله‌ی علمی پژوهشی در زمینه‌ی جغرافیا چاپ کرده‌ام و در کنار آن هم بیش از ۴۰ مقاله‌ی علمی دارم. نزدیک به ۳۰ طرح پژوهشی هم تاکنون مدیریت و هدایت کرده‌ام؛ از جمله: «طرح توزیع بهینه دانشگاه‌ها و مراکز علمی با نگاهی به جغرافیای فرهنگ در ایران» که در حوزه‌ی برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری انجام شد و خلاصه‌ای از آن در سال ۱۳۸۳ به صورت کتابی به چاپ رسید.

طرح دیگری که از مطالعه‌اش بسیار راضی هستم، «طرح انتقال پایتخت» است که در سال ۶۹-۱۳۶۸ از طرف هیئت دولت به وزارت مسکن و شهرسازی واگذار شد و بنده مسئولیت مکان‌یابی پایتخت جدید را داشتم و گزارش آن برای تصمیم‌گیری به هیئت دولت داده شد.

در برنامه‌ی دوم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که سازمان‌های اجرایی و وزارت‌خانه‌ها ملزم به همکاری علمی



با دانشگاه‌ها شدند، تعدادی از طرح‌های زیست محیطی استان‌های لرستان، ایلام، همدان، کردستان، اردبیل و گیلان را در دانشگاه تهران انجام دادم. در همین حال، گزارش بالا دست این تیپ طرح‌ها را به عنوان «وضعیت محیط زیست کشور»، برای «سازمان حفاظت محیط زیست» تهیه کردم.

علاوه بر این‌ها، تدوین طرح‌های جامع گردشگری استان‌های اردبیل و گیلان نیز از جمله فعالیت‌های پژوهشی من بوده است. اما در حال حاضر اصلی‌ترین فعالیت علمی من در تدوین و اثبات یک نظریه علمی در زمینه جغرافیای شهری، با عنوان «نظریه‌ی دولت و شهرنشینی در ایران» است که تاکنون جلسه‌ی نخست طرح آن توسط «مرکز کرسی‌های نظریه پردازی

وزارت علوم» در دانشگاه تهران

### انتقاد من به کتب درسی در دو زمینه است: یک محتوا و دیگر شکل آن‌ها

برگزار شده است و امیدوارم پس از دریافت نظر داوران بتوانم آن را ارائه و از آن دفاع کنم. این نظریه در محافل دانشگاهی آلمان که در آنجا تحصیل کرده‌ام، با اقبال زیادی روبه‌رو شده است و در همین زمینه، از پاییز سال آینده، سلسله سخنرانی‌هایی را در دانشگاه‌های آلمان و اتریش ایراد خواهم کرد. در کنار این فعالیت‌های علمی و پژوهشی، استاد میهمان در دانشگاه‌های بُن، پوتسدام اتریش، کوبوس آلمان و کلاگن فورت اتریش بوده و هستم. در گرایش‌های جغرافیا، از حوزه‌ی تحصیلات شخصی خودم خارج نشدم و بیشتر در زمینه جغرافیای شهری و گردشگری کار می‌کنم. نام و مشخصات کتاب‌هایم از این قرار است:

۱. مبانی کشورشناسی ایران (ترجمه از زبان آلمانی). چاپ اول: ۱۳۶۵. چاپ دوم: ۱۳۷۲.
۲. توان‌های محیطی ایران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی معماری. چاپ اول: ۱۳۷۰. چاپ دوم: ۱۳۸۱.
۳. مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی. مرکز مطالعات و تحقیقات و معماری و شهرسازی. چاپ اول: ۱۳۶۹.
۴. کتاب گیلان از مجموعه همه جای ایران (سه جلد). از گروه پژوهشگران ایران. چاپ اول: ۱۳۷۵.
۵. تحولات چشم‌اندازهای معیشتی در دره‌های جنوبی البرز مرکزی با تأکید بر گردشگری (رساله‌ی دکترای که به زبان آلمانی در دانشگاه ماربورگ چاپ شد). چاپ اول: ۱۳۷۹.
۶. فرایند برنامه‌ریزی شهری در ایران. انتشارات سمت. چاپ اول: ۱۳۷۳. چاپ پنجم: ۱۳۸۶.
۷. سیمای فرهنگی ایران. ۱۳۸۰.
۸. ترجمه‌ی انگلیسی سیمای فرهنگی ایران. ۱۳۸۰.
۹. توزیع بهینه‌ی دانشگاه‌ها و مراکز علمی با مطالعه‌ی جغرافیای فرهنگ. ۱۳۸۳.

#### □ آیا تاکنون با رشد آموزش جغرافیا همکاری داشته‌اید؟

■ بله. از ابتدای کار مجله‌ی رشد، مقالات متعددی دارم و جزو اولین کسانی هستم که در مجله رشد مقاله داشتند خصوصاً زمان مرحوم دکتر شکویی - و خصوصاً نقش خط‌دهی برای شکل‌گیری مجله رشد دارند. بعدها هم مجله‌ی رشد از ما کناره گرفت، نه ما از مجله‌ی رشد. به یاد دارم، یکی از مقالاتم که در اولین شماره‌ی مجله چاپ شد، «تفسیر عکس‌های ماهواره‌ای» نام داشت. مقاله‌ی دیگرم با عنوان «ضرورت بازنگری در آموزش جغرافیا» نیز در سال اول مجله چاپ شد.

#### □ یک خاطره‌ی تلخ و یک خاطره‌ی شیرین زندگی‌تان را برایمان تعریف کنید.

■ بنده از دوران تدریس و کلاس‌های تلخ و شیرین زیادی دارم. اول از تلخ‌ها شروع می‌کنم؛ از خاطراتم

با برخی دانشجویانی که روزگاری دانشجوی بنده بودند و بعدها به ترتیبی

مجله‌ی رشد رابط میان آموزش دهندگان جغرافیا در سطوح مختلف و از یک طرف، و آموزش گیرندگان جغرافیا از طرف دیگر است.



همکار من شدند. اینان با درهم شکستن مرزهای مقدس استاد دانشجویی، به موجوداتی دور از سنت دانشگاه تبدیل شدند که من از حضور آنها در دانشگاه به سهم خودم بسیار شرمسارم. برعکس، خاطرات شیرینی با اکثر دانشجویانی دارم که تز دکترای خود را با من گذرانده‌اند و امروزه از همکاران و عزیزترین دوستان من به شمار می‌روند. رابطه‌ی من با ایشان، استمرار همان رابطه‌ای است که با استاد خود یعنی دکتر جزنی داشتم و به نظر من این بزرگ‌ترین سرمایه‌ی یک آدم دانشگاهی است.

#### □ برای جغرافیای ایران چه چشم‌اندازی را تصویر می‌کنید؟

■ طی دو سال گذشته، جامعه‌ی جغرافیایی ایران به ویژه در حوزه‌ی جغرافیایی شهری سه تن از ارزشمندترین و پرکارترین همکاران خود را از دست داد: مرحوم دکتر شکویی، مرحوم دکتر فرید و مرحوم دکتر مصطفی مؤمنی. بنده با هر سه نفر آنها از سال‌های دور آشنایی و دوستی نزدیک داشتم. تصور این‌که جای این سه عزیز از دست رفته به این زودی‌ها در جامعه‌ی جغرافیایی ایران پر شود، تصویری باطل است.

اما چشم‌انداز آتی جغرافیا از دو بُعد کمی و کیفی باید مورد دآوری قرار بگیرد. از بُعد کمی، جغرافیا با بیش از ۳۰۰۰۰ دانشجوی، توانست خود را به سطح یک رشته‌ی مطرح در میان علوم انسانی برساند. از بُعد کیفی، جغرافیا با روی آوری به گرایش‌های شهری، روستایی، سیاسی، ژئومورفولوژی، اقلیم و مخاطرات محیطی، به تدریج می‌رود که از بنیاد و ستون اصلی خود فاصله بگیرد. فراموش نکنیم در تمام دنیا، جغرافیا دارای دو قلمرو تخصصی و مرتبط با هم است: قلمرو موضوعی و قلمرو منطقه‌ای. یعنی یک نفر می‌تواند هم در موضوع جغرافیای شهری تخصص پیدا کند و هم در منطقه‌ی خاورمیانه تخصص جغرافیای شهری داشته باشد؛ نه فقط شهری، جغرافیا به معنای عام کلمه. یا یک نفر می‌تواند تخصص موضوعی اقلیم در جغرافیا بگیرد و در همین حال متخصص جغرافیای شمال آفریقا باشد؛ یعنی جغرافیای عمومی شمال آفریقا. این روالی است که هنوز در دنیا رواج دارد.

گرایش شدن جغرافیا در ایران باعث شد که تخصص کشورشناسی و منطقه‌ای جغرافیا بیش از پیش به حاشیه رانده شود. به سبب همین غفلت، در سال‌های اخیر در دانشگاه تهران دانشکده‌ای به نام «دانشکده‌ی مطالعات جهان» تأسیس شد که همان کار وظیفه کشورشناسی جغرافیایی را انجام می‌دهد؛ در حالی که این رشته باید در دل دانشکده‌های جغرافیا ایجاد می‌شد.

#### □ بین گرایش‌های جغرافیا، آیا جای «آموزش جغرافیا» خالی نیست؟

■ به عنوان یک گرایش نمی‌توان آموزش جغرافیا را توصیه کرد؛ چنین چیزی وجود ندارد. اما «روش آموزش جغرافیا» به عنوان یک یا دو واحد درسی باید در برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها گنجانده شود. روش آموزش جغرافیا جدا از روش تحقیق در آن نیست. متأسفانه در کتاب‌های روش تحقیق جغرافیا کوچک‌ترین اشاره‌ای به این مطلب نشده است.

به نظر بنده، دو اشکال عمده در آموزش جغرافیا دیده می‌شود: اول این‌که در آموزش جغرافیا از ابزارهای آموزشی به ندرت استفاده می‌شود و آموزش بیشتر مبتنی بر همان روش کتابی است که از

دیرباز معمول بوده. دوم این‌که بسیاری از مطالب آموزشی جغرافیا در آموزش عمومی، از محتوای کتاب‌ها و جزوه‌های دانشگاهی گرفته شده است. در واقع، تفاوت میان ذهن یک دانش‌آموز و دانشجوی رشته جغرافیا



**طرح دیگری که از مطالعه‌اش بسیار راضی هستیم، «طرح انتقال پایتخت» است که در سال ۶۹-۱۳۶۸ از طرف هیئت دولت به وزارت مسکن و شهرسازی واگذار شد و بنده مسئولیت مکان‌یابی پایتخت جدید را داشتیم و گزارش آن برای تصمیم‌گیری به هیئت دولت داده شد**

از نظر حساسیت به مطالب جغرافیایی نادیده گرفته شده است که مصادیق فراوان آن را می‌توان در کتاب‌های درسی مشاهده کرد. به همین دلیل، دروس جغرافیا در آموزش عمومی هر چند دارای مطالب درستی هستند، اما برای سنین دانش‌آموزی و یا برای تحریک علاقه‌ی آنان تدوین نشده‌اند. این عارضه خاص جغرافیا نیست، بلکه در بسیاری از دروس، از جمله ریاضی، فیزیک، شیمی، تاریخ و... نیز دیده می‌شود. دانش‌آموز در پایان دوره‌ی دانشگاهی تازه متوجه می‌شود که قوانین فیزیک، مکانیک، مثلثات و یا جغرافیا چه کاربردهایی دارند. در حالی که اگر در همان دوران آموزش عمومی این کار انجام شود، علاقه‌مندی بیشتری را به دنبال خواهد داشت.

#### □ در زمینه‌ی تغییر کتب درسی چه پیشنهادی دارید؟

■ انتقاد من به کتب درسی در دو زمینه است: یک محتوا و دیگر شکل آن‌ها. بنده معتقدم که مطالب کتب درسی جغرافیا متناسب با نیازهای زمانی و خصوصیات ذهنی دانش‌آموزان تدوین نشده است، بلکه مستقیماً حاصل استنباط و درک خود مؤلفین است. به نظر من، مؤلف خوب جغرافیا، مؤلفی است که خود را به جای دانش‌آموز بگذارد، نیاز او را از دانش جغرافیا تشخیص دهد و سپس مطالب را با انشایی روان و قابل فهم برای سنین آن‌ها تدوین کند. از طرف دیگر، نقشه و نمودار از ابزار مهم انتقال اطلاعات جغرافیایی هستند. دانش‌آموزان با استفاده از این نقشه‌ها و نمودارها، تفاوت‌های کمی را راحت‌تر درک می‌کنند. البته در کنار نقشه‌های جغرافیایی، به‌کارگیری نقشه‌های موضوعی هم اهمیت دارد. متأسفانه نقشه‌ها و نمودارهای کتاب‌های درسی گویا نیستند. نمونه‌ی این ضعف را در نمودارهای اقلیمی چاپ شده در کتاب می‌توان دید. گذشته از این، در کلیت عنوان جغرافیایی که به دانش‌آموزان درس داده می‌شود، باید ارتباطات عمودی و افقی برقرار باشد در حالی که در محتوای کتاب‌ها چنین ارتباطی را مشاهده نمی‌کنیم.

#### □ آیا استاد توصیه‌ای برای مخاطبین مجله رشد دارند؟

■ مجله رشد رابط میان آموزش‌دهندگان جغرافیا در سطوح متفاوت از یک طرف، و آموزش‌گیرندگان جغرافیا از طرف دیگر است. بنابراین مطالب آن باید دارای ویژگی‌های زیر باشد:

۱. برای دانش‌آموزان جذاب و قابل فهم باشد.

۲. برای آموزش‌دهندگان جغرافیا در مدارس، ماهیت کمکی درس و مصداقی داشته باشد.

۳. گرایش کاربردی و عمومی داشته باشد.

۴. دارای تنوع موضوعی باشد و بخشی از آن به معرفی و شناخت مناطق گوناگون کشور اختصاص یابد.

بدون تردید، یک دانش‌آموز اهل کردستان، هنگامی مجله رشد برایش جالب خواهد بود که ابتدا ویژگی‌های برجسته‌ی کردستان، یعنی آن‌چه که او را به کردستان وابسته می‌کند، در آن‌ها آورده شود. مثلاً، این که اقلیم مدیترانه در کردستان چه تأثیری بر پوشش گیاهی دارد، با تمام درست بودنش، برای دانش‌آموز تعلق به وجود نمی‌آورد. بنده در جلسات متفاوت بارها و بارها توصیه کرده‌ام که تدوین کتاب‌های درسی برای دانش‌آموزان جدی گرفته

### گرایش شدن جغرافیا در ایران باعث شد که تخصص کشورشناسی و منطقه‌ای

### جغرافیا بیش از پیش به حاشیه رانده شود

شود و توصیه‌ی خود را تکرار می‌کنم، گروه مؤلفان باید ترکیبی از استادان با تجربه‌ی دانشگاه‌ها و مدرسان با تجربه و موفق مدارس باشد. این گروه برای این که بتوانند فارغ از دغدغه‌های روزمره‌ی کاری، کتاب مورد نظر را تألیف کنند، باید دارای زمان کافی، مکان مناسب و انگیزه‌ی لازم باشند. این یک مؤسسه‌ی ملی است که نباید مأموریت آن را مصلحتی، جناحی و سیاسی دید.



# گوناگونی زمین پدیده‌ها و حفاظت از آنها

دکتر رضا خوش‌رفتار

استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه زنجان  
E-mail: khoshraftar@znu.ac.ir

## چکیده

«ژئودایورسیتی»، در ارتباط با بخش غیرزنده‌ی محیط طبیعی، شامل پدیده‌های زمین‌شناسی، لندفرم‌ها، فرایندها و خاک‌هاست که دارای ارزش‌های بسیار زیادی هستند و مانند بیودایورسیتی نسبت به تغییراتی که در محیط صورت می‌گیرند، بسیار حساس هستند. ژئودایورسیتی از یک سو به فرایندهای فعال کنونی و اشکال ایجاد شده توسط آنها توجه دارد و از سوی دیگر، در ارتباط با اشکال و لندفرم‌هایی است که از دوره‌های گذشته باقی مانده‌اند. این لندفرم‌ها و سایت‌ها، نشان‌دهنده‌ی شرایط زمین‌شناسی، ژئومورفولوژیکی، اقلیمی و زیستی زمان خود هستند و هرگونه تخریب، به ناپایداری و نابودی همیشگی آنها منجر می‌شود. بنابراین، درک اهمیت این اسناد و حفظ آنچه که میراث مشترک بشریت نامیده می‌شود، بسیار ضروری است.

ژئوکنسرویشن رویکردی برای مدیریت حفاظت از سنگ‌ها، سایت‌های فسیل‌دار، لندفرم‌ها و خاک‌هاست و با این اندیشه که تنوع پدیده‌های علوم زمین یکی از ارزش‌های مهم حفاظت از طبیعت است، تدوین شده است. حفاظت از طبیعت از این دیدگاه که ضرورتاً هر دو بخش ژئوکنسرویشن و بیوکنسرویشن را باید در برگیرد، رویکردی جامع و فراگیر را مهیا می‌کند و نسبت به رویکرد کنونی که صرفاً بر حفاظت از بیوکنسرویشن متمرکز است، کارایی بهتری خواهد داشت.

بخش که اصطلاحاً بیودایورسیتی و ژئودایورسیتی نامیده می‌شوند، اهمیت بسزایی در تداوم حیات کره‌ی زمین دارد و باید این عناصر را شناسایی کرد و مورد حفاظت قرار داد. گرچه روابط نزدیک و مستقیمی بین این دو بخش وجود دارد، اما در حال حاضر براساس دیدگاه‌های سنتی قسمت عمده‌ی اقدامات حفاظت از طبیعت،

کلیدواژه‌ها: ژئودایورسیتی، لندفرم‌ها، ژئومورفولوژی، زیبایی‌شناسی

## مقدمه

طبیعت از دو بخش زنده و غیرزنده که دارای ارزش‌های یکسانی هستند، تشکیل شده است.<sup>۱</sup> تنوع عناصر سازنده‌ی این دو



به طور معمول بر بخش زنده‌ی محیط‌زیست تأکید دارد<sup>۲</sup> و راهبرد حفاظت صرفاً مبتنی بر حفظ فلور و فونا است.<sup>۳</sup>

تقریباً در همه‌ی کشورها، گیاهان و جانوران در سایت‌های باستان‌شناسی و تاریخی براساس برنامه‌های مدون حفاظت شده‌اند، اما این اقدام در مورد پدیده‌های علوم زمین انجام نشده است. اصطلاحاتی مانند ذخیره‌گاه‌های طبیعی، پارک ملی، منطقه‌ی حفاظت‌شده، و منطقه‌ی شکار ممنوع که در راستای حفاظت از بخش زنده‌ی طبیعت ایجاد شده‌اند، برای بسیاری از مردم شناخته شده‌اند و به کرات از آن‌ها در رسانه‌ها صحبت می‌شود. اما میراث علوم زمین، ژئوسایت، ژئوتوپ، ژئوتوریسم، ژئوپارک،

و اصطلاحاً به آن‌ها لندفرم‌های فسیل یا «میراث» گفته می‌شود. این لندفرم‌ها و سایت‌ها نشان‌دهنده‌ی شرایط زمین‌شناسی، ژئومورفولوژیکی، اقلیمی و زیستی زمان خود هستند و هرگونه تخریب به ناپایداری و نابودی همیشگی آن‌ها می‌انجامد. آن‌چه هم که از دست می‌رود و نابود می‌شود، هرگز دوباره ساخته نخواهد شد. بنابراین درک اهمیت این اسناد و حفظ آن‌چه که میراث مشترک بشریت نامیده می‌شود، بسیار ضروری است. زیرا میراث زمین‌شناسی تجدیدنپذیر است.<sup>۴</sup> تاریخ حیات سیاره‌ی زمین را تنها می‌توانیم در سنگ‌های زیر پاهایمان جست‌وجو کنیم. سنگ‌ها و چشم‌اندازها شرایط کره‌ی زمین را طی چند میلیارد سال گذشته نشان می‌دهند. اسناد حفظ شده در آن‌ها بی‌نظیر و بسیار از آن‌ها شکننده و ظریف هستند و بیش از هر زمان دیگری تهدید می‌شوند.<sup>۵</sup>

به زبان ساده می‌توان گفت، ژئوکنسرویشن یا حفاظت از ژئودایورسیتی، نیمه‌ی گمشده حفاظت از طبیعت است. غالباً گفته می‌شود، پدیده‌های طبیعی به حدی حجیم، بزرگ و متعدد هستند که ژئوکنسرویشن لزومی ندارد. اما این دیدگاه نمی‌تواند درست باشد.

رخنمون‌های زمین‌شناسی، سایت‌هایی که فسیل‌های شکننده در آن‌جا یافت می‌شوند، مناطقی که فرسایش ساحلی شدید دارند، سیلاب‌های بزرگ و تغییر بیلان هیدرولوژیکی در غارهای کارستی، نمونه‌هایی هستند که تغییرات سریع پدیده‌های طبیعی در بخش غیرزنده‌ی طبیعت را نشان می‌دهند. حتی ممکن است طی چند دقیقه تغییرات زیادی در محیط صورت گیرند و چشم‌اندازی جدید را پدید آورند (شکل ۱). این موارد دلایل بسیار خوبی برای مدیریت فعال ژئوکنسرویشن هستند.<sup>۶</sup>

برنامه‌ی ژئوسایت‌های جهانی یونسکو، میراث زمین‌شناسی جهانی، یونسکو و شکل‌گیری انجمن اروپایی پروجئو در قاره‌ی اروپا، نمونه‌هایی از اقدامات انجام شده برای شناسایی ژئوسایت‌ها و دست‌یابی به اهداف ژئودایورسیتی و ژئوکنسرویشن هستند. با توجه به اهمیت قضیه، تاکنون سمینارهای زیادی توسط کشورهای متفاوت دنیا، به‌ویژه کشورهای اروپایی و چین، به صورت مستقل و یا با همکاری سازمان‌های جهانی مانند یونسکو در این زمینه برگزار شده‌اند. یکی از مباحث اصلی برنامه‌ی ژئوپارک‌های جهانی یونسکو، حفاظت از میراث علوم

**رویکرد ژئوکنسرویشن بر مدیریت اراضی مانند حفاظت خاک، زمین‌شناسی زیست محیطی و مدیریت بلایای ژئومورفولوژیکی، پایه‌ریزی شده است**



ژئوکنسرویشن و ژئودایورسیتی، اصطلاحات جدیدی هستند که طی چند دهه‌ی اخیر وارد ادبیات علوم زمین شده‌اند. زمان آن فرا رسیده است، موضوع حفاظت از ژئوسفر که شامل لیتوسفر، هیدروسفر و اتمسفر است، مورد توجه قرار گیرد.<sup>۷</sup> ژئودایورسیتی در ارتباط با بخش غیرزنده‌ی محیط طبیعی

**به زبان ساده می‌توان گفت، ژئوکنسرویشن یا حفاظت از ژئودایورسیتی، نیمه‌ی گمشده حفاظت از طبیعت است**



شامل پدیده‌های زمین‌شناسی، لندفرم‌ها، فرایندها و خاک‌هاست که اساس و پایه‌ی بیودایورسیتی هستند. بخش غیرزنده‌ی محیط طبیعی دارای ارزش‌های بسیار زیادی است و بسیاری از جنبه‌های ژئودایورسیتی هم مانند بیودایورسیتی، نسبت به تغییراتی که در محیط صورت می‌گیرند، بسیار حساس هستند.<sup>۸</sup>

ژئودایورسیتی از یک سو به فرایندهای فعال کنونی و اشکال ایجاد شده توسط آن‌ها توجه دارد و از سوی دیگر، در ارتباط با اشکال و لندفرم‌هایی است که از دوره‌های گذشته باقی مانده‌اند

زمین است.

گرفتن آنها در فهرست میراث علوم زمین است.<sup>۱۳</sup>

## ژئودایورسیتی و ژئوکنسرویشن

رویکرد ژئوکنسرویشن بر مدیریت اراضی مانند حفاظت خاک، زمین‌شناسی زیست محیطی و مدیریت بلایای ژئومورفولوژیکی، پایه‌ریزی شده است و ضرورتاً بر ارزش‌های کاربردی آنها برای انسان تأکید دارد. به عبارت دیگر، دیدگاه انسان محور در این‌جا به صورت غالب مشاهده می‌شود. اما در عین حال، ژئوکنسرویشن رویکردی را جست‌وجو می‌کند تا از تخریب لندفرم‌ها، آب‌ها و خاک‌ها جلوگیری کند. لند اسلایدهایی که توسط فعالیت‌های انسان‌ها تشدید می‌شوند، فرسایش خاک، آلودگی آب‌های سطحی و

اصطلاح ژئودایورسیتی برای اولین بار در مقالاتی که در اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰ در تاسمانی استرالیا نوشته شد، به کار رفت و هیچ انطباقی با برداشت کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس ریودوژانیرو (۱۹۹۲) نداشت. متخصصان علوم زمین تاسمانی دریافتند که بین تنوع موجودات زنده و غیرزنده مشابهت‌های زیادی وجود دارد و با استفاده از اصطلاحات ژئودایورسیتی و بیودایورسیتی، کوشیدند مشخص کنند که طبیعت از دو جز با اهمیت یکسان، بخش غیرزنده و بخش زنده تشکیل

شده است.<sup>۹</sup> در بررسی متون مربوطه، تعاریف زیادی از این دو موضوع را می‌توان پیدا کرد که در این‌جا به تعدادی از آنها اشاره شده است:

یکی از بهترین تعاریف ژئودایورسیتی، توسط استانی ازانه شده است: «ژئودایورسیتی شامل محیط‌های زمین‌شناسی متنوع، پدیده‌ها و فرایندهای فعالی است که چارچوب حیات روی کره را می‌سازند.» او هم‌چنین تأکید دارد، ژئودایورسیتی از طریق روابط متقابل بین خاک‌ها، کانی‌ها، سنگ‌ها، فسیل‌ها و فرایندهای فعال و محیط‌های ساخته شده،

حلقه‌ی ارتباطی بین انسان‌ها و چشم‌اندازها و فرهنگشان است.<sup>۱۰</sup> گوزلوسکی تعریف گسترده‌تری از ژئودایورسیتی ارائه می‌کند: «ژئودایورسیتی، بررسی تنوع طبیعی جنبه‌های زمین‌شناسی و ژئومورفولوژیکی، خاک‌ها و آب‌های سطحی کره‌ی زمین است. هم‌چنین، سایر سیستم‌های ایجاد شده با منشأ بیرونی و درونی فعالیت‌های انسانی ممکن است در ژئودایورسیتی مورد توجه قرار گیرد.»<sup>۱۱</sup>

ژئوکنسرویشن حفظ تنوع پدیده‌های علوم زمین به خاطر ارزش‌های زیبایی‌شناسانه، بوم‌شناسانه و قرار گرفتن این پدیده‌ها در فهرست میراث علوم زمین است. در این تعریف، ژئودایورسیتی یا تنوع پدیده‌های علوم زمین، به تنوع زمین‌شناسی (سنگ بستر) ژئومورفولوژیکی (لندفرم) اشکال خاک، سیستم‌ها و فرایندها اشاره دارد.

ابرهارد<sup>۱۲</sup> معتقد است، ژئوکنسرویشن شناسایی و حفاظت از پدیده‌های زمین‌شناسی، ژئومورفولوژیکی، خاک‌ها، فرایندها و سیستم‌ها، به خاطر ارزش‌های زیبایی‌شناسانه و بوم‌شناسانه و قرار

**در حال حاضر براساس دیدگاه‌های سنتی قسمت عمده‌ی اقدامات حفاظت از طبیعت، به‌طور معمول بر بخش زنده‌ی محیط‌زیست تأکید دارد و راهبرد حفاظت صرفاً مبتنی بر حفظ فلور و فونا است**



سفره‌های آب زیرزمینی، و فرونشینی زمین‌های کارست نمونه‌هایی از این‌گونه تخریب‌ها هستند. بنابراین، با کاهش خسارات و صدمات ناشی از این‌گونه بلایا و حوادث، استفاده‌ی بهتر از زمین امکان‌پذیر می‌شود. بخش متمایز و حساس ژئوکنسرویشن، به منظور حفاظت از ارزش‌های طبیعی و زیبایی‌شناسانه‌ی سنگ بستر، لندفرم‌ها و خاک، بیش از آن‌که به فکر حفظ بهره‌گیری از آنها توسط انسان‌ها باشد، به دنبال رویکردهایی است تا مانع تخریب آنها شود و با از میزان تخریب بکاهد.

یک نمونه از این حساسیت و تمایزی که ژئوکنسرویشن نسبت به پدیده‌های علوم زمین نمایش می‌دهد، کوشش آن برای حفاظت و جلوگیری از تخریب یک لندفرم غیرفعال (میراث)، در مقایسه با بهره‌برداری از آن توسط انسان است. مورن‌های پیشانی، نشانه‌ی حداکثر گسترش یخچال‌ها در دوره‌های سرد یخچالی هستند و ممکن است به دلایل متفاوت، مانند عبور جاده از سایت موردنظر تخریب شوند. اما تحت کنترل شایسته ممکن است بدون ایجاد فرسایش، سایت مورد نظر مورد استفاده قرار گیرد. در غیر

این صورت سایتی که از اهمیت حفاظتی زیادی برخوردار است، تخریب خواهد شد.

به رغم تمایزاتی که بین شاخه‌های متفاوت علوم زمین وجود دارد، در عمل ممکن است، ژئوکنسرویشن، زمین‌شناسی زیست محیطی، حفاظت خاک و ژئومورفولوژی کاربردی به طرق متفاوت هم‌پوشانی داشته باشند. بلایایی مانند فرسایش شدید خاک و یا لند

اسلایدهای تحریک‌شده توسط انسان، ممکن است بر فرایندهای ژئومورفیک طبیعی و استفاده‌ی انسان از طبیعت تأثیر داشته باشد. بنابراین در عمل، ژئوکنسرویشن غالباً شامل همان فعالیت‌ها و اقدامات مدیریتی است که توسط زمین‌شناسی زیست محیطی، متخصصین حفاظت خاک و ژئومورفولوژیست‌ها در مدیریت محیط انجام می‌شود. اما ژئوکنسرویشن بر گستره‌ی وسیع‌تری تأکید دارد که در چارچوب زمین‌شناسی زیست محیطی قرار نمی‌گیرد. اصطلاح ژئوکنسرویشن مفهومی وسیع‌تر از حفاظت میراث علوم زمین و یا حفاظت از نشانه‌های طبیعی و زمین‌شناسی طبیعت دارد. زیرا حفاظت از میراث علوم زمین، روی حفاظت از اشکال زمین‌شناسی و لندفرم‌های مهم، به خاطر ارزش‌های علمی، آموزشی، پژوهشی، زیبایی‌شناسانه و روحی که برای انسان دارند، متمرکز می‌شود. ژئوکنسرویشن علاوه بر موارد فوق، تأکید می‌کند که بقا و وجود تشکیلات زمین‌شناسی، لندفرم‌ها و خاک‌ها به همراه فرایندهای سازنده‌ی آن‌ها، برای ادامه‌ی حیات روی کره‌ی زمین لازم و ضروری است.



## مفاهیم اولیه در ژئوکنسرویشن

### ● سایت‌های زمین‌شناسی

(سنگ بستر)

«سنگ بستر» یکی از مفاهیم بسیار رایج در مباحث علوم زمین است و امکان دارد به صورت سایت‌های دارای فسیل، مقاطع تیپ چینه‌شناسی، و رخنمون‌های ساختمانی مهم باشد که از لحاظ ژئوکنسرویشن حائز اهمیت هستند. ارزش‌های نهفته در سنگ بستر، گواه و شاهده‌ی از فرایندهای گذشته‌اند و با فرایندهای کنونی ارتباط ندارند. در هر

سنگی حکایتی نهفته است. در بعضی موارد، ارزش‌های علمی - آموزشی سنگ بستر، به عنوان بخشی از میراث علوم زمین، ممکن است توسط آشفستگی‌ها و تغییرات مصنوعی مانند کندوکاو‌هایی که توسط انسان صورت می‌گیرد، به ظاهر شدن بهتر آن‌ها منتهی

ستون‌های معروف به Twelve Apostles در پارک ملی Port

Campbell استرالیا، این دو عکس به فاصله‌ی چند ثانیه در ساعت ۹:۱۶

دقیقه، سوم جولای ۲۰۰۵ گرفته شده‌اند.

منبع: <http://www.scoop.co.nz/stories/BU0507/S00054.htm>

زنده‌ی طبیعت می‌پردازد، باید اصلاح شود. زیرا حفظ گونه‌های بیولوژیکی و جوامع گیاهی و جانوری، بدون محافظت از فرایندهای طبیعی بخش غیرزنده‌ی کره‌ی زمین، عملاً امکان‌پذیر نیست.<sup>۱۷</sup> طی چند دهه‌ی اخیر، متخصصان علوم زمین کوشیده‌اند تا مدیران پارک‌ها، مسئولان حفاظت و سیاستمداران را به لزوم بازنگری سیاست‌های حفاظتی آگاهی سازند.<sup>۱۸</sup> تصور نادرست، اما غالب بین تعداد زیادی از مدیرانی که با منابع طبیعی و محیط زیست سروکار دارند، این است که سنگ‌ها و لندفرم‌ها عمدتاً به حدی حجیم، بزرگ و متعدد هستند که مدیریت ویژه‌ی آن‌ها (ژئوکنسرویشن) ضرورتی ندارد. اگرچه این موضوع برای تعدادی از پدیده‌ها درست است، اما ژئودایورسیتی شامل بسیاری از اشکال

شود. اما ادامه کندوکاو ارزش سایت مورد نظر را تهدید می‌کند.<sup>۱۹</sup> جاده‌سازی در کوه‌های ژورا‌ی سوئیس نمونه‌ای از این موارد است. اخیراً در کشور سوئیس، به منظور بهره‌برداری از معدن سنگ آهک، ساخت جاده‌ای در منطقه‌ای نزدیک مرز فرانسه در «کانتون ژورا» در دستور کار قرار گرفت. اما در حین ایجاد ترانشه، رد پاهای مهمی از دایناسورها در کوه‌های ژورا پیدا شد. به خاطر ارزش زیاد این آثار، دولت سوئیس معادن سنگ آهک را به پارک ملی تبدیل کرد.<sup>۲۰</sup>

علاوه بر این، در بعضی موارد عملکرد فرایند هوازدگی به‌طور طبیعی محتویات سنگ بستر را بهتر از زمانی که یک بریدگی و یا یک شکست در داخل سازندها پدید می‌آید، نشان می‌دهد.

## ● اشکال و سیستم‌های ژئومورفیک (لندفرم‌ها)

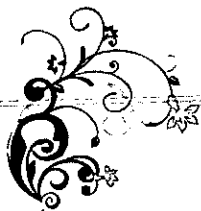
در مقابل اشکال سنگ بستر، در سیستم‌های شکل‌زایی فعال، لندفرم‌ها برای حفظ تمامیت و یکپارچگی خود، به فرایندهای فعال کنونی وابسته هستند. علاوه بر این، همه‌ی لندفرم‌های فعال و غیرفعال با فرایندهای فعال سطحی ارتباط دارند و

اساس سیستم‌های اکولوژیک را تشکیل می‌دهند. تداوم حیات غارها در سیستم‌های کارست، به ذوب تدریجی برف در مناطق کوهستانی که دارای سازندهای آهکی هستند و طی میلیون‌ها سال، غارها و سایر عوارض کارست در آن‌ها شکل گرفته‌اند، وابسته است. در شرایط کنونی، بنا به هر دلیلی مانند تأمین آب برای صنایع و شهرهای بزرگ، اگر انتقال بین حوضه‌ای، بخش قابل توجهی از آب این سیستم را از منطقه خارج کند، سیستم‌های فعال، مانند تشکیل استلاگنیت‌ها و استلاگمیت‌ها، دچار تغییرات برگشت‌ناپذیری خواهند شد. علاوه بر این، با تغییر حجم و کیفیت آب‌های جاری، فرایندهای زیستی و شکل‌زایی در هر دو حوضه‌ی آبریز دچار تغییرات اساسی خواهند شد. بارزترین اثر این تغییر کیفیت، تغییر پوشش گیاهی در حاشیه‌ی رودها و جریان‌های آب خواهد بود.

## اهداف ژئوکنسرویشن

در دنیایی که درگیر مسائل زیست‌محیطی متفاوتی هستیم، علاقه‌مندی به مسائل حفاظت و مدیریت از منابع زیست‌محیطی در حال افزایش است.<sup>۲۱</sup> دیدگاه سنتی که عمدتاً به مدیریت بخش

## طی چند دهه‌ی اخیر، متخصصان علوم زمین کوشیده‌اند تا مدیران پارک‌ها، مسئولان حفاظت و سیاستمداران را به لزوم بازنگری سیاست‌های حفاظتی آگاه سازند



و فرایندهای با اهمیت است که نسبت به تغییرات و آشفتگی‌هایی که به خاطر فعالیت‌های انسان در طبیعت پدید می‌آیند، حساس هستند و ممکن است در صورتی که به‌طور خاص مدیریت نشوند، به آسانی تخریب و نابود شوند. علاوه بر این، بسیاری از عناصر ژئودایورسیتی، پدیده‌ها و لندفرم‌های فسیل یا میراث هستند که در صورت تخریب برگشت‌ناپذیرند.<sup>۲۲</sup> به عبارت دیگر، توسط تعدادی از فعالیت‌های انسانی تهدید می‌شوند.<sup>۲۳</sup> در شرایطی که بسیاری از تغییرات ایجاد شده بر روی کره زمین منشأ انسانی دارد، مشکل بحرانی علوم زمین (زمین‌شناسی و ژئومورفولوژی) در حال حاضر، حفظ میراث زمین‌شناسی است.<sup>۲۴</sup> نمونه‌هایی از این موارد عبارت‌اند از:

- سایت‌های مهم دارای فسیل‌ها و منابع معدنی که مساحت محدودی دارند، به‌خاطر کندوکاو کنترل نشده، جمع‌آوری علمی توسط سازمان‌ها و ادارات و علاقه‌مندان به داشتن کلکسیون، تخریب شود. بسیاری از فسیل‌ها بسیار حساس و شکننده هستند و برای حفظ ارزش‌های آن‌ها می‌توان اقداماتی مانند محدود کردن

بوده‌اند، شکل گرفته‌اند، ممکن است در صورت تخریب مجدداً ایجاد نشوند و به خاطر فرسایش انسانی شدید، فرم و محدوده‌ی آن‌ها به سرعت تغییر یابد.

● بسیاری از انواع خاک‌ها، به فرسایش شدید و سایر بلایایی که به تغییر کمی آن‌ها می‌انجامد حساس هستند. خاک‌های ایجادشده از سنگ‌های آهک و خاک‌های پیت، نمونه‌هایی از این قبیل هستند که به خاطر مدیریت نادرست و آتش‌سوزی‌ها از بین می‌روند. با توجه به موارد فوق، دو هدف عمده‌ی ژئوکسرویشن را می‌توان به‌صورت زیر بیان کرد:

### ● حفظ ژئودایورسیتی

یکی از اهداف ژئوکسرویشن، حفظ نمونه‌های حائز اهمیت در ژئودایورسیتی است که شامل سنگ بستر، لندفرم و اشکال خاک است. این هدف بر رویکرد سنتی میراث علوم زمین تأکید

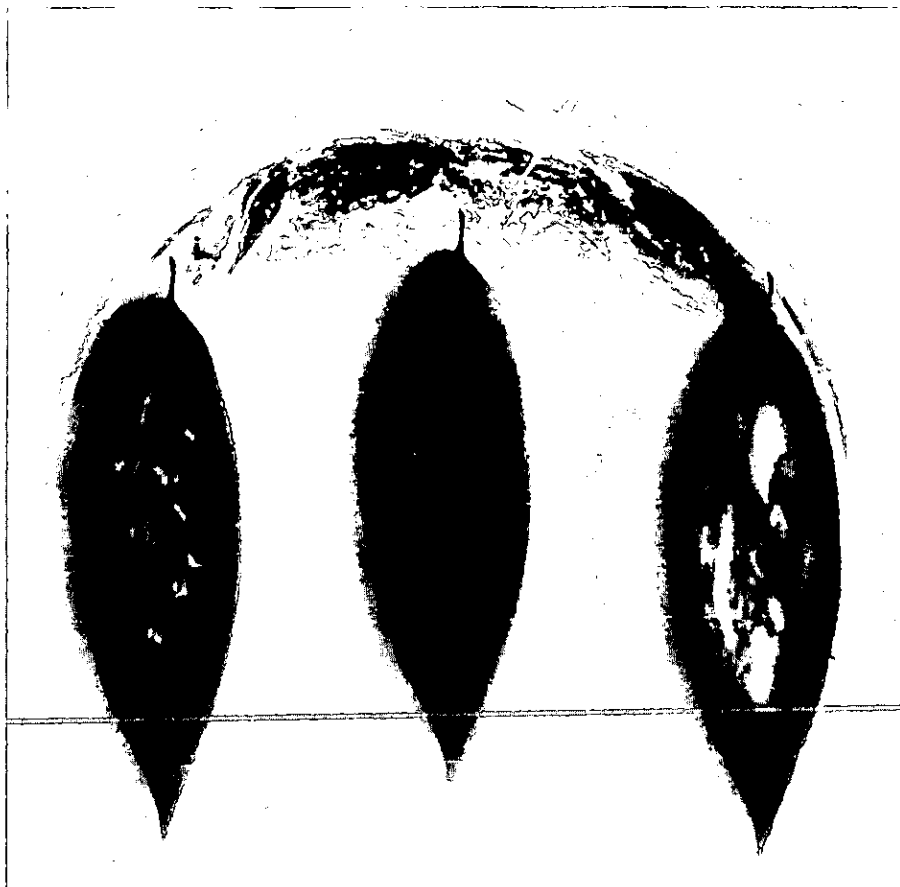
دست‌رسی به سایت و اجتناب از نمونه‌برداری زیاد را انجام داد. ● سیستم‌های لندفرم رودخانه‌ای، ساحلی و کارست که فرایندهای فعالی دارند، ممکن است به خاطر پاکتراشی پوشش گیاهی در حوضه‌های آبریز یا فعالیت‌های معدنی، تخریب شوند و در نتیجه، تغییراتی در رژیم هیدرولوژی، بودجه‌ی رسوب، شیمی آب و سایر پارامترها پدید آید که به نوبه‌ی خود بر لندفرم‌ها و زندگی جوامع بیولوژیکی در سیستم‌های کارست و لندفرم‌های فعال اثر مخرب بگذارد.

● لندفرم‌های غیرفعال (میراث یا فسیل)، مانند تپه‌های ماسه‌ای پلیستوسن، مورن‌های یخچالی، مئاندرها و دلتاهای متروک، جنبه‌های مهمی از دانش علوم زمین را تشکیل می‌دهند و درباره‌ی شرایط محیط زیست دیرینه، اطلاعات با ارزشی را در اختیار ما می‌گذارند. چون این اشکال توسط فرایندهایی که در گذشته فعال

جدول ۱. اهداف ژئوکسرویشن برای عناصر هشت گانه تنوع زیستی

| اهداف مدیریت ژئوکسرویشن  | شرایط | طبقه             | ردیف |
|--|-------|------------------|------|
| حفظ یکپارچگی رُخ‌نمون و انتقال نمونه‌ها برای نگهداری   | کمیاب | سنگ و صخره       | ۱    |
| حفظ رُخ‌نمون و تشویق مسئولان در جمع‌آوری و نگهداری آنها  | عادی  |                  |      |
| حفظ یکپارچگی رُخ‌نمون‌ها و انتقال نمونه‌ها برای نگهداری  | کمیاب | کانی             | ۲    |
| حفظ رُخ‌نمون و تشویق مسئولان برای جمع‌آوری و نگهداری آنها  | عادی  |                  |      |
| در جاهایی که امکان پذیر است فسیل‌ها در مکان خود حفظ شوند در غیر این‌صورت برای نگهداری جابجا شوند | کمیاب | سنگواره          | ۳    |
| تشویق مسئولان برای جمع‌آوری و نگهداری آنها   | عادی  |                  |      |
| حفظ یکپارچگی لندفرم‌ها و احیا آنها بر اساس اعتبارشان   | -     | لند فرم‌ها       | ۴    |
| حفظ توپوگرافی رُخ‌نمون سنگها و فرایندهای فعال چشم اندازه‌ها و احیا آنها بر اساس اعتبارشان        | -     | چشم انداز        | ۵    |
| حفظ و اعاده یکپارچگی فرایند  | -     | فرایندها         | ۶    |
| حفظ کیفیت، کمیت و عملکرد خاک   | -     | خاک‌ها           | ۷    |
| تشویق استفاده پایدار و ارزشمند که زمینه‌های تاریخی و جدید دارند                                  | -     | سایر منابع زمینی | ۸    |

منبع: Gray, 2005 با تغییر



فرایندهای علوم زمین در حدود طبیعی آنها حفظ کند و تعادل طبیعی را در فرایندهای اکولوژیکی وابسته به فرایندهای علوم زمین در مقیاس وسیع برقرار کند. بلایایی مانند فرونشینی سریع مناطق کارست، فرسایش شدید و زمین لغزشها با توجه به آشفتگی‌هایی که انسان‌ها در طبیعت ایجاد می‌کنند، نمونه‌هایی از نرخ‌های غیرطبیعی تغییرات سیستم‌های ژئومورفیک و خاک است. به عبارت دیگر، این حفاظت صرفاً به مثابه حفظ یک موزه‌ی طبیعی ایستا نیست، بلکه حفظ ظرفیت سیستم‌های طبیعی نسبت به تغییرات و تکامل آنهاست. دقیقاً به همین دلیل است که حفظ این سیستم‌های پویا نیازمند نگرشی سیستمی و فراگیر است. با

دارد که اشکال را به دلیل ارزش‌های پژوهشی و آموزشی‌شان مورد حفاظت قرار می‌دهد. در نتیجه، برای حفظ غنای میراث علوم زمین حائز اهمیت است، زیرا ژئودایورسیتی تمامیت فرایندهای اکولوژیکی در مقیاس وسیع را مدنظر قرار می‌دهد و همچنین به شناخت ارزش ذاتی زمین پدیده‌ها توجه دارد. این هدف در عمل از طریق فهرست‌برداری عناصر مهم و ویژه‌ی ژئودایورسیتی، به حفظ آنها می‌پردازد و می‌خواهد ارزش‌های طبیعی آنها را حفظ کند. بسیاری از کشورهای اروپایی، چین، استرالیا و نیوزیلند در این زمینه اقدامات مؤثری انجام داده‌اند. گری، پدیده‌ها و فرایندهای مورد توجه ژئوکنسرویشن را به هشت گروه عمده تقسیم‌بندی کرده و هر یک از آنها را در دو حالت شرایط عادی و استثنایی مورد بررسی قرار داده است (جدول ۱).

**اگرچه زمین در حال تغییر است، اما همه‌ی این تغییرات، خواه با منشأ طبیعی یا انسانی، خوشایند نیستند**

### ● حفظ نرخ‌های طبیعی و بزرگی تغییرات

ژئوکنسرویشن می‌کوشد، فرایندهای زمین‌شناسی، ژئومورفولوژیکی و خاک‌زایی فعال را به خاطر ارزش ذاتی



اقداماتی که برای حفاظت یک سایت باستانی می‌شود تفاوت‌های اساسی دارد.

بعضی از زمین‌شناسان معتقدند که طبق اسناد زمین‌شناسی، تغییراتی که در گذشته اتفاق افتاده‌اند، کم و بیش امروزه هم ممکن است اتفاق بیفتند. بعضی از مردم هم از این‌گونه تحلیل‌ها برای توجیه تخریب لندفرم‌ها استفاده می‌کنند و اعتقاد دارند، دیر یا زود فرایندهای فرسایشی طبیعی این کار را انجام می‌دهند. اگر این‌گونه تحلیل‌ها را بپذیریم، دیگر نیازی به هیچ‌گونه عملیات حفاظتی نیست؛ چون در نهایت همه چیز نابود می‌شود. تأکید ژئوکسرویشن، بر حفظ نرخ‌های طبیعی و بزرگی تغییرات است و به این واقعیت اشاره دارد که اگرچه زمین در حال تغییر است، اما همه‌ی این تغییرات، خواه با منشأ طبیعی یا انسانی، خوشایند نیستند. دو گروه عمده از پدیده‌ها وجود دارند که ژئوکسرویشن قصد دارد، آن‌ها را حفاظت کند: گروهی از این پدیده‌ها و اشکال مربوط به فرایندهایی هستند که در گذشته فعال بوده‌اند و در حال حاضر فعال نیستند و یا نقش چندان مؤثری در ایجاد همان پدیده‌ها ندارند (اشکال فسیل یا میراث). گروه دیگر، مربوط به فرایندها و لندفرم‌هایی هستند که در حال حاضر فعال‌اند (اشکال فعال). مدیریت این پدیده‌ها و فرایندها از جنبه‌های بسیاری باهم متفاوت است:

**الف) سیستم‌های فعال:** لندفرم‌ها و سیستم‌های خاک که متأثر از شرایط محیطی فعال در حال تغییر و تکامل هستند، در این مجموعه قرار می‌گیرند.<sup>۲۲</sup> شکل‌گیری مخروط‌افکنه‌ها در سیستم‌های رودخانه‌ای، دلتاها در سیستم‌های ساحلی، استلاگیت و استلاگیت در سیستم‌های کارست و غارها، و تلماسه‌ها در سیستم فرسایش بادی، نمونه‌هایی از لندفرم‌های شکل گرفته توسط فرایندهای فعال کنونی هستند. در مواردی ممکن است شکل‌گیری این اشکال در نتیجه‌ی فرسایش لندفرم‌های میراث و تراکم آبرفت‌های آن‌ها به صورت اشکال فعال جدید باشد. برای مثال، در بسیاری از موارد بین شکل‌گیری دلتاها و فرسایش پادگانه‌های آبرفتی رابطه‌ی مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. لندفرم‌های معاصر و سیستم‌های خاک، نه فقط به خاطر ارزش ذاتی و حفظ تنوع ژئوتوپ‌ها، بلکه به خاطر اهمیت اساسی که در سیستم‌های اکولوژیکی دارند، حائز اهمیت هستند. بنابراین، یکی از اهداف عمده ژئوکسرویشن حفظ نرخ‌های طبیعی و بزرگی تغییرات در لندفرم‌های معاصر و سیستم‌های خاک است؛ تا علاوه

بر حفظ میراث زمین، ارزش‌های اکولوژیکی آن‌ها هم حفظ شود. چون تکامل اشکال معاصر به صورت فعال صورت می‌گیرد، در صورتی که میزان تخریب محدود باشد، ممکن است آشفستگی‌های ایجاد شده به وسیله‌ی انسانی، توسط عوامل طبیعی مرمت و فرایندهای طبیعی مجدداً فعال شوند. برای مثال، به خاطر فعالیت‌های معدنی در حوضه‌های آبریز، ممکن است به دلیل انباشت رسوب، آبراه‌ها مسدود شوند. اما در صورتی که فعالیت‌های معدنی به‌عنوان عامل اصلی رسوب‌گذاری سریع، تعطیل شوند، رود قادر خواهد بود رسوب‌های اضافی را تخلیه و کانال‌ها به شکل طبیعی اولیه‌ی خود برگردند. با این حال، ظرفیت مرمت لندفرم‌های طبیعی فعال و سیستم‌های خاک با عوامل زمانی و مقیاس کار، محدود می‌شود. در بسیاری از موارد، لندفرم‌های طبیعی یا سیستم خاک که توسط انسان تخریب شده‌اند. طی دوره‌های طولانی‌تر از عمر انسان مرمت می‌شوند و به حالت طبیعی برمی‌گردند. در بعضی موارد، مقیاس تخریب به حدی بزرگ است که هرگز به شرایط طبیعی برنمی‌گردد و سیستم با تغییرات انسانی ایجاد شده به یک تعادل جدید می‌رسد که محیط خود را هم تغییر می‌دهد. نرخ زیاد رواناب و سیلاب در یک حوضه آبریز که از حالت اولیه به صورت منطقه شهری یا کشاورزی درآمده، ممکن است به فرسایش کانال‌های رود به صورت دائمی بینجامد.

وقتی که احیای اشکال طبیعی در بلندمدت صورت گیرد و یا سیستم‌های طبیعی دچار تغییرات دائمی شده باشند، به خاطر فعالیت‌های انسان، نرخ‌های طبیعی و بزرگی تغییرات در سیستم‌های معاصر نیز به شدت تغییر می‌یابد. این موضوع به نوبه‌ی خود بر سایر جنبه‌های سیستم‌های اکولوژیکی که وابسته به لندفرم‌های طبیعی و سیستم‌های خاک هستند، تأثیر می‌گذارد و در نتیجه به‌طور بالقوه، ارزش‌های اکولوژیکی و بیولوژیکی مهم کاهش می‌یابند. تغییرات بلندمدت و دائمی فرایندهای فعال سیستم‌های طبیعی ممکن است به دلیل بهره‌برداری از منابع طبیعی مورد نیاز انسان، قابل قبول تلقی شوند. اما جایی که ارزش‌های ژئوکسرویشن یک ناحیه یا لندفرم معاصر یا سیستم‌های خاک در معرض تخریب قرار می‌گیرند، باید حفاظت از آن‌ها مورد توجه قرار گیرد و میزان فرسایش انسانی به حداقل رسانده شود. در این مورد، به جای در پیش گرفتن رویکرد مختص به یک مکان خاص، باید تمام حوضه‌ی آبریز به صورت یکپارچه و مرتبط با هم در نظر گرفته شود و به‌جای توجه به یک لندفرم خاص،

## ● نتیجه گیری

طی سه دهه‌ی اخیر مطالعاتی که انجام شده‌اند، حفاظت بیولوژیکی را برای آحاد بشر ضروری دانسته‌اند و در نتیجه، تهدید از بین رفتن تنوع زیستی در سطح جهانی مورد توجه قرار گرفته است.<sup>۲۵</sup> تا چند دهه‌ی پیش، هیچ شناخت بین‌المللی از سایت‌های میراث زمین و اهمیت حفاظت از آن‌ها وجود نداشت.<sup>۲۶</sup> تا این‌که در سال ۱۹۹۱ در شهر دیزن فرانسه، اولین سمپوزیوم بین‌المللی حفاظت از میراث زمین برگزار شد. در بندهایی از بیانیه‌ی پایانی این سمپوزیوم بر ژئودایورسیتی و ژئوکنسرویشن چنین تأکید شده است:

«... زمان آن فرا رسیده است که میراث طبیعی‌مان را هم حفظ کنیم. گذشته‌ی زمین کم‌اهمیت‌تر از گذشته‌ی بشر نیست. بشر و کوه‌ی زمین میراث مشترکی دارند که ما دولت‌هایمان متولی آن هستیم. هر یک از ما به‌عنوان یک انسان باید بفهمیم، کوچک‌ترین تخریب به خسارات جبران‌ناپذیری در آینده می‌انجامد. همه‌ی اولیای امور در سطح ملی و بین‌المللی مصراحتاً خواستار اقدامات

تمامی فرایندهای کنترل‌کننده‌ی این اشکال مورد توجه قرار گیرد. بنابراین در مدیریت اشکال کارست فعال یا سیستم‌های لندفرم روخانه‌ای مهم؛ ضروری است فرایندهای ژئومورفیک طبیعی در سراسر حوضه‌ی آبریز حفظ شوند، نه فقط به‌صورت محلی برای یک کانال رود و یا یک غار خاص.<sup>۲۷</sup>

(ب) اشکال میراث (فسیل): اشکال میراث شامل بخش عمده‌ای از سنگ بستر دوره‌های زمین‌شناسی گذشته، لندفرم‌های ایجاد شده در محیط‌های گذشته که در حال حاضر در منطقه فعال نیستند (مورن‌ها در حاشیه‌ی دشت‌های مناطق کم‌آب کنونی) و خاک‌های فسیل است که از لحاظ ژئوکنسرویشن مهم هستند. اهمیت این اشکال برای ژئوکنسرویشن عمدتاً به خاطر ارزش ذاتی و میراث زمین است که نشانه‌هایی از محیط‌های گذشته محسوب می‌شوند و بدون وجود آن‌ها نمی‌توان در مورد شرایط گذشته‌ی زمین حیات و آنچه که در حال حاضر صورت می‌گیرد، اظهار نظر کرد.

چون اشکال میراث در شرایطی متفاوت از وضعیت کنونی شکل گرفته‌اند، هرگونه تغییر انسان ساخته، تأثیرات برگشت‌ناپذیری بر آن‌ها خواهد داشت و تخریب چنین اشکالی به از بین رفتن همیشگی آن‌ها منجر خواهد شد. بنابراین، فعالیت‌هایی مانند برداشت معادن باید کنترل شود. علاوه بر این، حفظ چنین اشکالی، مستلزم حفظ فرایندهای گسترده‌تری که امکان دارد در

## در قوانین حفاظت از طبیعت، به حفظ میراث زمین‌شناسی توجهی نمی‌شود که احتمالاً فقدان آشنایی با ژئودایورسیتی، دلیل عمده‌ی آن است

منطقی، مالی و سازمانی لازم برای بررسی و حفاظت از میراث زمین شدند.<sup>۲۷</sup> پس از آن، حفاظت از ژئوسایت‌ها در دستور کار بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، قرار گرفت. یکی از اهداف ایجاد انجمن حفاظت از میراث زمین اروپا، همین موضوع بود که در بیانیه‌ی سمینارهای برگزار شده هم مورد تأکید قرار گرفته بود.<sup>۲۸</sup>

اما به همان نسبت که اصطلاح ژئودایورسیتی چند دهه دیرتر از بیودایورسیتی وارد ادبیات علمی علوم زمین شد، مفهوم ژئوکنسرویشن هم با بیوکنسرویشن فاصله‌ی زمانی دارد. اکثر مردم حفاظت از طبیعت را مترادف با حفظ تنوع زیستی می‌دانند.<sup>۲۹</sup> در قوانین حفاظت از طبیعت، به حفظ میراث زمین‌شناسی توجهی نمی‌شود که احتمالاً فقدان آشنایی با ژئودایورسیتی، دلیل عمده‌ی آن است.<sup>۳۰</sup> به رغم تلاش‌های انجام شده در اکثر کشورها، موضوع

پهنه‌ی وسیع‌تری انجام گیرند، نیست؛ چون این فرایندها امروزه وجود ندارند. بنابراین، در مقایسه با سیستم‌های فرایند فعال، حفظ پدیده‌های میراث، غالباً تا حدود زیادی با حفاظت خود سایت امکان‌پذیر است. این روش حفاظتی برای سایت‌هایی که فسیل در آن‌ها دیده می‌شود، مؤثر است. در این روش، خود سایت از فعالیت‌های معدنی فرسایش شدید حرکات توده‌ای حفظ می‌شود. اما از سوی دیگر ممکن است، ارزش این سایت‌ها به‌عنوان میراث زمین توسط فرایندهایی که در حال حاضر در محیط‌های اطراف صورت می‌گیرند (مانند فعالیت‌های معدنی)، در معرض خطر باشد. علاوه بر این، فعالیت‌های انسان در ابعاد گسترده‌تر ممکن است به فرایندهایی منجر شود که ارزش خود سایت را تهدید کند. مثلاً سایت‌های فسیل در سواحل رود را، آشفستگی‌هایی که در حوضه‌ی آبریز پدید می‌آیند، به نابودی تهدید می‌کنند.<sup>۳۱</sup>

geosites and geoparks, current science, vol, 91, no, 10, 25 november 2006.

2. Brilha, J. (2002). Geoconservation and protected areas. Environmental conservation, 29, pp 273-276.
3. Brilha, Jose Bernardo. Dias, Graciete (2004). Protected area interpretation based on geology, Abstract 32<sup>nd</sup> IGC-Florence, 2004.
4. Coratza, P, Giusti, c(2002). A method for the evaluation of impacts on scientific quality of Geomorphosites. Geomorphological Sites: research, assessment and improvement-Workshop Proceedings, Modena (Italy), 19-22 June 2002, Edited by P. Coratza and M. Marchetti.
5. Gerardo, B, Anna Elisa Maniglio calagno, A, E., Mazzino, F (2002). The Geosites, role and the landscape European convention, Geomorphological Sites: research, assessment and improvement-Workshop Proceedings, Modena (Italy), 19-22 June 2002, Edited by P. Coratza and M. Marchetti.
6. Gray, Murray (2004). Geodiversity: valuing and conserving a biotic nature, John Wiley & sons, Ltd.
7. Gray, Murray (2005) Geodiversity and geoconservation: An international perspective, Salt Lake City annual meeting, October 16-19, 2005.
8. Gray, Murray (2005) Geodiversity and Geoconservation: What, Why, and How?, The George Wright Forum, Volume 22, Number 3.
9. Kozlowski, Stefan (2004) Geodiversity: The concept and scope of geodiversity, Przegląd Geologiczny, Vol, 52, no.8/2.
10. Marina, V dovets (2004). Geological heritage or Russia as an information basis for the geotourism development, Abstract 32<sup>nd</sup> IGC-Florence, 2004.
11. Pemberton, Michael (2007). A brief conservation of geodiversity and geoconservation, Department of Primary Industries and Water, Tasmania, October 2007.
12. Reynard, E, Coratza, P. (2003). Report of the administrative meetings of working group geomorphological sites. Modena, Italy.
13. Sharples, C. (2002). Concepts and principals of geoconservation. Tasmanian. Parks & Wildlife Service Website, Version 3. September 2002.
14. Stanley, M. (200). Geodiversity. Earth Heritage 14:15-18.
15. UNESCO, (2006). Guideline and criteria for national geoparks seeking UNESCOs assistance to join the global geoparks network.
16. UNESCO, (2007). Guideline and criteria for national geoparks seeking UNESCOs assistance to join the global geoparks network.
17. UNESCO, (2008). Guideline and criteria for national geoparks seeking UNESCOs assistance to join the global geoparks network.
18. www.coppercoastgeopark.com
19. www.progeo.se/digne.html
20. www.progeo.org.se
21. www.dct.uminho.pt/cct/progeo(2005).Final declaration IV international symposium progeo on the conservation of the geological heritage.
22. Zhao Xun and Wang Milly (2002). National geoparks initiated in China: putting geoscience in the service of society, Episodes, Vol.25, no. 1.pp33-37.

حفاظت از ژئوسایت‌ها به کندی گسترش می‌یابد. در هر دو گروه کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، فشار و تأثیر فعالیت‌های انسانی بر پدیده‌های زمین‌شناسی و ژئومورفولوژی در حال افزایش است. بنابراین، آگاهی بیشتر از موضوع ژئوکنسرویشن در سطح علمی و رسمی، از اهمیت زیادی برخوردار است. به نظر می‌رسد در کنار افزایش آگاهی‌های عمومی در مورد اهمیت حفاظت از میراث زمین، توسعه‌ی چارچوب حقوقی ژئوکنسرویشن اهمیت بسیار زیادی دارد.<sup>۲۱</sup> صرف تصویب قوانین برای حفاظت از ژئوسایت‌ها کافی نیست، بلکه باید اقدامات فرهنگی مداوم و مؤثری نیز انجام داد تا مردم ضرورت تغییر دیدگاه نسبت به لندفرم‌ها را بیشتر درک کنند.<sup>۲۲</sup> با توجه به این که یکی از اهداف ژئوپارک‌ها، آموزش عمومی‌سازی علوم زمین برای تمام مردم است، از این طریق می‌توان آگاهی مردم را نسبت به ژئوسایت‌ها و ژئوکنسرویشن افزایش داد.

پی‌نوشت

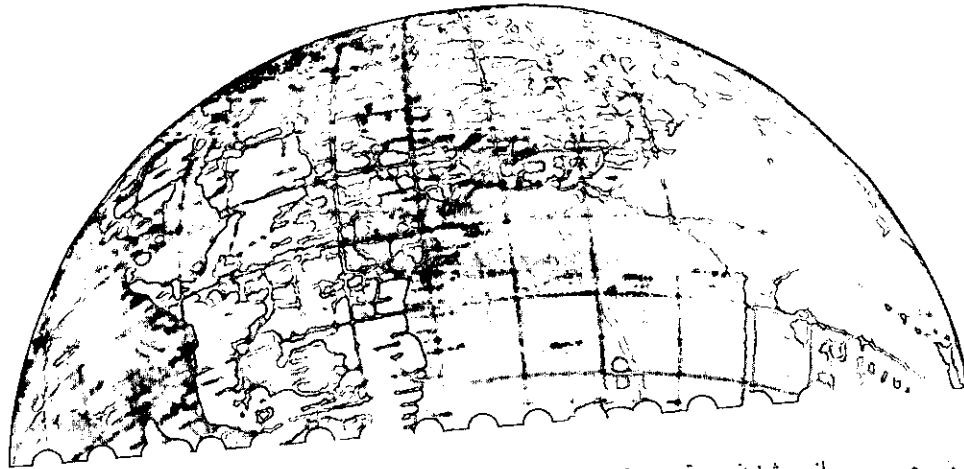
1. Gray, 2004
2. sharples, 2002
3. Brilha and Dias, 2004
4. Kozlowski, 2004
5. sharples, 2002
6. zhao xun and wang Milly, 2002
7. www.progeo.org.se
8. sharples, 2002
9. Gray, 2005
10. Stanley, 2000.
11. Kozlowski, 2004.
12. ebrhard
13. sharples, 2002.
14. Ibid.
15. Ahluwalia, 2006
16. Coratza and Giusti 2002
17. sharples, 2002
18. Brilha and Dias, 2004
19. sharples, 2002.
20. Gray, 2005.
21. Marina, 2004.
22. sharples, 2002
23. Ibid.
24. Ibid.
25. Brilha, 2002
26. UNESCO, 2006, 2007&2008.
27. www.progeo.se/digne.html
28. www.dct.uminho.pt/cct/progeo2005
29. Pemberton, 2007.
30. Brilha, 2002.
31. Reynard and Coratza, 2005
32. Gerardo and etal, 2002

منابع

1. Ahluwalia, Arun, D. (2006), Indian heritage, geodiversity:



### چکیده



یکی از پیامدهای مهم در عصر جهانی شدن و توسعهی «فناوری اطلاعات و ارتباطات» (ICT)، تحول گسترده در مفهوم و کارکرد مرزهای سیاسی و بین‌المللی است. دولت - ملت‌ها نمی‌توانند از مرزهای خود بنا به تعاریف مرز در دوران گذشته، انتظار کنترل انسان، کالا و اندیشه را داشته باشند. هدف از این تحقیق، ضمن بررسی تاریخی ماهیت و کارکرد مرز در دوران گذشته، پرداختن به یکی از پدیده‌های عصر پست‌مدرن، یعنی مرزهای مجازی و سایبرنتیک است که با توسعهی فناوری اطلاعات و ارتباطات، مفهوم پیدا کرده است. این مقاله، با رویکردی توصیفی-تحلیلی به مسئله‌ی فوق توجه کرده و به این نتیجه رسیده است که مرزهای جغرافیایی از بین نمی‌روند و متناسب با پویایی (دینامیسم) جامعه‌ی بشری، به لحاظ کارکرد و ماهیت تغییر یافته‌اند و نقش‌های جدیدی را به عهده می‌گیرند. به نظر می‌رسد صیانت از هویت‌ها، مهم‌ترین بعد کارکردی مرز در عصر جهانی شدن است.

کلید واژه‌ها: مرزهای مجازی، کارکرد مرز، فناوری اطلاعات و ارتباطات، جهانی شدن.

# جهانی شدن و اشاعه‌ی مرزها در فضای مجازی

هادی ویسی

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

### مقدمه

شکل‌گیری مرزها، تفکیک قلمروهای سیاسی ملت‌های مختلف است. زیرا مرزها بیش از آن‌که مشخص‌کننده‌ی محیط طبیعی باشند، متمایزکننده‌ی حاکمیت و مالکیت ملت‌ها هستند. کارکرد و نقش مرزها، متناسب با زمان و تحول فناوری، تغییر می‌کند. این نقش‌ها می‌توانند به شکل اقتصادی، نظامی-دفاعی باشند و یا به صورت تفکیک قلمرو حاکمیت دو کشور، محل تعامل

مرز و تغییرات مرزی، از اصلی‌ترین موضوعات مورد توجه در جغرافیای سیاسی است. مفهوم مرز به شکل امروزی، به زمان «معاهده‌ی صلح و ستفالیایا» در سال ۱۶۴۸م برمی‌گردد که دولت‌ها بنا به درخواست ملت‌ها به وجود آمدند. بدین ترتیب، «منطقه‌ی سرحد»<sup>۱</sup> که گستره‌ی وسیعی را دربر می‌گرفت، جای خودش را به «مرز»<sup>۲</sup> داد که به صورت خط روی زمین ترسیم شد. فلسفه‌ی

نظام (سیستم) دولت، جداسازی جوامع پیرامونی (که هویت بوم‌شناسانه و یکپارچه دارند)، و کنترل تعاملات اجتماعی و مهاجرت‌ها محسوب شوند.<sup>۲</sup> تاکنون کارکرد اصلی مرزها را چنین بیان کرده‌اند: تفاوت نمایی بین دو فضای جغرافیایی، تفکیک دو حاکمیت مستقل، یکپارچه‌سازی یک ملت، پایان دادن به نزاع و تأمین امنیت بین دو کشور، و بالاخره برقراری ارتباط و تعامل بین دو ملت.<sup>۳</sup>

با توسعه‌ی فزاینده‌ی «فناوری اطلاعات و ارتباطات»<sup>۴</sup> در عصر «جهانی شدن»<sup>۵</sup> و پیدایش و توسعه «فضای مجازی»<sup>۶</sup>، مرزهای سیاسی و بین‌المللی کارکردهای گذشته خود را تا حدود زیادی از دست داده‌اند. از این پدیده جغرافیای سیاسی دیگر نمی‌توان کنترل کالا، انسان و اندیشه، و حفظ استقلال کامل دولت - ملت‌ها را انتظار داشت. بلکه ضمن حفظ برخی ویژگی‌های گذشته‌ی خود، کارکردهای جدیدی را در دنیای جهانی شدن متأثر از فناوری اطلاعات و ارتباطات بر عهده گرفته که با کارکردهای اولیه خود متفاوت است.

### روش تحقیق و فرضیه‌ها

این تحقیق با رویکردی توصیفی-تحلیلی به تحول مفهوم مرزهای سیاسی و بین‌المللی در عصر اطلاعات و جهانی شدن پرداخته و به دنبال تبیین فضای سایبر و پیدایش مرزهای مجازی در این محیط بوده است. فرضیات تحقیق عبارت‌اند از:

۱. فناوری اطلاعات و ارتباطات کارکرد مرزها را تضعیف کرده و باعث فرسایش آن‌ها شده است.
۲. دولت - ملت‌ها و کاربران فضای سایبر، برای ایجاد و صیانت از هویت خود، مرزهای مجازی ایجاد کرده‌اند.

### چارچوب نظری تحقیق

کشور یک واحد سیاسی- جغرافیایی است که از پیوند سه پدیده‌ی سرزمین، ملت و حکومت به وجود می‌آید.<sup>۷</sup> به نظر می‌رسد که این سه عنصر در چارچوب مرز، مفهوم اصلی خود را

پیدا می‌کنند. حق هر کشور برای کنترل سرزمین خود، درون مرزهایش تعریف شده است و از سوی جامعه‌ی بین‌المللی به رسمیت شناخته می‌شود.<sup>۸</sup>

مرزهای سیاسی، مهم‌ترین عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی از واحدهای دیگرند. وجود همین خطوط است که وحدت سیاسی را در یک سرزمین، که ممکن است فاقد هر گونه وحدت طبیعی یا انسانی باشد، ممکن می‌سازد.<sup>۹</sup> در حالت کلی، انسان برای مشخص ساختن پیرامون جولانگاه خود، آن‌گونه که با گستره‌ی جولانگاه همسایه تداخل نیابد، ناچار به تعیین خطوط قراردادی در بخش پایانی پیرامون محیط‌زیست و قلمرو خود است. گونه‌ی گسترش یافته‌ی این مفهوم، خط پیرامونی است که بخش پایانی جولانگاه یک ملت را مشخص می‌سازد و جنبه‌ی سیاسی پیدامی‌کند و مرز خوانده می‌شود.<sup>۱۱</sup> مرز یک خط نیست، بلکه سطحی عمودی است که از طریق فضا، خاک و زیرزمین، دولت‌های همسایه را برش می‌دهد که این سطح در روی زمین به صورت یک خط به نظر می‌رسد.<sup>۱۲</sup>

با توسعه‌ی فناوری اطلاعات و ارتباطات، بسیاری از افراط‌گرایان جهانی شدن سخن از حذف مرزها سر دادند. اما نگاه واقع‌بینانه به این مسئله نشان می‌دهد که مرزها ماهیت جداکنندگی خود را از دست نداده‌اند. ساک تأکید می‌کند که نوعی نیروی فوق‌العاده‌ی ذاتی در ترسیم و نگه‌داری مرزها وجود دارد که به سادگی از بین نمی‌رود. هم‌چنین وی معتقد است که نیروی مرز، از ساده و واضح بودن آن به عنوان شکلی از ارتباطات سرچشمه می‌گیرد.<sup>۱۳</sup>

پاسی<sup>۱۴</sup> تأکید می‌کند که «قلمروخواهی»<sup>۱۵</sup> در جهان سیال با جدیت خاصی دنبال می‌شود، اما اشکالی که در قلمروخواهی اتفاق می‌افتد، از پیچیدگی بیشتری نسبت به گذشته برخوردارند. قلمروخواهی و محصور بودن، مفاهیم ارزشمند و قدرتمندی برای فهم کنش‌های «برخط»<sup>۱۶</sup> هستند. این کنش‌ها دلالت صریحی برای تعیین حدود

مرزهای قلمروخواهی دارند.

ماهیت مرزها در عصر جهانی شدن، کاهش کارکردهای

## ماهیت مرزها در عصر جهانی شدن، کاهش کارکردهای اقتصادی و کنترل فرسایشی تبادل اطلاعات، سرمایه، کالا و انسان است

اقتصادی و کنترل فرسایشی تبادل اطلاعات، سرمایه، کالا و انسان است. اما بُعد توسعه یافته و قدرتمند کارکرد مرز که با

### ۱. کارکرد مرز در فضای واقعی

با توسعه و تثبیت گفتمان حاکم علمی در دهه‌ی اخیر، یعنی گفتمان جهانی شدن، بحث‌های گسترده‌ای در خصوص تغییرات ساختاری طبیعت مرزها و سرزمین صورت گرفته است. این تغییرات متنوع به عنوان «فرایند فرسایشی سرزمین»<sup>۱۱</sup> و مرز معرفی شده‌اند.<sup>۱۲</sup> به عبارت دیگر، با پیشرفت‌های فناورانه‌ی اطلاعات و ارتباطات و انقلاب رسانه‌ای در جهان، بسیاری از اندیشمندان علوم اجتماعی و اقتصادی خبر از حذف مرزها و شکل‌گیری «دهکده‌ی جهانی»<sup>۱۳</sup> را دادند. همچنین، توسعه‌ی شبکه‌های اقتصادی و شرکت‌های چند ملیتی، حذف برخی امور گمرکی در بعضی کشورها، و روند روبه‌رشد هم‌گرایی‌های اقتصادی در جهان سرمایه‌داری و اشاعه‌ی آن به نقاط متفاوت جهان، سبب شد که افراط‌گرایان جهانی شدن، بیشتر از آن‌چه که فرایندهای جهانی شدن اتفاق افتاده باشند، در وقوع آن‌ها اغراق کنند.

فرانسیس کایرنکراس معتقد است: انقلاب ارتباطات به زوال و مرگ فاصله می‌انجامد که پیامد آن جهان بدون مرز است.<sup>۱۴</sup> پیش از کایرنکراس، دیوید هاروی، متأثر از ارتباطات نوین رسانه‌ای، تعبیر «فشردگی فضا و زمان»<sup>۱۵</sup> را برای تحلیل فرایند جهانی شدن به کار برد.<sup>۱۶</sup> این مباحث بیانگر تحلیل ناقصی از فرایند جهانی شدن هستند که بر فرسایش قلمرو سرزمینی، مرگ فاصله، ظهور فضای سیال و عدم تعلق خاطر انسان به مکان، و نهایتاً مرگ جغرافیا تأکید می‌کنند. گرچه پیوستگی و ارتباطات شبکه‌های جهانی، جهان کروی را به صورت یک نظام درهم تنیده و متصل درآورده است، اما این موارد باعث حذف تقسیمات ناحیه‌ای و منطقه‌ای و خطوط مرزی نشده‌اند. چرا که فلسفه‌ی حیات بر تفاوت‌ها و تمایزات مبتنی است. تفاوت‌های نژادی، زبانی، دینی و... شاکله‌ی هویتی انسان است که به پیدایش مرزها در جوامع انسانی منجر شده است.

در عصر اطلاعات، حساسیت‌های ناحیه‌ای و مرزی تشدید شده‌اند و ملت‌ها با آگاهی بیشتری نسبت به گذشته از مرزهای سرزمینی خود دفاع می‌کنند. در عصر جهانی شدن، نه تنها مرزها

کارکرد مرزهای سایبر توأم شده است، بُعد هویتی و صیانت از هویت فردی، گروهی، قومی و ملی در برابر مفاهیم، ارزش‌ها و پدیده‌های فرایند جهانی شدن است. ملت‌ها، گروه‌ها، اقلیت‌ها، شرکت‌ها و... از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات قادر می‌شوند شبکه ایجاد کنند و به شبکه‌های جهانی متصل شوند. این شبکه‌ها به آنان امکان می‌دهند که منافع، اهداف، نظرات و ایده‌های خویش را به‌طور مستقل تعقیب و بیان کنند.<sup>۱۷</sup> و هویت خویش را در چارچوب دولت ملی و یا خارج از محدودیت‌های دولت ملی ابراز دارند.

جهان خلقت بر پایه‌ی تمایزات و تفاوت‌ها شکل گرفته است. احساس متمایز بودن از دیگران، جزء جدایی‌ناپذیر هویت است.<sup>۱۸</sup> بی‌گمان هویت داشتن در درجه‌ی نخست به معنای خاص بودن و متمایز بودن، ثابت و پایدار ماندن و به جمع تعلق داشتن است. مکان‌وفضا مهم‌ترین عواملی هستند که این نیازهای هویتی انسان را تأمین می‌کنند. به عبارت دیگر، مرزپذیری و قابل‌تحدید بودن مکان‌وفضا، این امکان را فراهم کرده است که انسان‌ها با احساس متمایز بودن، ثبات داشتن و تعلق به گروه، امنیت و آرامش لازم برای زندگی را کسب کنند. در واقع بعد هویت آفرین مکان، ناشی از مرزپذیری و ثابت بودن آن است.<sup>۱۹</sup> هر گونه هویت‌یابی و هویت‌سازی مستلزم ایجاد مرز و توسل به مرجع‌های ثابت و پایدار است.<sup>۲۰</sup> با توجه به این‌که یکی از نیازهای اساسی بشری هویت است، انسان‌ها در هر قالبی از قوم، اقلیت، ملت، گروه‌های دینی و مذهبی، و... از ابعاد هویتی خود در برابر فرایندهای همگون‌سازی جهانی شدن دفاع خواهند کرد و بیش از گذشته، به کنترل مرزهای محلی، ناحیه‌ای و ملی خواهند پرداخت. این خصیصه در هویت دینی و مذهبی از دیگر ابعاد هویتی انسان پررنگ‌تر و برجسته‌تر است.

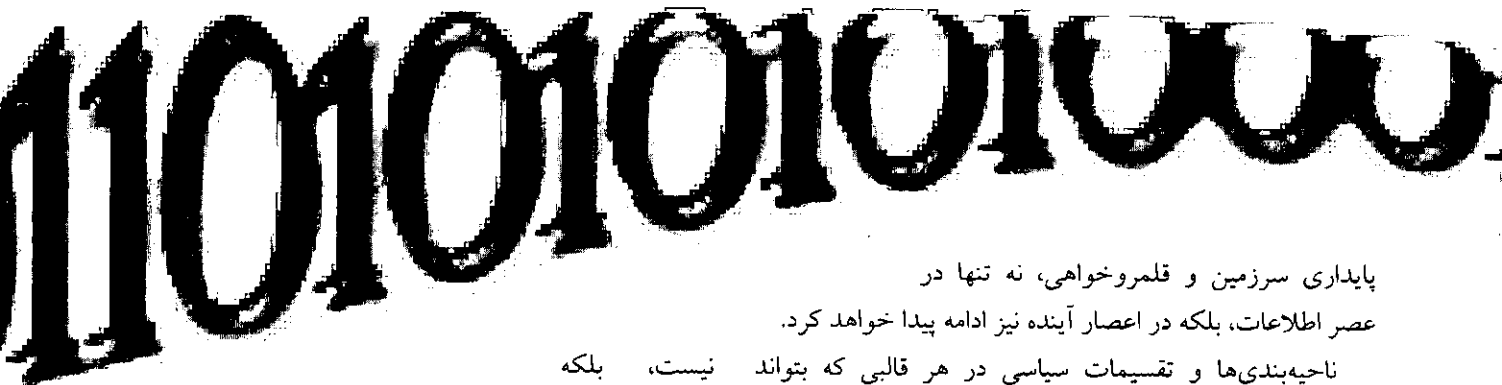
### یافته‌های تحقیق

کارکرد مرزها در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات، در دو فضای واقعی و مجازی (سایبر) قابل مطالعه و بررسی است:



از بین نرفته‌اند، بلکه از فناوری اطلاعات و فناوری‌های مدرن برای کنترل مرزهای بین‌المللی استفاده می‌شود. مرزهای هوشمند و مغناطیسی (مرز میان آمریکا و کانادا)، نمونه‌هایی از مرزهای عصر جهانی شدن هستند. این مرزها در برابر پدیده‌های عصر مدرن، یعنی تروریسم، قاچاق دارو و مواد مخدر، مهاجرت غیرقانونی، تجارت سلاح‌های کشتار جمعی، قاچاق انسان (به خصوص زنان و کودکان)، در سرزمین‌هایی که خود را از بنیان‌گذاران و متولیان فرایند جهانی شدن می‌دانند، شکل گرفته است. بنابراین، ما هم‌اکنون شاهد مرزسازی مجدد و تقویت مرز در یکی از بازرترین مرزها در طول تاریخ هستیم؛ یعنی مرزهای کانادا و ایالات متحده آمریکا.<sup>۳۷</sup> لذا به نظر می‌رسد که خصوصیت ذاتی جداکنندگی مرز،

سیاست‌ها و برنامه‌های همانندسازی و یکسان‌نگری دولت‌های ملی بوده‌اند، هم‌اکنون از طریق این فناوری‌ها به عرضه‌ی هویتی منفرد در سطح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی می‌پردازند. در این زمینه، هانگلودرام برخلاف دیگران که به یکپارچه‌سازی فرهنگ جهانی از طریق اینترنت و سایر رسانه‌های نوین اشاره کرده‌اند، معتقد است: اینترنت به بازآفرینی خصیصه‌های فرهنگی-محلی می‌پردازد،<sup>۳۸</sup> بنابراین، روند جهانی شدن نه تنها به حذف هویت‌های ملی و محلی و فرسایش مرزها نینجامیده، بلکه باعث تقویت و آشکار بودن آن در فضا نیز شده است. موارد ذکر شده منکر کنترل فرسایشی مرز در ارتباط با تبادل اطلاعات و مناسبات تجاری میان دولت - ملت‌ها



پایداری سرزمین و قلمروخواهی، نه تنها در

عصر اطلاعات، بلکه در اعصار آینده نیز ادامه پیدا خواهد کرد.

ناحیه‌بندی‌ها و تقسیمات سیاسی در هر قالبی که بتواند تمایزات و تفاوت‌های فرهنگی، نژادی، زبانی و مذهبی ملت‌ها و اقوام را از دیگران جدا کند، استوار باقی خواهد ماند. امروزه قالب این تمایزات دولت ملی است که اشکال متفاوتی از دولت بیسط، فدرال، ناحیه‌ای، کنفدرال یا کنفدراسیون را شامل می‌شود. در آینده ممکن است واحدهای سیاسی دیگری برای حفظ این تمایزها شکل بگیرند. در همین راستا، هویت‌های مذهبی، نژادی و زبانی تقویت خواهند شد. به منظور پاس‌داری و تقویت هویت‌های محلی و ملی، امروزه ملت‌ها و اقوام زبانی-مذهبی، با استفاده از ابزارهای جهانی شدن نظیر وب‌سایت، وبلاگ، ایمیل، و شبکه‌های ماهواره‌ای و تلویزیونی، به معرفی و تبلیغ هویت‌های خود و انتشار آن در فضای جغرافیایی پرداخته‌اند.

بسیاری از اقلیت‌ها و گروه‌های قومی که در گذشته اسیر

نیست، بلکه

بر بلوک‌بندی و مرزبندی میان

هویت‌های متفاوت تأکید دارد. بنابراین، اصطلاح

«جهانی محلی شدن»<sup>۳۹</sup> شاید عبارت درستی باشد. ضمن این‌که در فرایندهای اقتصادی و تبادل اطلاعات، نظام‌های کروی و جهانی به شدت فعال هستند و فرایند جهانی شدن را پیش می‌برند، از نظر بعد محلی در عرصه‌ی هویتی، محلی‌گرایی و منطقه‌گرایی به منظور حفظ ارزش‌ها محلی و ملی نیز در جهان روبه‌گسترش است. در واقع جهانی محلی شدن، رابطه‌ی منطق جهانی و محلی، هم‌گرایی و واگرایی، همگون‌سازی و ناهمگونی، جهان‌نگری و میکروننگری است؛ جایی که تز و آنتی‌تز نه تنها با هم همزیست‌اند، بلکه کنش و واکنش شیوه‌های سیال و پویا با هم ترکیب شده‌اند.<sup>۴۰</sup> از این منظر، مفهومی که این رابطه‌ی دیالکتیکی را منعکس می‌کند،

جهانی محلی‌گرایی است. درحقیقت، جهانی محلی‌گرایی تلاش برای حفظ تعادل مناسب بین همگنی جهان و رفع نیازهای محلی است.

فرانسیس کایرنکراس معتقد است: انقلاب ارتباطات به زوال و مرگ فاصله می‌انجامد که پیامد آن جهان بدون مرز است

## ۲. کارکرد مرز در فضای مجازی

دولت یا سازمان، واکنش نشان می دهد و مانع از رونمایی آنها می شود.<sup>۳۳</sup> استفاده از خطوط انگشت سبانه برای ورود اعضا به ابررایانه ها و سیستم های اطلاعاتی الکترونیکی، و حتی ورود اعضا به مؤسسات و سازمان ها و اداره های امنیتی و اطلاعاتی، از جمله مرزهای بسیار دقیق و حساس فضای مجازی است. همچنین، رمز

برخلاف فضای واقعی، در فضای مجازی به جابه جایی های فیزیکی نیاز نیست و تمامی اعمال فقط از طریق فشردن کلیدها یا حرکات ماوس صورت می گیرند. فضای مجازی در معنا به مجموعه هایی از ارتباطات درونی انسان ها از طریق رایانه و مسائل مخایرانی، بدون در نظر گرفتن جغرافیای فیزیکی، گفته می شود. ماهیت فضای مجازی، ماهیتی فزافیزیکی و غیر ملموس است و به طور کلی با ماهیت فضای سنتی تفاوت دارد. در واقع پدید آورندگان



شبکه، مخصوصاً آن

را با چنین ماهیتی پدید آورده اند که هرگز مبتنی بر پارامترهای فضای سنتی نباشد و در نتیجه، در قید و بندهای موجود درگیر نشوند.

ورودی (پسوردی) که

مشکل از تعدادی حرف، عدد و شکل به صورت

ترکیبی و یا مجزاست، در تمامی حوزه های الکترونیکی به عنوان مرزی تثبیت شده و مقبول، مورد استفاده ی کاربران شبکه قرار گرفته است.

در بسیاری از موارد، گروه ها و افراد در داخل یک کشور یا در سراسر جهان برای رسیدن به یک هدف یا منفعت خاص، یا علیه یک هدف، روی شبکه یک جامعه ی مجازی به وجود می آورند

با توسعه ی فضای مجازی. مفاهیم و اصطلاحاتی در ادبیات الکترونیکی جهان رایج شده اند که اساس خود را از فعالیت ها و توسعه ی بشری در فضای فیزیکی به عاریه گرفته اند. برخی از آنها عبارت اند از: دولت الکترونیک<sup>۳۴</sup>، تجارت الکترونیک<sup>۳۵</sup>، بانکداری الکترونیک<sup>۳۶</sup>، شهر الکترونیک<sup>۳۷</sup> و شهروند الکترونیک<sup>۳۸</sup>. بسیاری از دولت ها و سازمان ها برای کاربران خود مرز عبور از صافی را طراحی کرده اند، برنامه ای که به اصطلاحات و واژه های نامأنوس و تهدید کننده ی منافع و ارزش های آن

و منابع فکری و مادی خود را بسیج می‌کنند. وقتی متخصصان امنیتی در شبکه در صدد کشف این جوامع مجازی سیاسی و امنیتی برمی‌آیند، در می‌یابند که آن‌ها از رمز ورود و یک سیستم رمزنویسی و رمزگشایی بسیار پیچیده استفاده می‌کنند که ورود به حیطه‌ی آن‌ها را غیرممکن می‌سازد.<sup>۳۷</sup> به عبارت دیگر، مرزهای فضای مجازی، ماهیتی پایدار و نفوذناپذیرتر نسبت به مرزهای فضای واقعی دارند.

به نظر می‌رسد که با وجود این تهدیدات، امنیت ملی، محلی و جانی انسان‌ها در فضای مجازی در خطر است. تهدیدات، فقط به تخریب اطلاعات و دست‌رسی مزاحمان به اطلاعات شخصی یا جمعی محدود نمی‌شوند، بلکه وجود هزاران وب‌سایت و وبلاگ سیاسی، دینی و ضددینی، اخلاقی و ضداخلاقی، و غیره، شهروندان الکترونیک را در معرض خطر قرار داده‌اند. از منظر امنیت ملی می‌توان گفت که در شرایط حاضر، دولت‌ها و ملت‌ها با زنجیره‌ای از تهدیدات نامشخص در محیط‌های مجازی مواجه‌اند که امنیت آن‌ها را به چالش کشیده‌اند و ابزارهای سنتی تأمین‌کننده‌ی امنیت ملی، دیگر توان مقابله با آن‌ها را ندارند.<sup>۳۸</sup> بنابراین، ضرورت حفاظت اطلاعات و ایجاد مرزهای مجازی به شدت احساس می‌شود.

البته تنها بعد امنیتی قضیه مدنظر نیست. رقابت‌های قدرتی و توزیع و پخش ارزش‌ها، نمادها، اندیشه‌ها، شعارها و غیره از جانب صاحبان قدرت و متولیان و طرف‌داران جهانی شدن در فضای مجازی، از یک طرف فرایند همگون‌سازی و جهانی شدن را پیش می‌برند و از طرف دیگر، محلی‌گرایی و انتشار هویت‌های مستقل و مجزا را بیان می‌کنند. لذا جهانی محلی‌شدن در این عرصه بیشتر قابل لمس است. سازمان‌های محلی، اتحادیه‌های محلی،

احزاب، سازمان‌های غیردولتی (NGOs) محلی، شوراهای محلی و حتی افراد با اندیشه‌ها محلی‌گرایانه، در فضا مجازی به دنبال ارائه‌ی ارزش‌های تاریخی، مذهبی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به هم‌نوعان و هم‌کیشان خود برای اتحاد و حفاظت از این ارزش‌ها در برابر پدیده‌ی جهانی شدن هستند. یعنی، علاوه بر ایجاد مرز در فضای مجازی، به تقویت مرز در فضای جغرافیایی مدنظر خود کمک می‌کنند.

نگارنده بر این اعتقاد است که میان مرزهای فیزیکی و مجازی از نظر ویژگی‌های هویت‌ساز، ارتباط معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر، میان مرزهای فیزیکی و مجازی هم‌پوشی کارکردی وجود دارد و محدودیت‌های مرزهای فیزیکی، در فضای مجازی نیز در میان گروه‌ها و جوامع متفاوت قابل ردیابی است. نکته‌ی قابل توجه در این مقوله آن است که ابزار جهانی شدن، یعنی اینترنت و فضای مجازی، به همان میزان که در توسعه‌ی فراملی و جهانی شدن به ایفای نقش می‌پردازند، در خدمت محلی‌گرایی و انتشار اندیشه‌های محلی و حفاظت از هویت‌ها نیز قرار دارند.

### نتیجه‌گیری

فلسفه‌ی حیات بشری بر پایه‌ی تمایزات و تفاوت‌هاست. انسان‌ها در زمینه‌ی نژاد، دین، مذهب، آداب و رسوم، نحوه‌ی پوشش و امثال این‌ها با یکدیگر متفاوت هستند. بر پایه‌ی همین تفاوت‌ها، بلوک‌بندی و ناحیه‌بندی با استفاده از مرز در فضای جغرافیایی شکل گرفته است. گرچه در ترسیم بسیاری از مرزهای بین‌المللی این تفاوت‌ها به خوبی لحاظ نشده‌اند، اما به‌طور کلی، فلسفه‌ی پیدایش مرز همین تفاوت‌ها و تمایزات است. با گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات و پیدایش مقوله‌ی جهانی شدن، مرزها دچار چالش‌های کارکردی شده‌اند، به گونه‌ای که نمی‌توانند فضای محاط در خود را به‌طور کامل کنترل کنند. از این‌رو، مرزها تغییر ماهیت داده‌اند. در عرصه‌ی تبادل اطلاعات و تجارت و بازرگانی، از ماهیت نفوذپذیری و کنترل ناقص برخوردار شده‌اند، اما در حیطه‌ی شاخص‌های هویت‌ساز و صیانت هویت‌ها، از قلمروهای انسانی به‌شدت محافظت می‌کنند. به‌همین ترتیب در فضای مجازی نیز، ضمن پیدایش مرز مجازی برای حفاظت از اطلاعات و گزینش اطلاعات متناسب با ارزش‌های یک جامعه‌ی خاص، این مرزها کارکردهای هویت‌سازی را به عهده گرفته‌اند. ارزیابی فرضیات ما تأیید می‌کند که میان مرزهای فیزیکی و مجازی

میان مرزهای فیزیکی و مجازی از نظر ویژگی‌های هویت‌ساز، ارتباط معنی‌داری وجود دارد

## منابع

۱. برادن، کلین و شلی، فرد (۱۳۸۳). ژئوپلیتیک فراگیر. ترجمه‌ی علیرضا فرشچی و حمیدرضا رهنما. دوره‌ی عالی جنگ. تهران.
۲. جینا، دی آنجلیز (۱۳۸۳). جرایم سایبر. ترجمه‌ی سعید حافظی و عبدالصمد خرم‌آبادی. شورای عالی توسعه‌ی فضای. تهران.
۳. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۳). «تحلیل کارکردی مرز بین‌المللی: مرز ایران و افغانستان». فصل‌نامه‌ی مدرس علوم انسانی. دوره‌ی ۸، شماره ۴.
۴. حسن‌بیگی، ابراهیم (۱۳۸۴). حقوق و امنیت در فضای سایبر. مؤسسه‌ی فرهنگی و مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر ایران. تهران.
۵. صدوقی، مرادعلی (۱۳۸۰). تکنولوژی اطلاعاتی و حاکمیت ملی. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. تهران.
۶. گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۱). جهانی شدن فرهنگ، هویت. نشر نی. تهران.
۷. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی. سمت. تهران.
۸. میرحیدر، دره (۱۳۸۰). مبانی جغرافیای سیاسی. سمت. تهران.
۹. میرحیدر، دره و حیدری‌فر، محمدرئوف (۱۳۸۵). «تحول مفهوم سرزمین در عصر جهانی شدن». فصل‌نامه‌ی ژئوپلیتیک. سال دوم، شماره‌ی ۲.
۱۰. وینر، نوربرت (۱۳۷۲). استفاده‌ی انسانی از انسان‌ها، سایبرنتیک و جامعه. ترجمه‌ی مهرداد ارجمند. انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی. تهران.
11. Appadurai, A. (1996). *Modernity at large: Cultural dimensions of globalization*. Minneapolis: University of Minnesota.
12. Cairncross, F. (1997). *The death of distance; How the communications revolution will change our lives?*, Harvard school press.
13. Dochtaigh, Niall O. (2007), *Conflict, territory and new technologies: Online interaction at a Belfast interface*. *Political Geography*, xx, 1-18.
14. Glasner, M. (1993), *political geography*, New York, John Wiley & sons.
15. Guibernau, M. (1996), *nationalisms*. Cambridge: polity press.
16. Harvey, D.W. (1990), *Between space and time: reflections on the geo-graphical imagination*. *Annals of the association of American geo-graphers*, 80, 418-434.
17. Hongladorom, S. (1998). *Global culture, local cultures, and the Internet: The Thai example*. *Electronic Journal of Communication*, 8(3/4). [On-line, retrieved April 15, 2003]. Available: [http://www.cios.org/getfile/Hongla V8N398](http://www.cios.org/getfile/Hongla%20V8N398).
18. Maynard, M & Tian, Y. (2004), *Between global and glocal: content analysis of the chinese Web Sites of the 100 top global brands*, *Public Relations Review*, 30-285-291.
19. Paasi, A. (1999). *Boundaries as social processes: territoriality in the world of flows*. In D.Newman(Ed.), *Boundaries, territory and post modernity*. London: Frank Cass.
20. *Public Sector Technology & Management*, <<http://www.iste.com/article>, March/April 2006>.
21. Robertson, R. (1995). *Glocalization: Time-space and homogeneity -heterogeneity*. In M. Featherstone, S. Lash, & R. Robertson (Eds.), *Global modernities*. Thousand Oaks: Sage.
22. Sack, R. (1986). *Human territoriality: Its theory and history*. Cambridge: Cambridge University Press.

ارتباط تنگاتنگی از نظر محلی‌گرایی وجود دارد، یعنی گروه‌های و اقلیت‌های محلی- بوم‌شناسی، در راستای حفظ هویت خود مرزبندی‌های فضای مجازی را با چارچوب ارزشی و هویتی خود در فضای جغرافیایی پیوند داده‌اند.

اگرچه در وهله‌ی اول به‌نظر می‌رسد که مرزبندی و تعیین حدود در فضای مجازی با آزادی گردش اطلاعات در عصر جهانی شدن در تناقض است، اما نگاه واقع‌بینانه به آن، وجود مرزها مجازی را ضرورتی انکارناپذیر برای برقراری امنیت شبکه و آزادی جریان اطلاعات تشخیص می‌دهد.

## پی‌نوشت

1. Frontier Region
2. Boundary
۳. حافظ‌نیا، ۱۳۸۳: ۷۰، ۶۹. به نقل از: Glassner, 1993:80-84
۴. حافظ‌نیا، ۱۳۸۳: ۷۰.
5. Information and Communication Technology
6. Globalization
7. Cyber space
۸. مجتهدزاده، ۱۳۸۱.
۹. برادن و شلی، ۱۳۸۳: ۲۰.
۱۰. میرحیدری، ۱۳۸۰: ۱۶۵.
۱۱. مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۳۱.
12. Glassner, 1992:75
13. Sack, 1985:32
14. Paasi
15. Territoriality
16. On-line
۱۷. صدوقی، ۱۳۸۰: ۳۶.
18. Gulbernu, 1996: 134
۱۹. محمدی، ۱۳۸۱: ۲۳۰.
۲۰. همان، ص ۲۳۱.
21. Process of deterritorialisation
22. Appadurai, 1996
23. Global Village
24. Cairncross, 1997
25. Space-time compression
26. Harvey, 1990.
۲۷. میرحیدری، ۱۳۸۵: ۲۳-۲۲. به نقل از Ackleson, 2003
28. Hongladorom, 1998.
29. Glocalization
30. Maynard & tian, 2004:288
31. Cyberstate
32. Cybertrade
33. Cyberbanking
34. Cybercity
35. Cybercitizen
36. Cairncross, 1997:128
۳۷. صدوقی، ۱۳۸۰: ۱۶۵.
۳۸. حسن‌بیگی، ۱۳۸۴: ۲۷۸.



# جندق

نرگس کلاکی

دبیر علوم اجتماعی، مدرسه‌ی راهنمایی دانشگاه الزهراء

## اشاره

آشنایی با مکان‌ها و مناطق جغرافیایی کشور از جمله ضرورت‌های درس جغرافیایی استان‌هاست. به‌ویژه مناطق جالب توجه و ارزشمند طبیعی و انسانی در این زمینه، ارزش فراوانی دارند. در این شماره منطقه‌ی جندق در استان اصفهان مورد معرفی قرار گرفته است.

## ● جغرافیای طبیعی

### الف) موقعیت جغرافیایی جندق

منطقه‌ی جندق در جنوب دشت کویر و در شمال بخش شهرستان خور و بیابانک، در شهرستان نائین استان اصفهان واقع است که از شمال به دهستان ترود (در بخش مرکزی شهرستان شاهرود)، از مشرق و جنوب شرقی به دهستان بیابانک، و از جنوب غربی و مغرب به دهستان چوپانان (در بخش انارک) محدود می‌شود. طبق آخرین اطلاعات، این شهر مشتمل بر ۱۱ آبادی است.<sup>۱</sup> جندق یکی از چند آبادی کوچک ایران است که به خاطر موقعیت خاص آن، یعنی قرار گرفتن بر سر بزرگراه‌های شرقی، غربی و جنوبی، و شمالی، نامش را در قدیمی‌ترین آثار سیاحان ایرانی و خارجی می‌توان دید. ناصر خسرو، طی سفری که در سال ۴۴۴ هجری قمری به این روستای کویری داشت، درباره‌ی این منطقه در سفرنامه‌ی خود می‌نویسد: «... و از نائین ۴۳ فرسنگ رفتیم به دیه گرمه (جندق). و این ناحیه ده دوازده پاره ده باشد. و آن موضعی گرم است و درختان خرما بود. و این ناحیه کوفجان داشته بودند در قدیم. و در این تاریخ که ما به آن‌جا رسیدیم، امیر گیلکی این ناحیه از ایشان ستده بود ...»

هم‌چنین، عبدالرفیع حقیقت در صفحه‌ی ۲۶۷ کتاب «قومس»، منطقه‌ی جندق را چنین توصیف می‌کند: «قصبه‌ی جندق (جرمق) یا (گندک) جزو بخش خور و بیابانک، در ۶۵ کیلومتری شمال باختر خور در مسیر شوسه‌ی جندق به انارک واقع است. چون این قصبه از سمت شمال به کویر سمنان منتهی می‌شود، اولین آبادی ولایت مذکور می‌باشد و بنابراین آن‌را جندق

و بیابانک نامیده‌اند. نه این‌که بیابانک نام‌دهی مخصوص در این ولایت باشد، به طور کلی لفظ بیابانک به کلیه‌ی دهات این منطقه اطلاق می‌شود. قصبه‌ی جندق در شمال غربی کویر قومس (مرکزی ایران) واقع است و تا آخرین قسمت بیابانک ۲۵ فرسنگ و تا کویر قومس ۶ فرسنگ و تا سمنان از راه کویر، ۴۰ فرسنگ فاصله دارد.<sup>۱</sup>

در اطراف شهر جندق، کوه‌های بلندی قرار دارند که از کوه‌های منفرد مرکزی هستند. از جمله کوه‌های این منطقه می‌توان به رشید کوه زالو بند، کلاته، تختک، خریطه، گوری و پیس کوه، و گدار سیاه اشاره کرد. «پیس کوه» در حدود هشت کیلومتری مغرب جندق و «گدار سیاه» در حدود نه کیلومتری شمال شرقی جندق، از جمله کوه‌های مهم منطقه به شمار می‌آیند. هم‌چنین، در مشرق و مغرب شهر نیز گنبد‌های کوچکی از گچ و آهک وجود دارند که به سبب نفوذ آب باران به آن‌ها، به تدریج توخالی شده‌اند و در قسمت شمالی شهر به صورت کمربندی از نمک سیاه گسترده شده‌اند.<sup>۲</sup>

در دامنه‌ی برخی از این کوه‌ها، چشمه و چاه طبیعی وجود دارد، مانند چشمه‌ی خریطه در کوه خریطه، چاه عریانو، چاه بنیقو در کوه گدار سیاه، چشمه‌ی نقی و چاه قنبر در کوه کلاته، و رود فصلی چاهگیر در آن جریان دارد.<sup>۳</sup>

## ب) وضعیت آب و هوا

آب و هوای جندق گرم و بیابانی است. بالاترین دمای آن، در ماه مرداد به حدود ۴۶٫۶ درجه‌ی سانتی‌گراد و در ماه اسفند به حدود ۶٫۶ سانتی‌گراد می‌رسد. هم‌چنین، طبق آمار «سازمان هواشناسی کشور»، میانگین بارش سالانه در منطقه‌ی جندق ۴۵/۳ میلی‌متر است.<sup>۴</sup> بارش در این منطقه سبب افزایش آب قنات‌ها می‌شود.<sup>۵</sup>

## ج) پوشش گیاهی

در این منطقه کشاورزی و دام‌داری رونق فراوانی دارد. محصولات عمده‌ی جندق جو، گندم و انار هستند. برخی از گیاهان این منطقه عبارت‌اند از: اسپرزه، خاکشیر، پر سیاوش، اسفند، آویشن، بالنگو، قدومه، آنگوزه، و درخت گز اشاره کرد. از جمله فراورده‌هایی که در این منطقه فراوان وجود دارند، می‌توان به انار، زردآلو، انجیر، انگور، بادام، پسته، سیب، به، توت و خرما، هم‌چنین یونجه و سبزیجات اشاره کرد.<sup>۶</sup>

## ● جغرافیای انسانی

### الف) شاخص‌های جمعیتی شهر جندق

ابن حوقل در قرن چهارم هجری، در کتاب «صورة الارض» جمعیت جرمق (جندق) را ۱۰۰۰ نفر نوشته است. هم‌چنین سون هدین، جهان‌گرد معروف سوئدی، درباره‌ی جمعیت این منطقه زمانی که به آن‌جا سفر کرده بود، در سفرنامه‌ی خود می‌نویسد: «این ده در حدود ۲۵۰ خانه دارد و جمعیتش بین ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر است...»

اما عبدالرفیع حقیقت در صفحه‌ی ۲۶۷ کتاب «قومس»، جمعیت منطقه‌ی جندق را چنین توصیف می‌کند: «... این قصبه در جلگه واقع، جزء نقاط گرمسیر است. سکنه آن ۹۵۵۰ نفر است، ولی به‌واسطه کم‌آبی و عدم امکان فعالیت همگانی مردم این منطقه، اکثراً جلای وطن زادگاه گفته و در شهرستان‌های سمنان، دامغان، یزد، نائین شاهرود، مشهد و طهران پراکنده می‌باشند...»

طبق آخرین سرشماری که در سال ۱۳۸۵ در شهر جندق صورت گرفت، اعلام شد که ۱۱۶۶ خانوار و نزدیک به ۴۰۰۰ نفر در این شهر زندگی می‌کنند. جمعیت جندق از چهار طایفه تشکیل شده است که یکی از معروف‌ترین طایفه‌ها در این منطقه، طایفه‌ی یغمایی‌هاست.<sup>۷</sup>

منطقه‌ی جندق  
در جنوب دشت  
کویر و در شمال  
بخش شهرستان  
خور و بیابانک، در  
شهرستان نائین  
استان اصفهان واقع  
است



## ب) معادن جندق

در منطقه‌ی جندق سنگ‌های معدنی فراوانی وجود دارند؛ مثل سنگ‌های پریدوتیت، آمفیبولیت، شیست و مرمر. سنگ‌های پگماتیته موجود در این ناحیه نیز در حقیقت استوک‌های حاصل از یک توده‌ی اسیدی با سن مزوزوئیک هستند. آنالیز ۱۳ نمونه از سنگ‌ها و کانی‌های موجود در منطقه‌ی جندق نشان می‌دهد، این سنگ‌ها از نظر اورانیوم، توریم، عناصر نادر خاکی، تالک، مسکویت، فلدسپات، سیلیس، گارنت و... اهمیت اقتصادی ویژه‌ای دارند.<sup>۸</sup>

از خصوصیات بسیار جالب سنگ‌های منطقه، فراوانی گارنت میکاشیست‌هایی است که گارنت زیادی دارند؛ به طوری که در بعضی موارد می‌توان سنگ را گارنتیت نامید. گارنت میکاشیست‌های موجود در این منطقه، در اثر هوازدگی و گذشت زمان، دچار فرسایش شدیدی شده‌اند و این پدیده باعث شده است که گارنت‌ها از سنگ جدا شوند؛ به طوری که گارنت‌ها را می‌توان به فراوانی و راحتی از روی زمین جمع‌آوری کرد.

## ج) اقتصاد جندق

یکی از فعالیت‌های اصلی مردم منطقه قالی‌بافی است. نقش‌ها و طرح‌هایی که روی فرش‌ها می‌زنند، غالباً متعلق به شهر نایین است. مردم جندق از طریق فروش این فرش‌ها امرار معاش می‌کنند. در کنار این فعالیت، به امر کشاورزی هم مشغول‌اند. با این حال ناگزیرند، بعضی از مایحتاج خود از مناطق دیگر تأمین کنند. البته صدور انار و هم‌چنین قالیچه و گاهی عبا باعث می‌شود که بین صادرات و واردات محصولات منطقه توازن برقرار شود. شهر جندق در اطراف خود ۳۶ «کلاته»<sup>۹</sup> کوچک و بزرگ دارد که به اندازه‌ی این شهر محصولات کشاورزی دارند.

## د) پرورش حیوانات اهلی

در این منطقه شتر به مراتب بیشتر از سایر حیوانات به چشم می‌خورد. جندقی‌ها سالی یک بار در اواخر بهار پشم شترها را می‌چینند و از آن پتو، شال و جانماز درست می‌کنند و عبا<sup>۱۰</sup> می‌بافند. در جندق شتر ماده را تا ۹ سالگی «مجبی» می‌نامند و پس از آن «اروانه» و شتر نر را تا ۹ سالگی «کنود» و پس از آن «لوک» می‌نامند. حیوان دیگری که در این منطقه پرورش می‌یابد، گوسفند است. جندقی‌ها برای استفاده‌ی روزانه‌ی خود از محصولات گوسفند، آن را پرورش می‌دهند. شیر گوسفند بیشترین استفاده را برای مردم جندق در تهیه‌ی ماست و کشک دارد.<sup>۱۱</sup>

## ه) تأمین آب منطقه

در گذشته، در اغلب خانه‌های شهر جندق چاه‌هایی حفر شده بود که همه این چاه‌ها به قنات وصل می‌شدند. برای این‌که راهزنان نتوانند از طریق قنات وارد حیاط خانه‌ها شوند این چاه‌ها را به شکل ماریج می‌ساختند.<sup>۱۲</sup> جندق ۱۲ شبانه‌روز آب دارد و هر شبانه‌روز ۸۵ جرعه است. بعضی‌ها فقط یک جرعه آب دارند. تعداد جرعه‌های آب، شاخص ثروت جندقی‌هاست. آب جندق را یک جرعه قنات هشت کیلومتری، که از سمت جنوب می‌آید، تأمین می‌کند. نیمی از این قنات زیرزمین است و نیمی دیگر در فضای آزاد. مادر چاه قنات فقط سه متر عمق دارد. این مادر چاه در کنار بستر رودخانه‌ای موسمی قرار دارد. جندقی‌ها از روزگاران کهن برای ساختن قناتشان با احداث بند و سد، آب موسمی رودخانه را وارد چاه‌های قناتشان می‌کردند. جندقی‌ها علاوه بر این قنات هر کدام چاه آبی در حیاط خانه‌ی خود دارند که آب مصرفی داخل خانه را تأمین می‌کند. آب قنات به مصرف مزارع و باغ‌ها می‌رسد.<sup>۱۳</sup>

طبق آخرین سرشماری که در سال ۱۳۸۵ در شهر جندق صورت گرفت، اعلام شد که ۱۱۶۶ خانوار و نزدیک به ۴۰۰۰ نفر در این شهر زندگی می‌کنند



## ● تاریخ سیاسی - اجتماعی

### الف) واژه‌ی جندق

ریشه‌ی واژه‌ی «جندق» هنوز به خوبی شناخته نشده است و معلوم نیست، آیا «گرمه»‌ی ناصر خسرو به صورت «گرمک» که به لفظ عرب «جرمق» نامیده شده، به مرور به شکل «جندق» درآمده است، یا این که «جندق» معرب واژه‌ی فارسی «گندک» است که همان «شهرک» باشد.

از آثار جغرافی‌دانانی مانند ابن حوقل، حمدالله مستوفی و مقدسی نمی‌توان به ریشه‌ی اصلی واژه پی برد. در بعضی از این آثار به جای «جندق» «گرمه» نوشته شده است و در برخی دیگر، «جرمق». فقط در آثار جغرافی‌دانان دوره‌ی قاجار، مانند «بستان‌السیاحه» اثر حاج زین‌العابدین شیروانی و «مرآت‌البلدان» اثر محمد حسن خان صنیع‌الدوله به نام «جندق» برمی‌خوریم.<sup>۱۶</sup> در قرون وسطا اعراب آن منطقه را «جرمق» و فارسی‌زبانان «گرمه» می‌نامیدند که مشتمل بر سه دهکده به نام‌های «جرمق» (گرمه)، «بیادق» (پیاده) و «ارابه» بوده است و جزو خراسان به‌شمار می‌آمد. ابن حوقل و یاقوت حموی در قرن هفتم، مجموع این سه دهکده را «سده» آورده‌اند و می‌نویسند: «در آنجا درختان خرما و چارپایان بسیار وجود دارد ... و بیابان از هر سو آن‌جا را فرا گرفته است.»

پیشینه‌ی جندق را «جندق»، «گندک»، «گندهو»، «کندک» هم نامیده‌اند. نام آن را برگرفته از «کند» (به معنای مکان و شهر) دانسته‌اند. برخی به سبب آن که نخستین آبادی از سمت کویر سمنان بوده است، آن را برگرفته از «کندک» دانسته‌اند و دیگران اصل نام آن را «کندز» و «گنده» می‌دانند. اهالی منطقه‌ی خور و بیابانک نیز جندق را «گنده» و اهالی آن را «گندشی» می‌خوانند.<sup>۱۷</sup>

### ب) پیشینه‌ی شهر جندق

از شهر جندق، اگرچه آثاری مانند «قلعه‌ی جندق» و آتشکده‌ای متعلق به دوره‌ی ساسانی، هم‌چنین سنگ نبشته‌ای متعلق به سده‌ی ششم دیده شده است، اما اطلاعات بیشتری از آن به جز در خاطرات بعضی از سفرنامه‌نویسانی که از آن منطقه گذر کرده‌اند، به دست نیامده است.

با شکل‌گیری حکومت صفوی، این شهر مورد توجه بسیاری از مستشرقین اروپایی قرار گرفت. توجه به این منطقه در دوره‌های متفاوت حکومت صفوی نیز این منطقه مورد توجه پادشاهان صفوی بوده است.<sup>۱۸</sup> به طوری که در دوره‌ی حکومت شاه عباس اول صفوی، شهر جندق به همراه قسمت‌هایی از شهر یزد، جزو مستملکات شخصی به نام مولانا فخرالدین احمد بافقی درآمد.<sup>۱۹</sup> در همین دوره، جندق در مسیر حمله و هجوم طایفه‌ی ازبکان خراسان بزرگ (قدیم) که قصد غارت شهر یزد را داشتند، قرار گرفت.<sup>۲۰</sup>

در دوره‌ی افشاریه نیز نام جندق در بعضی از منابع آن دوران دیده شده است. از اواخر دوره‌ی حکومت زندیه تا اوایل دوره‌ی قاجار، محمد حسین خان عرب عامری، نایب‌الحکومه‌ی منطقه‌ی جندق و بیابانک بود.<sup>۲۱</sup> جندق تا دوران حکومت فتحعلی‌شاه قاجار هم‌چنان یکی از مناطق تابعه‌ی شهر یزد بود. اما در اواخر حکومت وی جزئی از ایالت قومس<sup>۲۲</sup> شد.<sup>۲۱</sup> در سال‌های ۱۲۳۸-۱۲۲۲، امیر رفیع‌خان عرب عامری، حاکم منطقه به آزار اهالی بیابانک از جمله جندق پرداخت. مردم چند تن از علما را برای دادخواهی به تهران فرستادند به دستور محمدشاه، نوروز علیخان مزینانی، مأمور سرکوب رفیع‌خان شد.<sup>۲۳</sup> وی سپس به سرکوبی اقوام کوفج (نام کوهی است در کرمان که قبایل کوفج در آن ساکن بودند) پرداخت

که در منطقه‌ی جندق کاروان‌ها را غارت می‌کردند. در پی این اقدامات، محمدشاه وی را نایب‌الحکومه‌ی منطقه کرد و تا سال ۱۲۵۵ ه.ش وی حاکم آن‌جا بود. اما غارت کاروان‌ها تا دوره‌ی ناصرالدین شاه هم‌چنان ادامه داشت.<sup>۲۴</sup>

جندق را «جندق»،

«گندک»، «گندهو»،

«کندک» هم

نامیده‌اند

## ● جغرافیای تاریخی

### الف) آثار تاریخی شهر جندق

قدمت شهر جندق براساس آثار باقی مانده از ادوار گذشته، به دو هزار سال می‌رسد. شهری که در حاشیه‌ی مسیر جاده‌ی معروف و تاریخی ابریشم به عنوان بندرگاه کویر، محل استراحت کاروان‌های عبوری بوده است. تاریخ این شهر به دوران ساسانیان برمی‌گردد؛ زمانی که انوشیروان دادگر این مکان را به عنوان تبعیدگاه انتخاب کرده و دور آن را قلعه و بارویی ساخت که طی سالیان دراز، اطراف آن خانه‌هایی بنا شد.<sup>۲۴</sup>

### ب) قلعه انوشیروان

این قلعه، از بناهای تاریخی شهر جندق و تنها قلعه‌ای در کشورمان محسوب می‌شود که هنوز هم مردم در آن سکونت دارند. «قلعه‌ی انوشیروان» از یک چهار دیواری که در هر گوشه‌ی آن برجی قرار دارد، تشکیل شده است. به علاوه، دارای دروازه‌ای است که خود دو برج به ارتفاع ۲۲ متر دارد. این قلعه با معماری منحصر به فرد در میان بافت تاریخی جندق واقع شده و دارای ویژگی‌های خاصی است. اگر در فصل تابستان که هوا در جندق بالاترین میزان گرما را دارد، به قلعه‌ی انوشیروان بروید، هوای مطبوع و خنکی را تجربه خواهید کرد.

این قلعه‌ی انوشیروان در شمال شهر جندق واقع شده است و در جنوب قلعه، کوچه باغ‌های پرپیچ و خم با دیوارهای گلی و پرچین‌های زیبا مشاهده می‌شود. این قلعه در ادوار متفاوت تاریخی تغییراتی به خود دیده است. خانه‌ی تاریخی «یغمای جندقی»، شاعر و مدیحه‌سرای ایران در آن قرار دارد. این خانه‌ی تاریخی دارای معماری خاصی است. هم‌چنین شاه‌نشین زیبایی دارد و یکی از جاذبه‌های توریستی جندق محسوب می‌شود.<sup>۲۵</sup>

آب قلعه از قناتی قدیمی که اکنون آثار آن در باغ‌های جندق دیده می‌شود، تأمین می‌شده است.

### ج) مسجد جامع

«مسجد جامع» جندق که در قلعه‌ی انوشیروان قرار دارد، از سال ۹۶۰ هجری قمری محل تجمع بوده است. این مسجد دارای میدانی است که در ماه محرم از آن برای مراسم عزاداری استفاده می‌شود. گنبد آجری آن با نقش حصیری بین دیوارهای خشت و گلی، قلعه را از حالت یکنواختی خارج کرده است. مسجد متشکل از دو بنای جداگانه‌ی زنانه و مردانه است و از سبک بنای آن پیداست که قدمت آن بیش از ۶۰۰ سال است.<sup>۲۶</sup>

از دیگر آثار قدیمی منطقه‌ی جندق، زیارتگاهی به نام «قدمگاه» است که در آبادی «خنج» قرار دارد. این زیارتگاه دارای ایوان گنبدی و دیوارهای کاهگلی است که جندقی‌ها برای زیارت به آنجا می‌روند.<sup>۲۷</sup>

جندق سه محله دارد: قلعه، گوچا و صحرا. در محله‌ی صحرا، بنایی به نام گنبد «ایشثار» یا «هشتاد» بود که ویرانه‌ی آن تا ۲۰ سال پیش وجود داشت. ایشثار از خدایان مردم بابل بوده است.<sup>۲۸</sup> هم‌چنین، این منطقه آب انبارهای فراوانی دارد.

### د) بافت قدیمی ترین فرش

در کتاب «حدیقه الشیعه» مقدس اردبیلی در صفحه‌های ۳۸۴-۳۸۱، در روایتی آمده است: گروهی از مردم جندق نزد پیامبر اکرم (ص) می‌روند و فرشی ابریشمی که در جندق بافته شده بود را به رسول خدا هدیه می‌دهند. این حدیث به حدیث «بساط» معروف است.

قدمت شهر جندق براساس

آثار باقی مانده از ادوار گذشته،

به دو هزار سال می‌رسد



هم چنین، دو تخته زیلوی فرسوده‌ی دیگری نیز به تاریخ ۱۰۴۳ و ۱۰۴۴ با نقوش بسیار زیبا در مسجد جامع جندق دیده می‌شود. بافنده‌ی آن‌ها شمس‌الدین قطب‌الدین میدی و واقف آن حاجی نعمت جندقی است. زیلویی نیز در سال ۱۲۰۰ هجری قمری توسط حاجی ابوطالب جندقی وقف مسجد جامع قریه‌ی جندق شده است.

## ● فرهنگ و تمدن

### الف) آداب و رسوم مردم شهر جندق

#### □ عید نوروز و سیزده‌بدر

در شب عید نوروز تمام جندقی‌ها پلو می‌پزند. روز نوروز در یکی از اتاق‌ها سفره پهن می‌کنند و در آن انواع و اقسام آجیل و شیرینی می‌گذارند. بعضی سفره‌ها خیلی مفصل‌اند، اما در هر خانه چه فقیر و چه غنی، این خوراکی‌ها در سفره چیده می‌شوند: انار، کماج، سمنو، مغز بادام تلخ، آش جو، شیرینی، آجیل، نان کلوچه و بشقاب سبزه که زینت‌دهنده‌ی سفره است.<sup>۲۹</sup>

#### □ چهارشنبه‌سوری

یکی دیگر از سنت‌های زیبای منطقه‌ی جندق، برگزاری مراسم چهارشنبه‌سوری است. غروب سه‌شنبه‌ی آخر هر سال، خانم خانه بوته‌ای را آتش می‌زند و به کوچی می‌اندازد. سپس کوزه آبی با چند دانه اسفند روی آتش می‌ریزد و برای دور شدن بلا می‌گوید: «الا بدر، بلا بدر، هر چه دزده از ده به در».

شب چهارشنبه‌سوری بازار فال‌گوشی و فال کوزه گرم است. بعضی‌ها که آرزویی دارند، شب چهارشنبه‌سوری مقابل در خانه‌ی همسایه می‌ایستند و گفت‌وگوی آن‌ها را گوش می‌دهند. اگر هنگام گفت‌وگو کلمه‌ی «بله» را شنیدند، به آرزوی خود می‌رسند. فال کوزه به این ترتیب است که شب چهارشنبه‌سوری، یکی از خانه‌های محله کوزه‌ای را پر آب می‌کند و در تنورخانه رو به قبله می‌گذارد. زن‌های همسایه هر کدام شیئی را در کوزه می‌اندازند. بعد سنگی روی تنور می‌گذارند. فردا صبح زن صاحب‌خانه کوزه را از تنور بیرون می‌آورد و دخترکی نابالغ با خواندن دوبیتی شیئی را از کوزه خارج می‌کند و به صاحب آن می‌دهد. صاحب شیء، دو بیٹی دخترک را به فال بد یا نیک تعبیر می‌کند.<sup>۳۰</sup>

#### □ مراسم ویژه‌ی زایمان

یکی دیگر از سنت‌های زیبا در این منطقه، مراسم زایمان است. هنگام زایمان معمولاً دو زن از نزدیکان زانو حضور دارند. کسانی که برای تولد نوزاد به زانو کمک می‌کنند عبارت‌اند از: «ماما» که کار او به دنیا آوردن بچه، چیدن ناف، شست‌وشو و پوشاندن لباس بچه است؛ «پیش رو نشین» که هنگام زاییدن، شانه‌های زانو را نگه می‌دارد تا تعادل او حفظ شود؛ «پادو» که وسایل لازم را فراهم می‌کند. همین که بچه متولد شد، ناف او را می‌چیند و در آب برنج و آب نبات می‌شوید تا مرض از تن بچه بیرون رود و «کوم» [کام] بچه را با تربت بر می‌دارد.

یک وعده غذای زانو «روغن نبات» است. روغن نبات مخلوطی از روغن، نبات و دارچین است. سه شبانه‌روز هم به او حلوی مخصوصی می‌دهند که از ترکیب سیاه‌دانه، رازیانه، گشنیز، آرد گندم، تخم‌مرغ، نبات و روغن تهیه می‌شود.

#### زبان مردم جندق فارسی است، ولی

مردم بعضی از روستاها، مثل گرمه،

اردیب، ایراج و فرخی، لهجه‌ی

ویژه‌ای دارند و در زبانشان واژگان

پهلوی بسیاری وجود دارد

روز چهارم، روز نام‌گذاری نوزاد است. هفت روز پس از زایمان عده‌ای جمع می‌شوند و زانو را به حمام می‌برند. ماما مقداری فلوس دم می‌کند تا زانو آن را بخورد. مقداری هم در یک مجمعه‌ی بزرگ می‌ریزد و زانو

را روی آن می‌نشانند و با روغن مومیایی بدن او را چرب می‌کنند تا به حال بیاید. مزد و مواجب ماما یک کماج سمنو، یک کاسه آبگوشت، یک قاب‌پلو، ۱۰ قرص نان و ده دوازده تومان است.

جندقی‌ها برای نوزادان خود عقیقه می‌کنند، تا بلا از آن‌ها دور شود. به این منظور گوسفندی را ذبح می‌کنند و آبگوشتی برای تمام اهالی می‌پزند. پدر و مادر بچه حق خوردن آبگوشت عقیقه را ندارند. استخوان‌های گوسفند عقیقه را هم توی کیسه می‌ریزند و در قبرستان دفن می‌کنند.

اگر عقد و عروسی دختری با زاییدن زنی مصادف شود، می‌گویند تازه عروس چله‌اش افتاده است و آبستن نمی‌شود. برای چله‌بری نزد زائو می‌روند و مقداری خوراکی از او می‌گیرند تا تازه عروس بخورد و چله‌ی او باز شود.<sup>۳۱</sup>

## ب) زبان و گویش

زبان مردم جندق فارسی است، ولی مردم بعضی از روستاها، مثل گرمه، اردیب، ایراج و فرخی، لهجه‌ی ویژه‌ای دارند و در زبانشان واژگان پهلوی بسیاری وجود دارد. اهالی آن‌جا شیعه هستند.<sup>۳۲</sup>

## ج) بزرگان جندق

### یغما جندقی

میرزا رحیم یغما جندقی، شاعر توانای سده‌ی سیزدهم هجری قمری که در سال ۱۱۹۶ هـ. ق در دهکده‌ی خور و بیابانک به دنیا آمد و روز سه‌شنبه ۱۶ ربیع‌الثانی سال ۱۲۷۶ در سن ۸۰ سالگی درگذشت. یکی از شاعران دربار محمدشاه قاجار بود و از او اشعار زیادی برجا مانده است. عده‌ای وی را از جمله شاعران دوره‌ی مشروطه می‌دانند.

### حبیب یغمایی

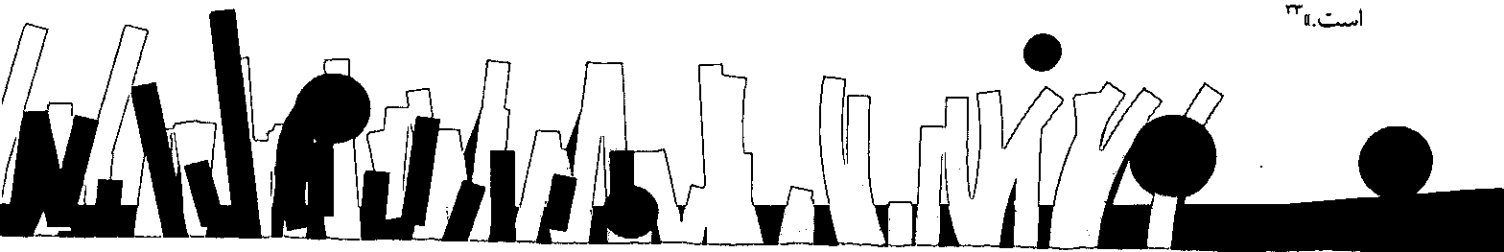
در سال ۱۲۸۰ هـ. ش در دهکده‌ی «خور»، مرکز خور و جندق و بیابانک، در خانه‌ای روستایی زاده شد. پس از طی دوران کودکی و تحصیل در نائین، در جوانی برای دانش‌اندوزی رهسپار شاهرود شد و از محضر «صدرالادبا» که در ادبیات فارسی و عربی، و فقه و اصول بی‌نظیر بود، بهره‌ها برد. در ۲۰ سالگی، با تهمنه، دختر میرزا اسماعیل هنر یغمایی (درگذشت ۱۳۳۸ هـ. ش)، از نام‌داران، شاعران و ادیبان خاندان یغما که مدتی نایب‌الحکومه جندق و بیابانک بود، ازدواج کرد.

حبیب در سال ۱۳۰۰ پس از ازدواج راهی تهران شد و در مدرسه‌ی آلیانس و پس از آن در دارالمعلمین عالی نزد استادانی چون علامه اقبال آشتیانی و عبدالعظیم قریب به دانش‌آموزی پرداخت. سرانجام در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۳ در سن ۸۳ سالگی درگذشت و پیکر او را در خور بیابانک، زادگاهش به خاک سپردند.

## د) نگاه سیاحان اروپایی به جندق

از جمله سیاحان اروپایی که سفری به شهر جندق داشتند، می‌توان به بوهسه در سال ۱۲۶۶ هـ. / ۱۸۴۹ م، بوگان در فاصله‌ی سال‌های ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۶ هـ. / ۱۸۸۱ تا ۱۸۸۸ م، وون در سال ۱۳۰۹ هـ. / ۱۸۹۱ م، سون هدین و گابریل اشاره کرد. آنان طی سفرهایی که به این شهر داشته‌اند، مطالب فراوانی به‌ویژه درباره‌ی راه‌ها و جاده‌های منطقه نوشته‌اند.

سون هدین، جهانگرد سوئدی که در سال ۱۹۵۶ م از جندق دیدن کرده بود، درخصوص ساختار اداری جندق می‌نویسد: «عالی‌ترین مقام اداری جندق کارمندی است که عنوان کلانتر را دارد و مستقیماً تحت سرپرستی نایب حاکم خور قرار دارد که خود این نایب حاکم، تحت نظر حاکم سمنان است. با این‌که کویر، مرزی کاملاً طبیعی میان سمنان و جندق درست می‌کند، با این همه جندق تابع سمنان



۲۳. پیشین.

۲۶. حکمت یغمایی، بی تا.

۲۷. فرهنگ جغرافی، ج ۵۱: ۴۳.

۲۸. حکمت یغمایی، بی تا.

۲۹. جندقی، ۱۳۸۷.

۳۰. پیشین.

۳۱. پیشین.

۳۲. بادنج، بی تا، ج ۱۱: www.mesr.ir

۳۳. بادنج، بی تا، ج ۱۱.

۳۴. هنر یغمایی، ۱۳۶۳: ۱۰۹-۱۰۸ و ۱۱۷.

### منابع

۱. منشی، اسکندر. عالم آرای عباسی (ج ۳).
۲. هنر یغمایی، اسماعیل. جندق و قومس در اواخر دوره قاجار. تهران، ۱۳۶۳.
۳. هدین، سون اندرس. کویرهای ایران. ترجمه پرویز رجبی. تهران، ۱۳۵۵.
۴. گابریل، آلفونس. عبور از صحاری ایران. ترجمه فرامرز نجد سمعی. مشهد، ۱۳۷۱.
۵. رجبی، پرویز. جندق و تروند، دو بندر فراموش شده کویر. تهران، ۱۳۵۷.
۶. عبدالرفیع، حقیقت. تاریخ قومس. ۱۳۶۲.
۷. دایره المعارف تشیع (ج ۵). تهران، ۱۳۷۵.
۸. دایره المعارف فارسی (ج ۱). به سرپرستی غلامحسین مصاحب.
۹. سازمان هواشناسی کشور. سالنامه آماری هواشناسی ۷۶-۱۳۷۵. تهران، ۱۳۷۸.
۱۰. حکمت یغمایی، عبدالکریم. بر ساحل کویر نمک. تهران، ۱۳۷۰.
۱۱. حکمت یغمایی، عبدالکریم. روستای کهن بر کران کویر. تهران، ۱۳۵۳.
۱۲. حکمت یغمایی، عبدالکریم. جندق، زندگی در تار و پود قالی. نشریه پیام زمان. شماره ۲۱.
۱۳. فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور جمهوری اسلامی ایران (ج ۵۱، جندق) اداره کل جغرافیای ارتش.
۱۴. دهخدا، علی اکبر. لغت نامه دهخدا (ج ۵).
۱۵. جندقی، محسن. روزنامه‌ی ایران. ۱۸ فروردین ۱۳۸۷.
۱۶. بافقی، محمد مفید. جامع مفیدی (ج ۳). تهران، ۱۳۴۰.
۱۷. مرکز آمار ایران. سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵. شناسنامه‌ی آبادی‌های کشور، استان اصفهان. شهرستان ناین.
۱۸. بادنج، معصومه. دانش‌نامه‌ی جهان اسلام (ج ۱۱).
۱۹. وزارت کشور. اداره‌ی کل آمار و ثبت احوال. کتاب جغرافیا و اسامی دهات کشور (ج ۳).

جندق از سال ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۱ هـ. ش تابع طبرس بود و تا ۱۳۰۶ به صورت مستقل اداره می‌شد و تحت حاکمیت هیچ ایالتی نبود. در سال ۱۳۱۲ هـ. ش، گابریل در سفرنامه‌ی خود، جندق را شهر کوچکی با استحکامات، کوچه‌های پیچ‌درپیچ و باریک و خانه‌های گلی ویران معرفی کرده و نوشته است که باغ‌های انار آن در حاشیه‌ی دشت کویر قرار دارند. به گفته‌ی وی، بسیاری از اهالی جندق بر اثر شیوع بیماری آبله سیاه در سال ۱۳۱۱ هـ. ش فوت کرده‌اند.

در سال ۱۳۲۳ هـ. ش/ ۱۹۰۶ م «سون اندرس هدین» که از جندق گذشته بود، درباره‌ی این شهر می‌نویسد: «تقریباً هر روز از جندق کاروانی با حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ شتر می‌گذشت.» وی از جندق به عنوان یک گره یا کاروان‌سرای نسبتاً بزرگ میان شمال و جنوب ایران یاد کرده است.

### پی‌نوشت

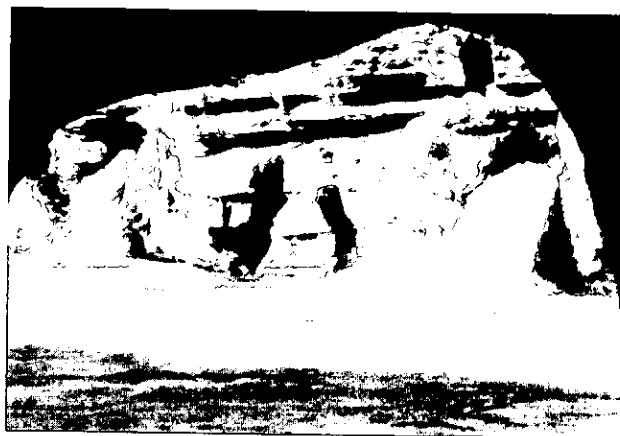
۱. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷.
۲. حکمت یغمایی، ۱۳۷۰.
۳. فرهنگ جغرافیایی، ج ۵۱: ۳.
۴. سازمان هواشناسی کشور، ۱۳۷۸: ۱۹۰.
۵. فرهنگ جغرافیایی، ج ۵۱: ۲.
۶. همان، ص ۲، ۳ و ۷.
۷. دهخدا، ج ۵.
8. www.ngdir-ir
۹. قلعه پادھی بزرگ را گویند که بر سر کوه یا پشته‌ی بلندی ساخته باشد؛ خواه آباد باشد خواه خراب.
۱۰. جندق از روزگاران گذشته در بافت عبا از شهرت خاصی برخوردار بوده است.
۱۱. رجبی، ۱۳۵۷: ۱۲۱-۱۲۰.
12. www.mesr.ir
۱۳. رجبی، ۱۳۵۷: ۱۱۹.
۱۴. همان، ص ۱۱۷.
۱۵. کتاب جغرافیا، ۱۳۳۱، ج ۳: ۲۶۹.
۱۶. حکمت یغمایی، ۱۳۵۳: ۴۵؛ رجبی، ۱۳۵۷: ۱۱۹-۱۱۷.
۱۷. بافقی، ۱۳۴۰، ج ۳: ۲۷۵-۲۷۶.
۱۸. اسکندر منشی، بی تا، ج ۳: ۲۷۶-۲۷۵.
۱۹. هنر یغمایی، ۱۳۶۳: ۱۲۵.
۲۰. ایالت قومس: استان سمنان را تا پیش از تقسیمات جدید کشوری ایالت قومس می‌دانستند.
۲۱. پیشین.
۲۲. همان، ص ۱۵۷، ۱۲۰ و ۱۵۸.



# شوشتر، شهر آبشارها و سازه‌های زیبای آبی

حکیمه سلحشور

دبیر آموزش و پرورش شهرستان شوشتر

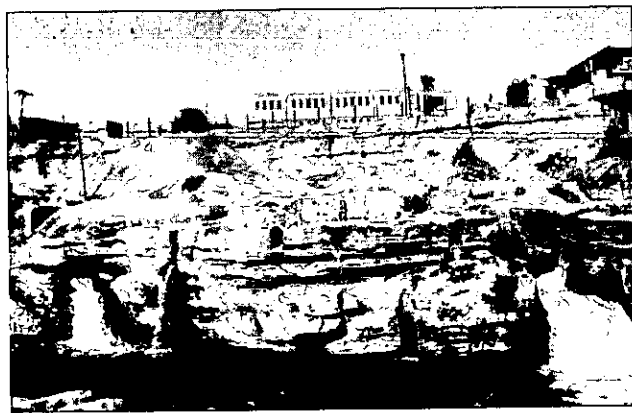
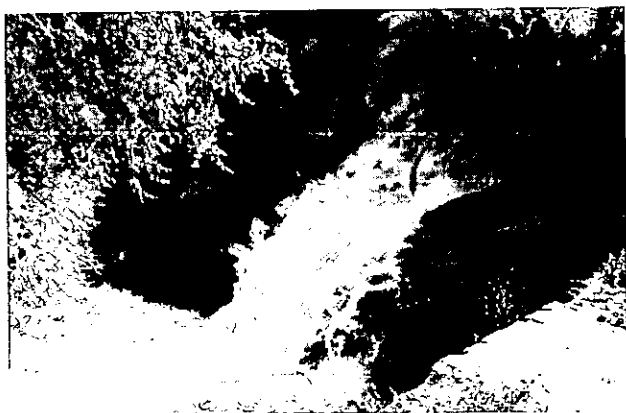


## چکیده

شوشتر، فشرده‌ای از ایران بزرگ است؛ شهری که خود به تنهایی یک تاریخ است باید آن را از لابه‌لای کتاب‌های کهن و بناهای ویران‌گشته، جست‌وجو کرد؛ شهری که دیرزمانی هم بزرگ، هم زیبا و هم مهم بود. واژه‌ی شوشتر را صفت برتر شوش دانسته‌اند. شوش به معنی خوب و شوشتر را خوب‌تر می‌دانند. این شهر قدمتی چند هزار ساله دارد و متعلق به تمدن‌های ماقبل تاریخ است که شکوفایی آن در دوران‌های هخامنشیان و ساسانیان بوده است. از نظر طبیعی و تاریخی، یکی از مهم‌ترین شهرهای استان و کشور محسوب می‌شود.

عبور رودخانه‌ی کارون از شوشتر، باعث به‌وجود آمدن مناطق مستعد و شکل‌گیری حیات شهری در آن شده است؛ به‌طوری‌که این شهر از نظر کشاورزی و تاریخی شهر مهمی به‌شمار می‌رود و آثار تاریخی فراوانی در ارتباط با بهره‌برداری از منابع آبی موجود (مانند پل، بند، تأسیسات آبخیزداری و...) در این شهر وجود دارند. به‌عنوان نمونه می‌توان به بند میزان، پل بند شادروان، نهر داریون، قلعه‌ی سلاسل، پل بند گرگر، مجموعه‌ی آسیاب‌ها و آبشارها، و... اشاره کرد. کار هریک از این بناها در ارتباط با بناهای دیگر معنی پیدا می‌کند. به همین دلیل، عنوان حلقه‌ی آبی را برای بناهای آبی تاریخی شوشتر برگزیده‌اند. طبیعت شوشتر با داشتن ویژگی‌هایی چون رود کارون و انشعابات آن، شطیط و گرگر، اراضی پر استعداد کشاورزی و بلندی‌های زیبای زاگرس، بی‌اغراق کم‌نظیر است.

کلیدواژه‌ها: شوشتر، آسیاب آبی، تمدن‌های ایرانی، جغرافیای خوزستان



### مقدمه

«شوشتر» زبان گویای تاریخ کهن و سخن گوی بازمانده‌های گران‌بهایی است که از دل خاک بیرون کشیده می‌شوند یا در دل سنگ‌ها و کوه‌ها یافت می‌گردند و در شمار پرمعناترین آثار به‌جا مانده از ایران کهن هستند.

در دوره‌ی پیش از اسلام، شوشتر شهر مهمی بوده است (در دوره‌ی هخامنشی و ساسانی مرکز توجه پادشاهان آن دوران بود). حتی غالباً مرکز ایالت خوزستان به‌شمار می‌رفت. پس از ورود اسلام به ایران و فتح این شهر توسط مسلمین نیز اهمیت خود را حفظ کرد. در ردیف مهم‌ترین شهرهای ایران قرار گرفت و بیش از ۱۳ قرن مرکزیت خود را حفظ کرد تا این‌که در اوایل سلطنت پهلوی، مرکز خوزستان از شوشتر به اهواز انتقال یافت.

مردم شوشتر به‌علت زندگی در کنار آب‌ها، به اهمیت آن برای ذخیره‌سازی و استفاده‌های مناسب از انرژی آب پی‌برده بودند. روش انتقال صحیح آب از یک منبع ذخیره به منابع دیگر،

طی قرن‌های طولانی، تنها روش قابل استفاده در آبیاری اراضی کشاورزی، به‌خصوص نیشکر بود. بناهای بسیاری در شهر شوشتر هم‌چون پل‌بندها و آسیاب‌ها، از نمونه‌های خلاقانه‌ی معماری مردم باستان در بهره‌گیری درست از آب هستند.

### شوشتر یکی از شهرستان‌های شمال استان خوزستان با مساحت ۳۵۳۸ کیلومتر مربع است

#### موقعیت جغرافیایی

شوشتر یکی از شهرستان‌های شمال استان خوزستان با مساحت ۳۵۳۸ کیلومتر مربع است و در عرض جغرافیایی ۲۲ درجه و ۳۰ دقیقه و طول جغرافیایی ۴۸ درجه و ۲۰ دقیقه شرقی قرار دارد. شوشتر از اهواز ۹۲ کیلومتر و از تهران ۸۳۱ کیلومتر فاصله دارد. این شهرستان از شمال به کوه‌های بختیاری و شهرستان دزفول، از غرب

به شهرستان دزفول و شوش، از شرق به شهرستان مسجدسلیمان، از جنوب به شهرستان اهواز و از جنوب شرقی به شهرستان رامهرمز محدود می‌شود.

## تاریخ بنای شهر و وجه تسمیه‌ی آن

برخی تاریخ‌نویسان معتقدند که نام شوشتر از واژه‌ی «شوشا» یا «سوسا»، یعنی «دلپسند» گرفته شده است. بعضی آن را «شاه‌شاطر»، یعنی «شهر شاه» می‌دانند. در جای دیگری واژه‌ی شوشتر را صفت برتر شوش دانسته‌اند؛ شوش را به معنی خوب و شوشتر را خوب‌تر می‌دانند. اعراب این شهر را به معنی «تستر»، و عده‌ای دیگر آن را به مناسبت این‌که در گذشته شش دروازه داشته است، «شش در» گفته‌اند. این شش دروازه عبارت‌اند از: دروازه‌ی مایاریان در شمال، دروازه‌ی دزفول در شمال غربی، دروازه‌ی آدینه در غرب شهر، دروازه‌ی لشکر در جنوب غربی، دروازه‌ی مقام علی در جنوب شرقی، دروازه‌ی گرگر در شرق.

این مقفَع در مورد تاریخ بنای شوش و شوشتر می‌گوید: «اول شهری که بعد از طوفان نوح بنا نمودند، شوش و شوشتر بود.» حمزه اصفهانی چنین می‌گوید: «شوش معرب سوس است و

**این مقفَع در مورد تاریخ بنای شوش و شوشتر می‌گوید: «اول شهری که بعد از طوفان نوح بنا نمودند، شوش و شوشتر بود.»**

این لفظ در فارسی به معنی خوب بوده و شوشتر یعنی خوب‌تر و شهر شوش به شکل باز و محیط شوشتر به شکل اسب و محیط شهر اهواز به شکل ضلع شطرنج است.»

## سابقه‌ی تاریخی

آثار شناخته شده در تپه‌ای در شمال شرقی شوشتر، متعلق به قرون ماقبل تاریخ و مربوط به اقوام غارنشین است که در آن، سه طبقه‌ی متمایز آثار مربوط به دوران‌های متفاوت غارنشینی به صورت اشیای سنگی، استخوانی و سفالی به دست آمده است. حفاری این تپه توسط پروفیسور گیرشمن در سال ۱۳۲۰ خورشیدی صورت گرفت. قدمت آثار کشف شده به عصر حجر جدید می‌رسد. طبق تحقیقات انجام‌شده، در حوالی شوشتر آثار گران‌بهای از دوره‌های

ماقبل تاریخ ایلامی، هخامنشی، پارتی و ساسانی مدفون است که هنوز مورد کاوش قرار نگرفته‌اند. موقعیت ممتاز و شرایط مناسب زندگی در شوشتر، به علت نزدیکی به رود پهناور کارون و وجود سدهای طبیعی و صخره‌های اعجاب‌انگیز در مسیر این رودخانه، مانند بند ماهی‌بازان که در حقیقت از عجایب طبیعی خلقت محسوب می‌شود، موجب فراهم آمدن امکاناتی مناسب برای اقوام مستقر در این منطقه در طول تاریخ شده است.

## قلعه‌ی سلاسل

این قلعه در شمال شهر شوشتر و بر پهنه‌ای از سنگ قرار دارد. به دلیل ارتباط بین نهر داریون و قلعه، می‌توان اذعان داشت که شکل‌گیری قلعه در دوره‌ی هخامنشی صورت گرفته است. در پی کاوش‌های باستان‌شناسی و به دست آمدن سفال‌های عصر اشکانی، وجود این قلعه در دوران اشکانی (حدود ۲۰۰۰ سال پیش) ثابت شده است. شکل کلی (پلان) این کهن‌دژ به صورت بیضی نامنظم است.

وجه تسمیه‌ی قلعه: سلاسل به معنی زنجیر است. در گذشته در امتداد کارون جبری از قایق‌ها که زنجیروار به هم متصل شده بودند، وجود داشت که نام سلاسل را از آن گرفته‌اند. سید نورالدین جزایری شوشتری در «تذکره‌ی شوشتر» می‌نویسد که پس از حمله‌ی اعراب و ویرانی قلعه، شخصی به نام ابی سلاسل در سال ۳۱۵ هجری قمری مجدداً آن را آباد کرد که احتمالاً نام او بر قلعه مانده است.

ارتباط قلعه با بناهای مجاور: با توجه به عبور نهر داریون از زیر قلعه و اشراف آن بر بند میزان و پل بند شادروان، این قلعه مرکز مدیریت آب منطقه بوده است و طبق اطلاعات محلی به نظر می‌رسد شوادان خانه‌های محله‌های مجاور به شوادان قلعه که در نوع خود بی‌نظیر است ارتباط داشته است.

فضاهای قلعه: با توجه به عملکرد نظامی و مهندسی قلعه، فضاهای متنوعی در آن شکل گرفته‌اند که عبارت‌اند از: ۱. خندق و حصار قلعه، ۲. حیاط‌ها، ۳. آشپزخانه، ۴. نانواپی، ۵. زندان موقت، ۶. سربازخانه‌ها، ۷. حمام، ۸. اصطبل، ۹. شوادان، ۱۰. نقارخانه، ۱۱. کت‌ها، ۱۲. کوشک، ۱۳. برج و بارو، ۱۴. پل، ۱۵. حرم (محل اسکان خانواده).

ارتباط قلعه و نهر داریون: ویژگی منحصر به فرد این قلعه، عبور نهر تاریخی داریون از زیر آن است. حفر نهر داریون از

۷. سیکا
۸. تأسیسات جدید
۹. راه پله
۱۰. دو پولون

### کانال‌ها و تونل‌ها

یکی از شگفتی‌های مجموعه، کانال‌های هدایت آب است. وظیفه‌ی هدایت آب از پشت پل بند گرگر را سه تونل به عهده دارند: تونل سه کوره، تونل شهر، و تونل بلیتی. تونل بلیتی از سایر تونل‌ها بزرگتر و عرض آن ۴ متر، ارتفاع متوسط آن ۷/۵ متر و طول آن حدود ۳۶۵ متر است. این تونل در مواقع بحرانی به عنوان سرریز عمل می‌کند. آبگیر این تونل‌ها که در طرف دیگر رودخانه قرار گرفته‌اند با همان نام تونل‌ها خوانده می‌شوند (دهانه‌ی سه کوره، دهانه‌ی شهر و دهانه‌ی بلیتی).

### آسیاب‌ها

هر آسیاب دارای فضای انبار، محل سنگ آسیاب و تنوره است.

### آثار شناخته شده در تپه‌ای در شمال شرقی شوشتر، متعلق به قرون ماقبل تاریخ و مربوط به اقوام غارنشین است

### برخی تاریخ‌نویسان معتقدند که نام شوشتر از واژه‌ی «شوشا» یا «سوسا»، یعنی «دلپسند» گرفته شده است

به احتمال زیاد، تعداد ۳۳ آسیاب در مجموعه وجود داشته و علاوه بر گندم، موادی چون کنجد (برای تهیه‌ی شیرهی آن که ارده گفته می‌شود)، نیشکر، شیشه و... نیز آسیاب می‌شده است. آسیاب‌های این مجموعه دو نوع بوده‌اند: تنوره و شیبی. مالکیت آسیاب‌ها به صورت دولتی و شخصی بوده است.

آسیاب تنوره دارای چاهکی که آب به آن وارد می‌شود و از پایین آن از طریق روزنه‌ای، به طرف پره‌های آسیاب هدایت می‌شود. مصالح به کار رفته برای ساخت تنوره عبارت‌اند از: سنگ،

اقدامات دوره‌ی هخامنشی است. این نهر به منظور آبیاری اراضی میانی رودخانه‌ی شطیط و شاخه‌ی گرگر (دو شاخه رود کارون) احداث شده است. نهر داریون از طریق هشت دهانه‌ی آبگیر از رودخانه‌ی کارون تغذیه می‌شود. آب جمع‌آوری شده از آبگیرها از طریق دو کانال فرعی و اصلی از بستر زیر قلعه عبور می‌کند و در ضلع جنوبی قلعه به صورت روباز نمایان می‌شود و تا «دشت میان‌آب» امتداد می‌یابد و اراضی این دشت را مشروب می‌کند. وجود پلکان‌هایی از درون قلعه‌ی سلاسل به نهر، کار برداشت آب را از داریون ممکن می‌سازد.

### آسیاب‌های باستانی سیکا

مجموعه‌ی آسیاب‌ها و آبشارهای شوشتر، از جمله آثار منحصر به فرد در زمینه‌ی تأسیسات آبی در سطح جهان است. این مجموعه که آغاز احداث آن به دوره‌ی هخامنشی، یعنی حدود ۲۵۰۰ سال پیش بازمی‌گردد. توسط نیاکان اقوام شوشتری با تکیه بر هوش و پشتکار و تنها با ابزار ابتدایی ساخته و در طول زمان تکمیل شده است. مجموعه آسیاب‌ها و آبشارهای شوشتر را می‌توان اولین شهرک صنعتی در جهان دانست. آب رودخانه‌ی کارون به مرکز این شهرستان وارد و در قسمت شمال شهر توسط بندی به نام «بند میزان» به دو شاخه (شطیط و گرگر) تقسیم می‌شود. شهر شوشتر توسط این دو شاخه به جزیره‌ای تبدیل شده که اراضی آن به «میان‌آب» یا به لهجه‌ی محلی به «مینو» موسوم است. دو شاخه‌ی مذکور در محلی به نام «بند قیر»، در ۴۰ کیلومتری شوشتر به هم می‌پیوندند. گرگر از سمت جنوب حرکت می‌کند و در نهری به همین نام (نهر گرگر) که در دوره‌ی ساسانی حفر شده است، به پشت پل بند گرگر می‌رسد و از طریق سه تونل حفر شده به مجموعه‌ی آسیاب‌ها و آبشارها وارد می‌شود. جریان آب از طریق کانال‌ها باعث حرکت پره‌های آسیاب‌ها می‌شود و پس از آن با سرازیر شدن به سمت پایین، آبشارهای زیبایی خلق می‌کند.

فضاهای موجود در مجموعه عبارت‌اند از:

۱. تونل‌ها و دهانه‌های ورود آب
۲. پل بند گرگر
۳. آسیاب‌ها
۴. آبشارها
۵. ورودی و ساباط ضابطین (محل اخذ عوارض)
۶. چهارتاقی (نمازخانه)

آجر و ملات ساروج (که شامل شیرهی آهک، خاکستر، ماسه و گیاهی به نام لویی است).

### چهار تاقی (نمازخانه)

این بنا روی یکی از ساختمان‌های آسیاب قرار گرفته که از گذشته تاکنون از آن به عنوان محل اقامه‌ی نماز استفاده شده است.

### دو پولون

این پل کوچک ارتباط محوطه‌ی غربی را با سایر قسمت‌ها برقرار می‌کند. دو دهانه دارد و با آجر، سنگ و اندود ساروج ساخته شده است.

### پل بند گرگر

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، این بند روی نهر گرگر قرار دارد و ارتباط شرق و غرب شوشتر را برقرار می‌سازد. پشت این بند، آبگیر سه تونل اصلی قرار دارد که آب پشت‌بند را به مجموعه منتقل

کانالی بوده و آب در آن جریان داشته و دارای دو کت بزرگ و کوچک (کت: حفره‌های دستکند در مجاورت رودخانه) بوده است. سیکا حوض کوچک و جوی آب باریکی دارد و از میان آن، مناظر زیبایی از مجموعه قابل رؤیت هستند. برخی منابع به دلیل شباهت زیاد فرم معماری سیکا با معابد ایران باستان، احتمال می‌دهند سیکا محل عبادت بوده است.

### تأسیسات جدید

یکی از بخش‌های بسیار جالب در مجموعه، تأسیسات جدیدی است که با توجه به نیروی زیاد آب طی سال‌های اخیر احداث شده‌اند و عبارت‌اند از:

۱. نیروگاه برق نمکی (سال احداث ۱۳۱۲ هـ.ش، واقع در ضلع غربی مجموعه).
  ۲. نیروگاه برق مستوفی (سال احداث ۱۳۲۳ هـ.ش، واقع در ضلع شمالی مجموعه). در این مجموعه اولین ژنراتور برقی استان خوزستان احداث شده است.
  ۳. کارخانه یخ‌سازی (سال احداث ۱۳۳۴ هـ.ش)
  ۴. تلمبه‌خانه (سال احداث ۱۳۴۱ هـ.ش)
- در شکل صفحه‌ی ۴۱ نمایی از یک آسیاب آبی نشان داده شده است:
۱. کانال آب، ۲. تنوره، ۳. دریچه‌ی تنظیم ورود آب به تنوره، ۴. پره‌ی آسیاب، ۵. سنگ آسیاب، ۶. محل انبار.

### طرز کار آسیاب‌ها

همان طوری که در نمای شماتیک آسیاب می‌بینید، آب از طریق کانالی وارد تنوره می‌شود و با نیروی بسیار زیادی به طرف پره‌های آسیاب حرکت می‌کند و آن را می‌چرخاند. نیروی تولید شده توسط پره‌ها، از طریق شفتی به سنگ روپین (بالایی) انتقال می‌یابد. گندم (یا سایر مواد آرد شدنی) که در درون سبد مخصوص در بالای سنگ روپین قرار دارد، به تدریج وارد سوراخ سنگ روپین می‌شود، لای دو سنگ آسیاب می‌شود و به خاطر وجود نیروی گریز از مرکز، به طرف بیرون پرتاب می‌شود. پس از این مرحله محصول آسیاب شده را در کیسه‌های گونی بسته‌بندی می‌کنند و توسط چهارپا به محل مورد نظر می‌فرستند.

ساخت، نصب و نحوه‌ی کار پره‌ها و سنگ‌های آسیاب در نوع خود منحصر به فرد است. پره‌های آسیاب را از چوب درخت کنار

مجموعه‌ی آسیاب‌ها و ابشارهای شوشتر،  
از جمله آثار منحصر به فرد در زمینه‌ی تأسیسات  
آبی در سطح جهان است

شوشتر، فشرده‌ای از ایران بزرگ است؛ شهری  
که خود به تنهایی یک تاریخ است و باید آن را  
از لابه‌لای کتاب‌های کهن و بناهای ویران گشته،  
جست‌وجو کرد؛ شهری که دیرزمانی هم بزرگ،  
هم زیبا و هم مهم بود

می‌کند این پل‌بند در دوره‌های زمانی متفاوت، در عصر صفوی و پس از آن نیز در دوره‌ی پهلوی دوم با سنگ‌چینی روی بستر اصلی آن به ارتفاع فعلی خود رسیده است. سابق بر این روی آن دروازه‌ی گرگر (یکی از دروازه‌های شوشتر) قرار داشت.

### سیکا

به محلی واقع در جنوب مجموعه اطلاق می‌شود که در گذشته

از درختان بومی و مقاوم) می‌ساختند. نکته‌ی جالب این است که محور چرخش پره‌ها به صورت افقی است و یک شفت فلزی متصل به سنگ بالایی و پره‌های آسیاب، نیروی چرخشی پره‌ها را به سنگ بالایی منتقل می‌کند. در کنار سنگ، اهرم فلزی قرار دارد که کار آن بالا و پایین آوردن سنگ برای خرد کردن و نیم‌کوب کردن گندم است. قطعه چوبی که در پایین زنبیل قرار گرفته است، وظیفه‌ی قطع و وصل ریختن گندم را در میان دو سنگ آسیاب دارد.

## بند میزان یا بند شاپوری (بند والرین)

بند میزان در ضلع شمال شرقی شهر و در جنوب بقعه‌ی سید محمدشاه گیاه‌خوار واقع است. این بند آب کارون را به دو قسمت تقسیم می‌کند: قسمتی را به آبراهه‌ی گرگر در شرق و قسمتی را به رودخانه‌ی شطیظ در غرب روانه می‌سازد. در تاریخ آمده است که شاپور اول ساسانی، پس از غلبه بر والرین، امپراتور روم در جنگ «آپودا» در سال ۲۶۰ میلادی، با استفاده از اسیران ساختمان این پل را بنا کرد. طول این بند و پل سنگی حدود ۵۲۱ متر است و دریچه‌های آن از قطعات بزرگ سنگ خارا که با میله‌های آهنی تقویت شده، ساخته شده‌اند. بند میزان در سال ۱۱۸۹ خورشیدی توسط والی قاجار خوزستان تعمیر شد. نه دهانه دارد که کف آن‌ها کمی پایین‌تر از پایین‌ترین سطح آب در رودخانه است ساختمان بند از سنگ و ساروج است و به جز فروریختگی پوشش برخی از دهانه‌های رو به رودخانه‌ی گرگر، خللی بر ساختمان این پل وارد نیامده است.

## برج کلاه فرنگی

در کنار رود شطیظ، بر بالای تپه‌ی کوتاهی مشرف به بند میزان، بقایای یک برج هشت‌ضلعی به ارتفاع چهار متر وجود دارد که روایت شده، محل دیده‌بانی و نظارت شاپور ساسانی بر نحوه‌ی کار کارگران بوده است. در ساختمان این برج از سنگ‌های تراشیده استفاده شده است. عمارت کلاه فرنگی را می‌باید شاخصی برای اندازه‌گیری ارتفاع سطح آب رودخانه‌ی کارون به‌شمار آورد. برج کوچکی در سه طبقه است که آخرین تعمیرات آن مربوط به دوره‌ی قاجار است.

## پل بند شادروان (پل شاپوری)

این پل بند در حدود ۳۰۰ متری غرب بند میزان واقع است. عرض پی پایه‌های آن ۷ متر، عرض دهانه‌ی ابرو پل ۸ متر و ارتفاع

از کف رودخانه تا تاج پل حدود ۱۰ متر است. مصالح ساختمان پل سنگ رودخانه، سنگ قلوه، ملات و گچ کهنه است. در گذشته ۵۵۰ متر طول و ۳۵ دهانه داشته است. این بند در دوره‌ی ساسانی ساخته شده و از حدود ۱۸ قرن پیش تاکنون، سهمگین‌ترین سیلاب‌های رود عظیم کارون را تحمل کرده است. در جبهه‌ی جنوبی پل، اتاقی کوچک به شکل مربع مستطیل دیده می‌شود که یک ضلع آن باقی مانده و از سنگ تراشیده ساخته شده است. احتمالاً این اتاق بازمانده‌ی تأسیساتی برای محافظت از پل بوده است.

## پل بند لشکر یا شاه‌علی

در غرب بقعه‌ی امامزاده عبدالله، پل بند لشکر با ۱۸۳ متر طول قرار دارد که عرض آن باجان پناه ۴ متر است. این پل از مصالح ساختمانی سنگ، ساروج، قلوه‌سنگ و سنگ رودخانه ساخته شده است به این دلیل نام لشکر بر آن نهاده‌اند که آب جاری از زیر پل، به شهرک لشکر مکرم که نزدیک شهر شوشتر واقع بود، می‌رفت. این پل در شعبه‌ی شرقی نهر داریون بنا شده است و باقی‌مانده‌های آن هنوز به چشم می‌خورد. نهر رقط، منشعب شده از نهر داریون، از میان این پل می‌گذرد و به رودخانه‌ی گرگر متصل می‌شود. انتقال

## بند میزان در ضلع شمال شرقی شهر و در جنوب

## بقعه‌ی سید محمدشاه گیاه‌خوار واقع است. این

## بند آب کارون را به دو قسمت تقسیم می‌کند

انرژی ذخیره‌شده‌ی آب در پشت پل شادروان، از طریق نهر داریون به این نقطه، صورت می‌گیرد نهر داریون قسمتی از آب رودخانه شطیظ را وارد جزیره‌ی شوشتر می‌کند. گفته شده این نهر به دستور داریوش اول هخامنشی حفر شده است.

### پی‌نوشت

1. Mino

### منابع

۱. جزایری، سید عبدالله. تذکره‌ی شوشتر. کتاب‌فروشی صافی. اهواز. ۱۳۲۸.
۲. نفی‌زاده، محمد. شوشتر در گذر تاریخ. مؤسسه‌ی مطبوعاتی دارالکتاب (جزایری). ۱۳۷۶.
۳. دیو لافوا، ژان. ایران، کلد، شوش. ترجمه‌ی محمد فره‌وشی. انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۷۱.
۴. صدای پای آب. سازمان میراث فرهنگی و گردشگری شوشتر.
۵. راهنما و نقشه‌ی گردشگری. حردماری شوشتر. ۱۳۸۴.

# تقسیم رودخانه‌ی تجن و پیامدهای پیش‌بینی نشده‌ی آن

رقیه پناهنده

دبیر آموزش و پرورش منطقه فیض آباد مه ولات

## چکیده

در این مقاله سعی شده، مسائل تقسیم رود تجن بین ایران و ترکمنستان که از طریق «خط منصف» یا «خط القعر» صورت گرفته است، بررسی شود. در این نوع تقسیم‌بندی، چون شیب رودخانه به سمت ایران است و «ماتندرها» یا «پیچان رودها» به سمت ایران تخریب زیادی دارند، خودبه‌خود رودخانه به سمت ایران کشیده می‌شود و عملاً به خاک ترکمنستان افزوده می‌شود. این عمل هر سال بیشتر صورت می‌گیرد که باید راه‌حل و چاره‌ای برای آن اندیشید. فرسایش زمین‌های اطراف رودخانه، چرای بیش از حد دام‌ها و از بین رفتن مراتع، به این امر دامن می‌زنند و به این ترتیب، رودخانه به «تأسیسات گاز خانگیان» نزدیک‌تر می‌شود. ضروری است، هرچه زودتر اقدامات پیشگیرانه‌ی لازم به عمل آید تا بیش از این دچار ضرر و زیان نشویم. برخی از راهکارهای حل این مشکل عبارت‌اند از:

۱. احداث شیب‌شکن و دیوار در برابر فرسایش.
۲. کشت گیاهان مناسب مثل تاغ و گز در محل‌های مناسب رودخانه.
۳. مراقبت از حریم رودخانه و بازدارندگی از تجاوز به پوشش گیاهی حاشیه‌ی رودخانه.
۴. برنامه‌ریزی راهبردی و مدیریت تضمین‌شده‌ی آینده‌نگرانه برای جلوگیری از مصائب و مشکلات بعدی.

کلیدواژه‌ها: تجن، جغرافیای خراسان، تقسیم آب، جغرافیای

سیاسی رودها

## مقدمه

منطقه‌ی سرخس در گوشه‌ی شمال‌شرقی ایران، در مجاورت مرز ایران و ترکمنستان، قرار گرفته است. حد طبیعی منطقه را جنوب رودخانه‌ی کشف رود، حد شرقی را رودخانه‌ی تجن، و حدود طبیعی غربی و جنوب غربی را آخرین امتدادهای ارتفاعات کپه‌داغ مشخص می‌کند. سرخس ۸۷/۴۴۲ نفر جمعیت دارد و با وسعتی معادل ۵/۴۷۲ کیلومتر مربع، دارای دو شهر سرخس و مزداوند و دو بخش مرکزی و مرزداران و ۶ دهستان است.<sup>۱</sup> منطقه‌ی سرخس در مرز ناحیه‌ی آب‌وهوایی صحرائی قره‌قوم و اقلیم نیمه‌صحرائی بخش‌هایی از خراسان قرار دارد و از

خصوصیات هر دو بخش به‌شکلی متأثر است. تمیز این‌که ناحیه را جزو کدام یک از این دو بدانیم، کار آسانی نیست. احمدحسین عدل با توجه به رستنی‌های محلی، منطقه‌ی سرخس را جزو اقلیم بیابانی BW تشخیص داده است. آقای دکتر گنجی نیز با استفاده از روش کوپن در تقسیمات اقلیمی ایران، آب و هوای سرخس را با بخش مهمی از آب‌وهوای نیمه‌صحرائی خراسان در یک گروه قرار داده و آن را BS مشخص کرده است. ارتفاع کم ناحیه‌ی سرخس و مجاورت منطقه با صحرائی قره‌قوم، در پدید آوردن کیفیات خاص آب‌وهوایی آن مؤثر است. روی هم رفته، سرخس از نواحی مجاور غربی خود چون مشهد بسیار گرم‌تر است - هم در تابستان و هم در زمستان - و به این دلیل منطقه‌ای قشلاقی به‌شمار می‌آید.

برابر محاسبه‌ای که از هشت سال بارندگی سرخس طبق آمار سال‌نامه‌های هواشناسی کل کشور به عمل آمده است، معدل

سالانه‌ی باران در ایستگاه سرخس حدود ۲۰۰ میلی‌متر است. البته نمی‌توان به این معدل اطمینان کرد، زیرا در سال‌هایی میزان باران کمتر از ۱۰۰ میلی‌متر و در سال‌های دیگر بیش از ۳۵۰ میلی‌متر بوده است.

منطقه‌ی سرخس به علت ارتفاع کم، زمستانی نسبتاً ملایم‌تر از دیگر نواحی مجاور خود در خراسان دارد و به همین تناسب به قشلاق شمال خراسان مشهور است. تعداد روزهای یخبندان سرخس که به‌طور متوسط حدود ۷۰ روز است، از متوسط روزهای یخبندان شهرهای شمالی خراسان لااقل ۱۵-۱۰ روز کمتر است. هم‌چنین، متوسط حداقل حرارت آن از دیگر شهرهای خراسان بالاتر است.

به‌طور کلی، بادهای غربی و شمال‌غربی که بیشتر در نیم‌سال ملایم می‌وزند، برای سرخس حامل رطوبت و بارندگی هستند. اما بادهای شرقی و شمال‌شرقی که بیشتر در نیم‌سال گرم می‌وزند، باعث خشکی و شدت گرمای هوا می‌شوند.

### منابع آب منطقه‌ی سرخس

آب مورد نیاز کشاورزی منطقه‌ی سرخس از منابع زیر به دست می‌آید:

۱. نزولات آسمانی
۲. آب‌های سطحی
۳. آب‌های عمقی

با توجه به ضعف و نوسان نزولات آسمانی، آب‌هایی که سرچشمه‌ی آن‌ها در خود حوزه است، اهمیت چندانی ندارند. زیرا به پیروی از نظام بارش باران، میزان آبدهی رودخانه‌ها در طول سال کم‌وزیاد می‌شود. هنگامی که به‌طور متوسط چهارماه از سال نزولات آسمانی قطع می‌شوند، این رودخانه‌ها نیز به خشک‌رود مبدل می‌شوند. از طرف دیگر، اواخر زمستان و اوایل بهار که غالباً با ذوب شدن برف‌های زمستانی نیز توأم است، آب‌های سطحی سیلابی‌اند و به حد اعلای دبی خود می‌رسند. عوامل دیگری از جمله شیب شدید، غیرقابل نفوذ بودن بخش علیای حوزه‌ی آبرگیر این رودخانه‌ها، و استفاده‌ی بی‌رویه از مراتع و پوشش طبیعی سطح زمین نیز به خاصیت سیلابی آن‌ها می‌افزاید. رودخانه‌های شورلق و چکودر از جمله آب‌های حوزه‌ی داخلی سرخس هستند. رودخانه‌ی فصلی شورلق دو شاخه دارد که نزدیک آبادی شورلق، در ۳۶ کیلومتری مغرب سرخس، در کنار جاده‌ی مشهد-

سرخس به هم می‌رسند. مهم‌ترین علت شدت و سرعت سیل‌ها در این جا، فرسایش خاک حوضه‌ی آبرگیر و از بین رفتن پوشش گیاهان در اثر چرای زیاد در این حوضه است. در نتیجه‌ی فرسایش، سنگ‌های آهکی جریان می‌شوند و هنگام رگبارهای بهاری، آب با شدت جریان می‌یابد و همراه گل‌ولای فراوان به دشت جاری می‌شود.

دبی این رودخانه نوسان زیادی دارد و حد متوسط آن از یک‌متر مکعب کمتر است. بنابراین، رودخانه‌ی فصلی شورلق با وضع موجود نمی‌تواند نقش اقتصادی مهمی در منطقه ایفا کند. اگر قرار باشد از آب آن منطقی‌تر استفاده شود، «ترانس‌بندی در سطوح پرشیب دامنه‌های حوزه‌ی آبرگیر»، «فرق کردن منطقه»، «امکان دادن به رشد پوشش نباتی در سطح دامنه‌ها» و «احداث سدهای ذخیره‌ای» ضروری است.

چکودر مانند شورلق یک رودخانه فصلی است. از ارتفاعات اطراف چکودر سرچشمه می‌گیرد و به‌طرف شرق جریان می‌یابد. رودی است بسیار کم‌آب، کوتاه و فصلی که تنها چند ماهی از سال را آب دارد. هنگام تابستان که به آب نیاز بیشتری احساس می‌شود، رودخانه خشک است. اما در موقع پرآبی، دبی آن به ۴۰ متر مکعب در ثانیه می‌رسد.

### در این مقاله سعی شده، مسائل تقسیم رود تجن بین ایران و ترکمنستان که از طریق «خط منصف» یا «خط‌القعر» صورت گرفته است، بررسی شود

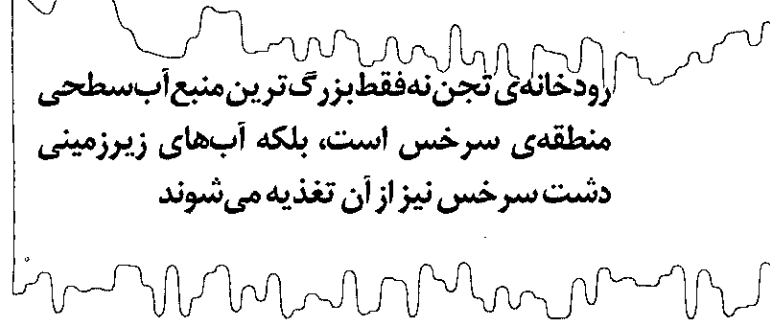
#### هیدرولوژی رودخانه‌ی تجن

تجن رودی است در شرق شهرستان سرخس که از تلاقی دو رود کشف‌رود و هریرود به‌وجود آمده است. آبدهی این رودخانه‌ها مانند دیگر رودهای منطقه دائمی نیست و در فصول سال با تغییرات میزان ریزش باران، دارای نوسانات زیادی می‌شود. این رودخانه بزرگ‌ترین منبع آب سطحی دشت سرخس محسوب می‌شود. تجن از دورترین ایام، نقش مؤثری در توسعه‌ی سرخس داشته است و همه‌ی جغرافی‌نویسان قدیم به نحوی از آن یاد کرده‌اند.



رود تجن از تلاقی دو رود کشف‌رود و هریرود حاصل می‌شود. این دو رود مانند دیگر رودهای ناحیه، بزرگ و دائمی نیستند و در فصول سال با تغییر میزان بارندگی دچار نوسانات زیادی می‌شوند. حداکثر دبی کشف‌رود در اردیبهشت فرا می‌رسد و بیش از چند ساعتی دوام ندارد و بلافاصله در روزهای دیگر دبی متوسط روزانه به ۸۱ متر مکعب در ثانیه تنزل پیدا می‌کند. بی‌شک ساختن آب‌بند و سدهای محلی در مسیر کشف‌رود، کمک فراوانی به سامان‌دهی و آمایش منطقه خواهد کرد. زیرا این سیلاب‌های عظیم موقتی، نه تنها به این شکل برای منطقه مفید نیستند، بلکه صدمات و خسارات ناشی از آن‌ها، مانند فرسایش شدید، خراب شدن بستر رودخانه، از بین رفتن زمین‌ها و خاک‌های خوب زراعتی و... بسیار زیاد است. احداث سدها و آب‌بندها در جاهای مناسب حوضه‌ی رودخانه، برای جلوگیری از طغیان شدید آن، علاوه بر این که در ذخیره کردن آب برای فصول کم‌آبی بی‌نهایت مؤثر است، در تغذیه‌ی سفره‌ی آب‌های زیرزمینی که به ویژه در سال‌های اخیر نقش مهمی را در اقتصاد کشاورزی ایران به‌عهده دارند، اثر بسیار مطلوبی خواهد داشت.

رودخانه‌ی هریرود که از دامنه‌ی جنوبی کوه‌های «بابا» در افغانستان سرچشمه می‌گیرد، پس از مشروب کردن اراضی هرات به ایران می‌رسد. سپس جهت خود را عوض می‌کند و به سوی شمال در امتداد مرز ایران و افغانستان جریان می‌یابد. در «پل خاتون»، کشف رود به‌عنوان یک شعبه‌ی شناخه چپ به آن می‌پیوندد و از آن پس «تجن» نامیده می‌شود. تأسیسات خاصی



**رودخانه‌ی تجن نه فقط بزرگ‌ترین منبع آب سطحی منطقه‌ی سرخس است، بلکه آب‌های زیرزمینی دشت سرخس نیز از آن تغذیه می‌شوند**

برای اندازه‌گیری دبی رودخانه در پل خاتون وجود دارد. دبی رودخانه‌ی تجن در سال‌های گوناگون بسیار تفاوت می‌کند و متوسط آن بین ۱۶ تا ۳۰ متر مکعب در ثانیه است. متوسط دبی ماهانه‌ی رودخانه بین ۲۲۰ میلیون متر مکعب تا صفر نوسان دارد. رودخانه‌ی تجن نه فقط بزرگ‌ترین منبع آب سطحی منطقه‌ی سرخس است، بلکه آب‌های زیرزمینی دشت سرخس نیز از آن

تغذیه می‌شوند. لذا نوسانات میزان آب رودخانه در فعالیت‌های حیاتی و انسانی سرخس اثر بسیار زیادی دارد.<sup>۲</sup>

### هیدروپلیتیک رود تجن

رود تجن از نظر نقش آفرینی سیاسی نیز اهمیت دارد. یکی از عوارض طبیعی که به‌عنوان مرز انتخاب می‌شود، رودخانه است (مثل رودخانه‌های ارس و هریرود).

تعیین خط مرزی به‌وسیله‌ی رودخانه‌ها به دو روش انجام می‌شود:

۱. استفاده از خط منصف: خط منصف خطی است که رودخانه را به دو قسمت مساوی تقسیم می‌کند و از دو کرانه‌ی رودخانه به یک اندازه است.

۲. استفاده از خط تالوگ یا خط‌القمر: در این روش نقاط عمیق رودخانه به‌عنوان مرز در نظر گرفته می‌شوند.

اشکال شیوه تعیین مرز به روش خط‌القمر آن است که اگر شیب توپوگرافی به سمت یکی از کشورها باشد، ماندها هم به سمت مسیر آن کشور تشکیل می‌شوند و فرسایش رودخانه‌ای هم بالطبع در آن سمت بیشتر خواهد شد. این مسئله در مرز ایران و ترکمنستان که رودخانه‌ی تجن به‌عنوان مرز در نظر گرفته شده، اتفاق افتاده است. چون شیب توپوگرافی به سمت ایران، و خط‌القمر رودخانه به‌عنوان مرز در نظر گرفته شده و ماندها نیز به سمت ایران هستند، عملاً سالانه در اثر فرسایش رودخانه، بخشی از خاک ایران به خاک کشور ترکمنستان افزوده و کشور ترکمنستان به ذخایر گازی خانگیان ایران نزدیک‌تر می‌شود.

در مورد فرسایش رودخانه‌ی تجن تحقیقات زیادی صورت گرفته است که یکی از بهترین آن‌ها متعلق به آقایان احمدیان یزدی و محمدجواد کشاورزی، تحت عنوان «آبخیزداری پوشش گیاهی و کاهش فرسایش کناری پیچان رود و در رودخانه‌ی تجن» است. در این تحقیق، ابتدا با استفاده از عکس‌های هوایی سال ۱۳۳۴ هـ.ش و ماهواره‌ای ۱۹۸۵م، و مطالعات میدانی سال ۱۳۷۹ هـ.ش و تلفیق آن‌ها با یکدیگر، تغییر مورفولوژیکی رودخانه‌ی تجن ارزیابی شد. نتایج حاصل از این بخش نشان داد که متوسط تغییرات عرضی رودخانه در منطقه‌ی مورد بررسی طی یک دوره‌ی ۳۵ ساله، از ۱۶۳/۸ متر به ۵۴۰/۷ متر افزایش یافته و مساحت پلان رودخانه در همین مدت، از ۹۲۷/۴۳ هکتار به ۲۶۷۴/۹ هکتار رسیده است.

از چهار شاخه‌ی رودخانه تجن، شامل شیرین‌رود، لاجیم، چهاردانگه و زارم‌رود، شاخه‌ی شیرین‌رود به دلیل پوشش گیاهی مناسب کمترین رسوب، و شاخه‌ی زارم‌رود بیشترین رسوب را دارا است. این موضوع تأثیر مناسب کشت گیاهان در منطقه را نشان می‌دهد.<sup>۵</sup>

۴. حفاظت کامل از حوضه‌ی رود تجن، از طریق جلوگیری از

## در اثر فرسایش رودخانه سالانه بخشی از خاک ایران به خاک کشور ترکمنستان افزوده و کشور ترکمنستان به ذخایر گازی خانگیران ایران نزدیک‌تر می‌شود

ورود رسوبات به رودخانه و حفاظت از بستر رودخانه که بسیار حائز اهمیت است. در اثر برداشت بی‌رویه مصالح از بستر، علاوه بر تشدید فرسایش، تأسیسات احداث شده نیز با خطر مواجه می‌شوند.

۵. برنامه‌ریزی صحیح با زیرساخت‌ها و مدیریت علمی و سرمایه‌گذاری قابل توجه برای منطقه‌ی سرخس.
۶. احداث دیوار در مرز ایران و ترکمنستان.

به‌منظور اندازه‌گیری دو عامل مورد نظر این تحقیق، یعنی پوشش گیاهی و فرسایش کناری، مسیر رودخانه را از پل خاتون تا خروجی آن از مرز ایران که حدود ۹۷ کیلومتر است، به ۱۲ سایت تقسیم شد و در هر سایت، میزان فرسایش کناری با اندازه‌گیری ابعاد آن و درصد تاج پوشش گیاهی به روش «ترانسکت خطی» مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل نشان داد که میانگین درصد تاج پوشش گیاهی در ساحل ایرانی رودخانه‌ی تجن ۲۲/۳ درصد و در بخش ترکمنستان ۳۴/۴ درصد است. هم‌چنین، طبق اندازه‌گیری‌های به‌عمل آمده، متوسط سالانه‌ی میزان خاک از دست رفته‌ی فرسایش کناری، در سواحل ایران ۳۳/۱ متر مکعب و در بخش ترکمنستان ۳/۹ متر مکعب بوده است.

در مرحله‌ی نهایی، کمیت‌های عددی به‌دست آمده از وضعیت پوشش گیاهی و فرسایش کناری در طرفین سواحل رودخانه نشان می‌دهند که با اطمینان ۹۵ درصد، اختلاف معنی‌داری بین فرسایش کناری طرفین رودخانه در مقطع مورد بررسی وجود دارد. اختلاف میانگین تغییرات عرضی و سطح مقطع رودخانه طی دوره‌ی ۳۵ ساله، با اطمینان ۹۹ درصد تابع پوشش گیاهی است. مطالعات نشان می‌دهند، گیاهان حاصل از رطوبت، علاوه بر افزایش تراکم پوشش گیاهی در پهنای ناحیه‌ی پوشش گیاهی در مسیر رودخانه، نقش مؤثری در فرسایش کناری دارد و با افزایش آن، از میزان فرسایش کاسته می‌شود و برعکس.

## راهکارهای عملی برای جلوگیری از فرسایش در حوضه‌ی رودخانه‌ی تجن

۱. مراقبت از حریم رودخانه و عدم تجاوز به پوشش گیاهی حاشیه‌ی رودخانه که می‌تواند در کاهش فرسایش کناری بسیار مؤثر باشد. متأسفانه در ساحل ایرانی رودخانه‌ی تجن، با انواع کاربری‌های غیربهنه، از پهنای ناحیه‌ی پوشش گیاهی کاسته شده است. بنابراین با درنظر گرفتن حداکثر سیلاب با دوره‌ی بازگشت‌های طولانی در رودخانه‌ی تجن، باید نسبت به رعایت حریم پوشش گیاهی حوضه‌ی رودخانه اقدام کرد.<sup>۴</sup>
۲. احداث شیب‌شکن در برابر تشدید جریان فرسایش که در اثر عدم پوشش گیاهی مناسب به‌وجود می‌آید.
۳. کشت مناسب برای کاهش فرسایش، متناسب با آب‌وهوای منطقه که سازگاری با محیط و عمر طولانی را داشته باشد؛ مثل تاغ و گز.

### پی‌نوشت

۱. حسن‌زاده، بی‌تا.
۲. بصری، ۱۳۵۴.
۳. سایت ویکی‌پدیا.
۴. احمدیان یزدی و کشاورزی، بی‌تا.
۵. حسن‌زاده، بی‌تا.

### منابع

۱. حسن‌زاده، یوسف. دبی رودخانه‌ی تجن. دانشکده‌ی کشاورزی دانشگاه تبریز. [بی‌تا].
۲. سایت شبکه ملی مدارس. سایت رشد.
۳. سایت ویکی‌پدیا، سرخس و ویژگی‌های آن.
۴. مقاله‌ی مجموعه قوانین مجلس شورا برای تعیین مرزهای شمالی ایران.
۵. بصری، عباس. سرخس دیروز و امروز. نشر توس. تهران. ۱۳۵۴.
۶. احمدیان یزدی و کشاورزی، محمدجواد. آبخیزداری پوشش گیاهی رودخانه‌ی تجن.



# سفر گروه جغرافیای تنکابن به تالاب کیاشهرگیلان جاذبه های طبیعی تالاب کیاشهر

رامین دلیلی

یکی از برتری های برخی از علوم طبیعی بنیادی، امکان مشاهده مستقیم پدیده ها و موضوعاتی است که در آن علم، مورد بحث و بررسی قرار می گیرند. جغرافیا نیز به علت ماهیت ویژه خود از چنین امکانی برخوردار است. این موضوع در آموزش این علم به دیگران هم برتری محسوب می شود.

مشاهده مستقیم و ابزارهای مشاهده، اساس و بنیان این علم محسوب می شوند. سال هاست که از مطالعات میدانی به عنوان روشی برای تدریس و ابزاری برای تحقیق در جغرافیا استفاده می شود. چون بهترین راه شناخت هر منطقه، مشاهده عینی آن است. هیچ کس نمی تواند ادعا کند که جایی را بدون مشاهده مستقیم آن شناخته است. کارل ساور، از بزرگان علم جغرافیا، می گوید: «جغرافی دانان مسافرانی هستند که هرگاه لازم باشد، از تجارب دیگران، و هرگاه بتوانند از مشاهده خود استفاده می کنند.»

به هر حال امروزه جغرافی دانان مجبورند که خودشان به میدان بروند. کار میدانی و مشاهده مستقیم، فعالیت شدید و سختی است که به حداکثر استفاده از استعداد، قدرت و توانایی فکری و جسمی نیاز دارد. کار میدانی، برای آنهایی که به منظور شناخت یک منطقه و لذت بردن از این شناخت فعالیت می کنند، شادی و خوش حالی می آورد؛ زیرا هیچ تجربه ای به اندازه ی کشف و شناخت شخصی افراد لذت بخش نیست.

یکی از اثرات این مشاهده مستقیم را در خداشناسی آیه ای می توان دید. چرا که انسان با سفر به مناطق گوناگون به پدیده های متفاوتی برمی خورد که بیانگر کرامت و عظمت خداوند متعال است. حتی در «قرآن کریم»، برای سیر و سفر در زمین (سیروا فی الارض...) به منظور تفکر و تدبر در آیات الهی، نعمت های فراوان معین شده است، تا انسان ها را متوجه مقصد نهایی و کمال انسان بگرداند. انجام سفر به انگیزه ی بیرون آمدن از رکود، کوردلی و غفلت، ستوده شده است.

دکتر ثروتی، از بزرگان علم ژئومورفولوژی، تأکید دارند: «به اطراف دنیا سفر

کنید و ببینید که پدیده ها چگونه به وجود می آیند.» «گردش علمی»، «فعالیت های میدانی»، «گشت های زمینی»، یا هر اسمی دیگری بر آن نهیم، مهم نیست. مهم انجام

این کار و عادت دادن افراد به «دقیق دیدن»، «بررسی کردن»، «رابطه برقرار کردن»، «استدلال کردن» و در نهایت، «نتیجه گیری» از طریق مشاهده است. براساس این تفکر، «آزمایشگاهی به بزرگی کره ی زمین در اختیار ماست.»

گروه جغرافیای تنکابن در تاریخ ۱۱ خرداد ۱۳۸۸ با هماهنگی مدیریت محترم آموزش و پرورش تنکابن و کانون بسیج فرهنگیان، امکان بازدید علمی از «تالاب کیاشهر» را فراهم آورد تا واقعیت موجود در منطقه از دید دبیران این گروه مورد تجزیه

**تالاب از نوع آب سطحی است و به زمین خیس و باتلاقی و برکه ی  
با آب جاری یا ساکن که موقت یا دائمی باشد، گفته می شود**

و تحلیل قرار گیرد. رأس ساعت ۷:۳۰ صبح روز مذکور، به سوی مقصد مورد نظر حرکت کردیم.

تالاب از نوع آب سطحی است و به زمین خیس و باتلاقی و برکه‌ای با آب جاری یا ساکن که موقت یا دائمی باشد، گفته می‌شود. تالاب در کنار دریا و رودخانه به وجود می‌آید و تالاب کیشهر نیز در قسمتی از دهانه‌ی رود سفیدرود ایجاد شده و از نوع

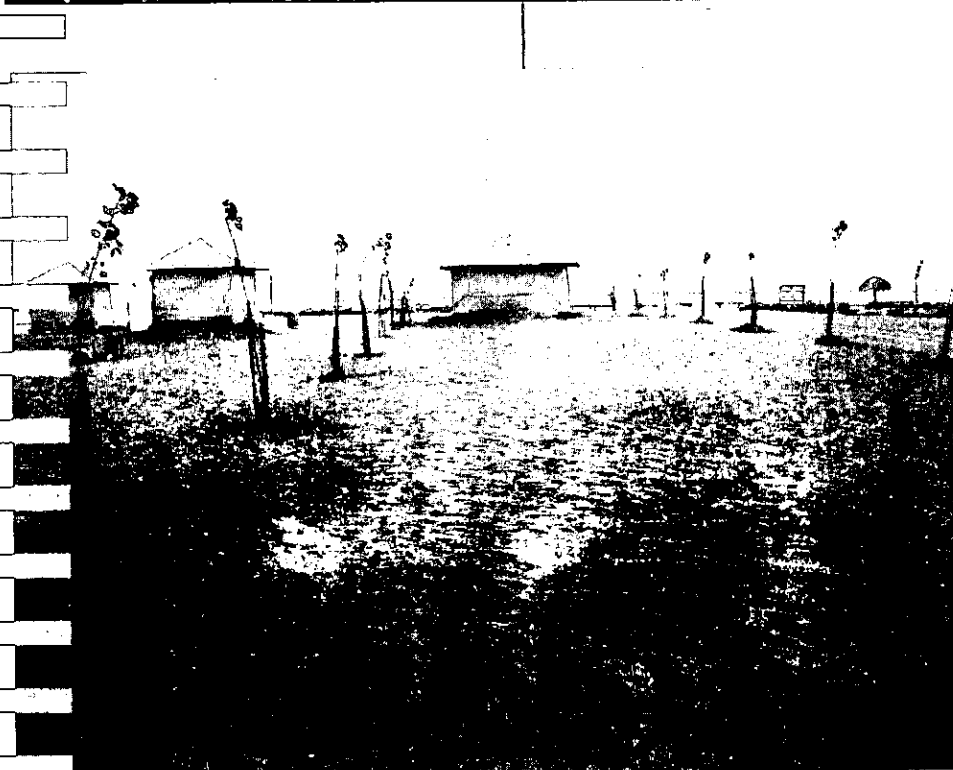
نزارهای پیرامون تالاب کیشهر

«کولاب ساحلی»<sup>۱</sup> است. این تالاب که آب آن توسط سیلاب محلی تأمین می‌شود، در حدود ۱۷۰۰ کیلومتر وسعت دارد. تحقیقات نشان می‌دهند، سفیدرود دلتای خود را در زمان‌های متفاوت تغییر داده است. یکی دیگر از عواملی که سبب شده ویژگی طبیعی این منطقه منحصر به فرد شود، وجود «پارک جنگلی وارث کیشهر» در نزدیکی این تالاب است. چرا که سه اکوسیستم دریا، تالاب و جنگل در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند.

با توجه به بررسی‌ها و تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته توسط دبیران گروه جغرافیا، جاذبه‌های طبیعی تالاب کیشهر به شرح زیرند:

● در تالاب کیشهر انواع اکوسیستم‌های طبیعی شامل اکوسیستم دریایی، اکوسیستم تالاب و اکوسیستم جنگلی دیده می‌شود. این تالاب دارای انواع فراوان گیاهان شناور و زیرآبی، پرندگان، خزندگان، دوزیستان، ماهیان و بی‌مهرگان است و صدای بلبل و پرندگان ساکن در این تالاب، گوش هر دوست‌دار طبیعت را نوازش می‌دهد.

● در تالاب کیشهر، انواع زمین شکل‌های ژئومورفولوژی نظیر سواحل ماسه‌ای، انواع تپه‌های ماسه‌ای، انواع «نیکاهای ساحلی»<sup>۲</sup> و «ریپل مارک‌ها»<sup>۳</sup> وجود دارد. در نتیجه، این تالاب مکان مناسب برای مطالعات ژئومورفولوژی ساحلی محسوب می‌شود.



تأسیسات گذران اوقات فراغت در ساحل کیشهر

● به مصداق ضرب المثل «هر جا آب هست، آبادانی هم هست»، این مکان کانون حیات منطقه محسوب می‌شود. با توجه به پاسخ سؤالاتی که از بومیان منطقه کردیم، این تالاب زیستگاه انواع درنای سیبری، گیلانشاه خالدار و... در فصل‌های گوناگون سال است.

هم‌چنین، تالاب کیشهر از ویژگی‌ها و ظرفیت‌هایی به شرح زیر برخوردار است:

● امکان توسعه صنایع شیلات: بیش از دو سوم برداشت ماهیان در جهان، به سلامت تالاب‌ها بستگی دارد و این تالاب نیز از این نظر حائز اهمیت است. البته تاکنون از ظرفیت منطقه در این زمینه به‌نحو احسن استفاده شده است و دلیل ادعای این‌جانب، وجود مرکز صید ماهیان خاویاری دریای خزر در این شهر در کنار ساحل است.

● متعادل‌کننده‌ی آب و هوا از طریق ایجاد رطوبت: این تالاب با تبخیر و ایجاد رطوبت در هوا، از حرارت زیاد هوا در تابستان و سرمای پیش از حد در زمستان می‌کاهد. گرچه درصد رطوبت بالای آن در فصل تابستان تا حدودی آزاردهنده است. با توجه به ظرفیت مورفولوژی منطقه، وضعیت بارش در منطقه باید در حد مطلوب باشد.

● سیلاب‌شکنی: این تالاب به‌صورت مخزن بزرگی سر راه سیلاب‌های ویرانگر قرار گرفته است و این خود موجب کاهش بلاهای طبیعی، نظیر سیل در منطقه می‌شود. هم‌چنین تالاب کیشهر در از بین بردن اثرات مخرب خشک‌سالی در سطح منطقه، می‌تواند نقش مهمی ایفا کند.

تالاب کیشهر با چشم‌اندازی بسیار زیبا، تفرجگاهی پرطرفدار محسوب می‌شود و برای ساکنان اطراف تالاب، سود اقتصادی زیادی از راه گردشگری به ارمغان می‌آورد

● تصفیه و پالایش رودهای منطقه:

رودخانه‌هایی که به تالاب می‌ریزند، به دلیل جریان آرام و بعضاً ساکن آب در آن، چنان‌چه آلاینده‌ای با خود داشته باشند، آن را از دست می‌دهند. در واقع، آلاینده‌ها ته‌نشین و در کف تالاب ساکن می‌شوند و بسیاری از این مواد تجزیه‌شدنی به مصرف گیاهان درون تالاب می‌رسند. براین‌اساس می‌توان گفت آب این تالاب آلودگی کمتری دارد و از کیفیت خوبی برخوردار است.

● جذب دی‌اکسیدکربن: گیاهان تالاب

در فرایند فتوسنتز، دی‌اکسیدکربن در هوا را دریافت و کربن آن را ذخیره می‌کنند. به‌علاوه، برگ‌های خزان‌زده و شاخ برگ گیاهان، در کف تالاب انباشته می‌شوند و پس از تجزیه، کربن موجود در آن‌ها ذخیره می‌شود. به این ترتیب، تالاب

کیاشهر در جذب دی اکسید کربن که یکی از گازها و عوامل گرم شدن زمین است، نقش بسزایی دارد.

### ● قابلیت اکوتوریسم: تالاب کیاشهر

با چشم اندازی بسیار زیبا، تفرجگاهی پرطرفدار محسوب می شود و برای ساکنان اطراف تالاب، سود اقتصادی فراوانی از راه گردشگری به ارمغان می آورد. در حال حاضر، با ایجاد کلبه های ساحلی و آلاچیق های بسیار زیاد در کنار سواحل، شرایط لازم برای بهره برداری مسافرانی که به این منطقه سفر می کنند، مهیا شده است.

بعد از بازدید چند ساعته ی گروه از تالاب کیاشهر، به منظور پاس داشت مقام علمی دکتر معین و ادای احترام به او بر مزارش حضور یافتیم. در مسیر بازگشت نیز، در شهر لاهیجان به بام این شهر رفتیم و افراد گروه درباره ی بافت قدیمی و چگونگی توسعه ی فیزیکی شهر با هم گفت و گو کردند.

آنچه غیر قابل انکار بود، غنی بودن منطقه از لحاظ اکوتوریسم بود که به نظارت و توجه بیش تر نیاز داشت. البته در کنار این ویژگی، باید به حفظ و پاکیزگی محیط زیست توجه کرد.

در پایان، در ساعت ۸ بعد از ظهر به تنکابن برگشتیم. جا دارد از آقای رئوفی، مدیر گروه جغرافیا و دیگر همکاران که با نظرات خود در شناسایی محیط کمک شایانی به ما کردند، کمال تشکر را داشته باشیم. به علاوه، از جناب آقای الیاسی، مسئول گروه های آموزشی که در این سفر ما را همراهی کردند، و از جناب آقای خاکسار، مسئول کانون بسیج فرهنگیان و مسئول انجمن پژوهشی گروه های آموزشی که در تهیه ی بخشی از بودجه ی سفر ما رایاری کردند، سپاس گزاریم.

پی نوشت

#### 1. Coastal lagoon

۲. نیکا: تپه ی ماسه ای که با انباشت، حجم قابل توجهی ماسه که (بر اثر وزش باد)، دورتادور بوته ها پدید می آید. این تپه ها به تدریج بر اثر رطوبت بیش تر خاک در حاشیه ی بوته تثبیت می شوند.

۳. ریپل مارک ها: رشته های کمابیش موازی، کوچک و متعدد که در ماسه های ساحلی دریا و یا رودها به وجود می آیند. این رشته ها ممکن است بر اثر وزش باد نیز ایجاد شوند.

این تالاب زیستگاه انواع درنای سیبری، گیلان شاه خالدار و... در فصل های گوناگون سال است



در گفت‌وگو با کارشناس مسئول گروه جغرافیای دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی بررسی شد

# ویژگی‌های راهنمای برنامه‌ی درسی استان‌شناسی

تهیه و تنظیم: نسوین خیرآبادی

صلابت و استواری انقلاب اسلامی در مدت ۳۰ سال، امروز و در آغاز دهه‌ی چهارم انقلاب اسلامی ما را بر محور پیشرفت و عدالت قرار داده است. ما امروز هم از نظر تجربه، مدیریت و توانایی و هم از نظر سیاسی و فرهنگی در مسیر خوبی قرار گرفته‌ایم. انقلاب اسلامی ما را در مسیر پیشرفت و توسعه با الگوی اسلامی - ایرانی قرار داده است تا بتوانیم در راستای این فرهنگ دینی و بومی الگوسازی و مدل‌سازی کنیم. امروزه ملت‌های جهان به آرمان‌های میهن اسلامی‌مان با عزت می‌نگرند و شعار ضدیت با ظلم و سلطه، دفاع از مظلومان و دشمنی با صهیونیسم را سر می‌دهند که همه‌ی این‌ها حاکی از گسترش انقلاب اسلامی است.

در این راستا، با سرلوحه قرار دادن دیدگاه‌های مقام معظم رهبری، تحول در آموزش و پرورش، اتخاذ رویکرد فرهنگی - تربیتی، و توجه به ارزش‌های بومی و نگرش‌های دینی، در صدر توجهات در عرصه‌ی تعلیم و تربیت قرار گرفته است. در چند سال اخیر، «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی» در این راستا گام‌های اساسی برداشته و تدوین کتاب درسی استان‌شناسی متناسب با رویکرد فرهنگی - تربیتی بخشی از این رسالت احیاگرانه است. این کتاب در پی تحقق و تقویت هویت ملی - اسلامی دانش‌آموزان است.

کوروش امیری‌نیا، کارشناس مسئول گروه درسی جغرافیای دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، نقطه‌ی آغازین برنامه‌ی درسی استان‌شناسی را دیدگاه مقام معظم رهبری تحت عنوان اتحاد ملی و انسجام اسلامی در راستای بهسازی و نوسازی متون آموزشی با رویکرد فرهنگی و تربیتی دانست که ایشان در نیمه‌ی اول سال ۱۳۸۶ بیان داشتند. پس از آن، با توجه به رهنمودهای مدیرکل این دفتر، شورای برنامه‌ریزی استان‌شناسی تشکیل شد و به تولید و اصلاح برنامه‌ی درسی پرداخت.

امیری نیا گفت: «این برنامه پس از اعتباربخشی در دفتر تألیف و هم‌چنین اعتباربخشی سراسری توسط سرگروه‌های محترم آموزش جغرافیا، تاریخ و علوم اجتماعی سازمان‌های آموزش و پرورش سراسر کشور، در شورای علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در تاریخ‌های ۱۳ آذر ۱۳۸۷ و ۲ بهمن‌ماه ۱۳۸۷ مطرح و تصویب شد. سپس کارگاه سه‌روزه‌ای با عنوان چگونگی تألیف کتاب استان‌شناسی در بهمن‌ماه ۱۳۸۷ در اردوگاه شهید باهنر تهران برگزار شد. پس از ارائه‌ی گزارش کارگاه و ارزیابی عملکرد شرکت‌کنندگان، استان‌های اصفهان، تهران، قم، کردستان، گیلان و فارس برای تألیف کتاب انتخاب شدند.»

وی در ادامه افزود: «در نشست یک‌روزه‌ای که در تاریخ ۲۶ فروردین ۱۳۸۸ با نمایندگان آموزش و پرورش استان‌های کشور در دفتر تألیف برگزار شد، جدول زمان‌بندی و ماکت کتاب درسی طراحی شده است که انتظار می‌رود با همت و دلسوزی مسئولان محترم استان‌ها، تا پایان مردادماه بخش اولیه‌ی کتاب تألیف شود.» شایان ذکر است که این برنامه در چند مرحله در دستور کار «گروه تخصصی بررسی راهنمای برنامه‌ی درسی شورای عالی آموزش و پرورش» قرار گرفته است. کارشناس مسئول گروه درسی

### امیری نیا، تقویت هویت ایرانی - اسلامی را یکی دیگر از ویژگی‌های بارز این برنامه اعلام کرد

با تولید این برنامه می‌توان گفت نوعی نوآوری در برنامه‌ی درسی اتفاق افتاده و به تقاضاهای منطقه‌ای پاسخ مثبت، منطقی و راهبردی داده شده است

جغرافیای دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی به برخی ویژگی‌های این برنامه اشاره دارد و در این باره اظهار داشت: «با تولید این برنامه می‌توان گفت نوعی نوآوری در برنامه‌ی درسی اتفاق افتاده و به تقاضاهای منطقه‌ای

پاسخ مثبت، منطقی و راهبردی داده شده است. هم‌چنین، کمک به هویت‌یابی منسجم در فراگیرندگان، یکی دیگر از ویژگی‌های مثبت و بارز این برنامه است. برنامه‌ی جدید علاوه بر درس جغرافیا، تمامی منابع هویت‌ساز شامل تاریخ، فرهنگ، اقتصاد و سایر عناصر را در خود گنجانده است.»

امیری نیا، تقویت هویت ایرانی - اسلامی را یکی دیگر از این ویژگی‌های بارز این برنامه اعلام کرد و گفت: «توجه به این موضوع که هر دانش‌آموز، در هر قدم احساس کند، در عین حال که یک دانش‌آموز فارس، کرد و یا هر قومی از اقوام عزیز ایرانی است، دانش‌آموزی ایرانی، مسلمان و انقلابی است، از ویژگی‌های خاص برنامه است. شاخصه‌های مهم دیگر این برنامه عبارت‌اند از: برجسته کردن نقش شهدا و سرداران شهید و هم‌چنین رجال مذهبی - سیاسی در توسعه و پیشرفت استان؛ ترسیم چشم‌انداز آینده‌ی استان برای دانش‌آموزان؛ نمایش توانمندی‌های استان برای دانش‌آموزان؛ انتقال نگاه مسئولین به دانش‌آموزان استان‌ها؛ انتقال دستاوردهای انقلاب و نوآوری‌هایی که صورت گرفته‌اند؛ خدمات انجام شده در سطح استان؛ تقویت نگاه مثبت و امید در فراگیرندگان نسبت به استان.»

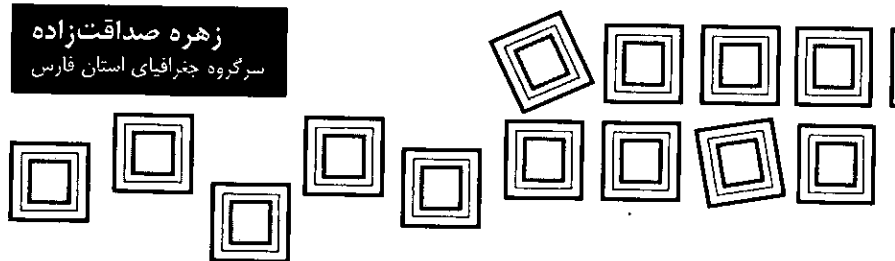
ان‌شاءالله این برنامه با ویژگی‌های یاد شده پس از تصویب نهایی در شورای عالی آموزش و پرورش، حمایت مسئولان محترم سازمان‌ها و نهادها و سپری کردن اجرای آزمایشی در شش استان، به اجرای سراسری در همه‌ی استان‌ها منجر شود.



# نیازسنجی مخاطبان در میزگردی با حضور جمعی از دبیران شهر شیراز



زهره صداقتزاده  
سرگروه جغرافیای استان فارس



جغرافیا را معتبرترین مجله‌ی تخصصی در جامعه‌ی جغرافیایی ایران دانست. جایگاهی که این مجله در طول سال‌ها انتشار برای خود کسب کرده منحصر به فرد است.

برخی از مواردی که به این مجله اعتبار بخشیدند، از این قرارند:

\* این مجله را کسانی بنیان گذاشتند که در زمان خود از معلمان و استادان مسلم جغرافیا بودند. از میان آن‌ها می‌توان به زنده‌یادان، دکتر حسین شکویی، وحید شیخ‌الاسلامی، حسن وحدانی‌تبار، و هم‌چنین، دکتر پاپلی و دکتر شایان اشاره کرد [رشد آموزش جغرافیا، شماره‌ی ۷۲].

\* تاکنون مقاله‌های استادان برتر جغرافیا، به‌ویژه مقاله‌هایی پیرامون ماهیت علم جغرافیا و تعاریف جدید در حوزه‌ی این علم، در این نشریه به چاپ رسیده‌اند [رشد آموزش جغرافیا، شماره‌های ۹، ۱۰، ۲۳ و ۷۸]. این موضوع مجله را به بنیاد نشر تازه‌های جغرافیا تبدیل ساخته است.

\* تاکنون کیفیت مقاله‌های چاپ شده همواره رو به بهبود بوده و در نظم انتشار آن، هرگز خللی به‌وجود نیامده است.  
\* بحث‌ها و جدل‌های علمی بین استادانی هم‌چون زنده‌یاد دکتر شکویی، مرحوم دکتر فشارکی و استادان گران‌قدر دکتر پاپلی

## اشاره

در بیست‌ودوم تیرماه سال جاری با چند نفر از دبیران باسابقه‌ی شهر شیراز به گفت‌وگو نشستیم و از آن‌ها خواستیم درباره‌ی فصلنامه‌ی «رشد آموزش جغرافیا» صحبت کنند و از دغدغه‌های خود و انتظاراتی که از این مجله دارند، بگویند. جلسه سه ساعت طول کشید، باید اعتراف کنم آن‌قدر درباره‌ی مسائل گوناگون آموزشی صحبت شد که به سختی توانستم نظر آنان را در مورد مجله جمع‌وجور کنم. اما خودم در مجموع از این نشست خیلی راضی بودم. آن‌چه می‌خوانید، نتیجه‌ی همین گفت‌وگوست.

از چاپ اولین شماره‌ی «رشد آموزش جغرافیا» سال‌ها می‌گذرد. این مجله هم‌اکنون شناخته‌شده‌ترین مجله‌ی علمی جغرافیا در کشور محسوب می‌شود. از ۲۵ سال پیش تاکنون، نشریات زیادی با موضوع جغرافیا به چاپ رسیده‌اند؛ از فصل‌نامه‌ی تحقیقات جغرافیایی گرفته تا نشریه‌ی تخصصی انجمن‌های علمی جغرافیا و نشریه‌های منتشر شده در دبیرخانه‌های راهبری درس جغرافیا. اما علی‌رغم ارزشمند بودن تمام این‌ها، می‌توان رشد آموزش

و مرحوم دکتر فرید، به‌طور مرتب در رشد آموزش جغرافیا به چاپ می‌رسیدند و آن شماره‌ها از به یاد ماندنی‌ترین شماره‌های مجله محسوب می‌شوند [رشد آموزش جغرافیا، شماره‌های ۹، ۱۱، ۱۴، ۱۶ و ۱۷]. انتشار این‌گونه مقالات، نقطه‌ی عطفی در اشاعه‌ی دانش کمک‌آموزشی درس جغرافیا در ایران محسوب می‌شود. از آن پس مجله با اقبال استادان روبه‌رو شد.

\* درنهایت، اگر تعریف مجله‌ی علمی را عبارت از نشریه‌ی با عنوان مشخص بدانیم که به‌صورت پیاپی و با فاصله‌ی زمانی منظم و تا مدت نامعلوم منتشر می‌شود و حاوی مقالاتی درباره‌ی موضوع‌های متفاوت از نویسندگان مختلف است [دانش مدیریت، شماره‌ی ۷۵]، بی‌شک رشد آموزش جغرافیا را می‌توان یک مجله‌ی علمی [آموزشی] به‌شمار آورد.

اما وجود مزیت‌هایی که برای این مجله برشمردیم، مانع از نقد آن نمی‌شود. زیرا معتقدیم، اگر نقد از سر دلسوزی باشد، عامل رشد و ترقی خواهد شد و می‌تواند موجب برطرف شدن ضعف‌ها شود. از این‌رو سؤال‌هایمان را با همکارانمان مطرح کردیم.

اولین سؤالی که مطرح شد، این بود: «رشد آموزش جغرافیا را چگونه ارزیابی می‌کنید؟»

تمام شرکت‌کنندگان مجله را خوب توصیف کردند. اگر می، از ناحیه‌ی یک شیراز می‌گوید: «من همیشه از مطالب رشد برای تدریس در کلاس استفاده می‌کنم، تنوع مطالب برایم جالب است.»

حسینی از ناحیه‌ی سه معتقد است: «رشد آموزش جغرافیا، مجله‌ی ارزشمندی است، اما ایرادهایی هم دارد که باید برطرف شوند.»

محسن سپهری‌منش، از ناحیه‌ی دو شیراز می‌گوید: «مجله از نظر اطلاعات علمی مفید است، اما امکان دارد همه‌ی مطالب آن به‌درد دبیران نخورد.»

سؤال دوم این بود که: «به نظر شما، محتوای فعلی مجله و مقاله‌های آن تا چه حد پاسخ‌گوی نیاز دبیران بوده است؟»

حسینی زودتر از همه پاسخ می‌دهد: «محتوای مجله مطابق با نیازهای دبیران نیست. اکثر مقاله‌ها برای دبیران روشن و واضح نیستند و دبیران نمی‌توانند از آن‌ها استفاده کنند.»

رنجبر، از ناحیه‌ی دو، ضمن تکرار سخن آقای حسینی، می‌گوید: «رشد آموزش جغرافیا قادر نیست به سؤال‌های دبیران پاسخ بگوید و محتوای آن مطابق با سلیقه‌ی دبیران نیست.»

مباشری، از ناحیه‌ی چهار می‌گوید: «مشخص نیست که مخاطب مجلات کیست؟»

از او می‌خواهیم کمی بیشتر توضیح دهد. ایشان می‌گوید: «مجلات رشد یا ورزشی هستند یا هنری یا روان‌شناختی. به هر حال موضوع آن‌ها مشخص است، ولی سؤال مهم این است که مخاطب اصلی مجله‌ی رشد چه کسی است؟ دانشجویان، استادان دانشگاه یا دبیران.»

ضمیریان از ناحیه‌ی چهار می‌گوید: «بیشتر مطالب رشد آموزش جغرافیا، چکیده‌ی پایان‌نامه‌های تحصیلی و مقاله‌های استادان دانشگاه است. گهگاه مطالبی در ارتباط با کتاب‌های درسی کشور یا به صورت پراکنده، مقاله‌های تخصصی از دبیران در آن به چاپ می‌رسد.»

اما اگر می، هم چنان نظر مثبت و مساعد خود را نسبت به مجله ابراز می‌دارد و می‌گوید: «آرایش مطالب و کل محتوا از نظر علمی خوب و مناسب است.»

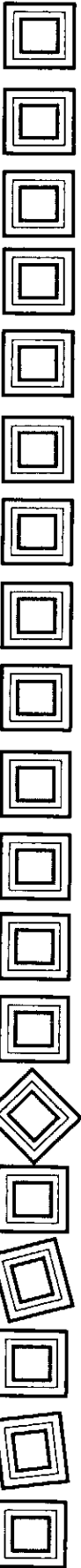
سپهری‌منش می‌گوید: «مجله از نظر علمی در سطح بالایی است، اما به نظر نمی‌رسد اهداف آموزشی را دنبال کند. این مجله جوابگوی نیازهای متنوع دبیران نیست. در واقع می‌توان گفت، ورود مباحث تربیتی و روان‌شناختی به حوزه‌ی تدریس، بسیار وسیع شده است. امروز معلم خوب بودن تنها به سطح اطلاعات و دانش منحصر نمی‌شود، بلکه معیارها و استانداردهای رفتاری و شناختی بسیاری برای خوب بودن معلم تعیین شده است.»

نکته: در جشنواره‌های الگوی برتر تدریس که هر سال برگزار می‌شوند، از ترکیب پنج داور، سه داور از علوم تربیتی و روان‌شناسی و دو داور متخصص درس مورد نظر هستند.

دغدغه‌ی امروز دبیران جغرافیا آشنایی با این استانداردهای جدید است. امروزه اعتقاد بر این است که شاگردان را نباید در برابر دانسته‌ها قرار داد، بلکه باید آنان را با مسئله روبه‌رو کرد.

البته مجله‌ی «رشد آموزش تکنولوژی» به‌عنوان مرجعی مفید در اختیار دبیران قرار دارد، اما این مجله مختص دبیران جغرافیا نیست و دبیران ما فقط می‌توانند از لابه‌لای مطالب آن، معنایی برای خود بیابند.

از ۲۵ سال پیش تاکنون، تحولات بزرگی در آموزش و پرورش ما اتفاق افتاده است؛ چه از نظر تعداد دبیران و دانش‌آموزان و چه از نظر برنامه‌های آموزشی و کتب درسی. اما رشد آموزش جغرافیا نتوانسته است هم‌پای این تغییرات متحول شود و هنوز روند ۲۰



سال گذشته در این مجله ادامه دارد.

امروزه چالش‌های مهمی پیش‌روی بسیاری از دبیران ما در برخورد با دانش‌آموزان مطلع و مجهز به فناوری وجود دارد که برخی از آن‌ها، از منظر علمی و دریافت اطلاعات جدید، از آموزگاران خود پیشی گرفته‌اند. این مسئله نیاز دبیران جغرافیا را به منبعی برای دریافت راهکارها و مهارت‌های تخصصی ضروری می‌سازد.

کاش رشد آموزش جغرافیا می‌توانست این نیاز را برطرف کند. به‌راستی تنها مجله‌ی فراگیر جغرافیا در کشور، تا چه اندازه توانسته است در تحقق شعار: «جغرافیا علمی است برای زندگی»، کمک کند؟

خدا رحمت کند دکتر شکوهی را. ایشان توصیه می‌کردند که سعی کنید دانش‌آموزان را با مسائل روز آشنا کنید [رشد آموزش جغرافیا، شماره‌ی ۱۷]. در این فصل‌نامه جایی برای تحلیل جغرافیایی مسائل روز وجود ندارد، حال آن‌که جغرافی‌خوانان و جغرافی‌دانان، به دلیل داشتن نگرش سیستمی، می‌توانند تحلیل درستی از محیط خود ارائه دهند؛ موضوعی که می‌تواند جذابیت زیادی به یک مجله‌ی تخصصی بدهد. شاید در نظر نگرفتن این گزینه موجب شده است که مثلاً فصل‌نامه‌ی زمستان ۱۳۸۸، در تابستان ۱۳۸۸ آماده‌ی چاپ باشد.

نوبت به پرسش سؤال در مورد راه‌حل‌ها می‌رسد: «راه‌حل شما چیست؟ چه پیشنهادی برای جذب بیشتر دبیران به این مجله دارید؟»

حسینی می‌گوید: «بهتر است مطالب چاپ شده تکمیل‌کننده‌ی مطالب کتاب درسی باشند. مثلاً ما می‌گوییم، جغرافیا علم مکان است و هر مکانی هم نقشه‌های متفاوتی دارد. ولی مطلبی در ارتباط با نقشه و نقشه‌خوانی چاپ نمی‌شود» (مانند آن‌چه که در مجله‌های دبیرخانه‌های جغرافیا در سال‌های پیش به چاپ می‌رسید).

پیشنهاد مباحثی این است که علاوه بر فصل‌نامه، در ارتباط با وقایعی که اتفاق می‌افتند مسئولان مجله گاه‌نامه‌ای هم منتشر کنند. ایشان می‌گویند: «چنان‌چه موضوعات در راستای نیاز مخاطبان طبقه‌بندی شوند، اعم از طبیعی، انسانی و... مفیدتر خواهد بود.»

ایشان معتقد است، محتوای مجله باید از حیثه‌ی تخصصی بیرون آید و طیف وسیع‌تری را از مقاطع سنی و سطوح علمی دربرگیرد. چون تنها ملجأ و خاستگاه دانش‌آموختگان جغرافیاست،

باید سعی وافری در تأمین نیازهای قشر معلمین در دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان داشته باشد.

ضمیریان دو پیشنهاد دارند: اول آن‌که مجلات رشد برای تمام دبیران ارسال و هزینه‌ی آن به صورت ماهانه از حقوق آنان کسر شود. دوم آن‌که رشد آموزش جغرافیا سمت و سوی آموزشی به خود بگیرد و مطالبی مانند آموزش طراحی سؤال، آشنایی با شیوه‌های تدریس و نظریه‌های یادگیری در مجله به چاپ برسند.

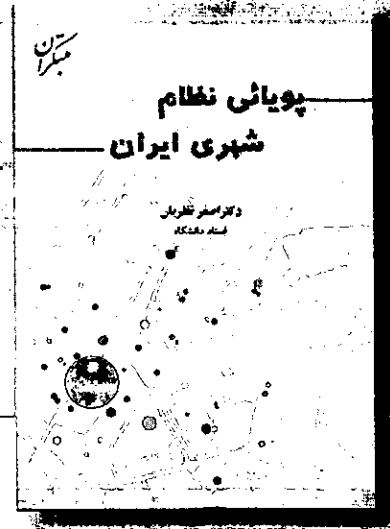
رنجبر پیشنهاد می‌کند: بعضی از مطالب فصل‌نامه ادامه‌دار باشند و معلم بتواند مطالبی را که مثلاً در شماره‌ی ۷۰ می‌خواند، در شماره‌ی ۷۱ دنبال کند. هم‌چنین، بهتر است مجله از توصیف در حد ممکن کم کند و بیشتر مطالب درباره‌ی موضوع‌های جغرافیایی کاربردی باشند. به نظر ایشان، برگزاری مسابقه‌ی علمی بین دبیران و میان مقاله‌های چاپ‌شده در نشریه، می‌تواند انگیزه‌ی دبیران را برای خواندن مطالب آن بیشتر کند.

### جمع‌بندی

۱. رشد آموزش جغرافیا، مجله‌ای معتبر و محبوب بین دبیران جغرافیاست.
۲. اگر قرار باشد این مجله یک مجموعه‌ی تخصصی ویژه برای دبیران باشد، باید خیلی متفاوت‌تر از وضعیت کنونی خود باشد. اغلب گردانندگان آن باید از بین دبیران انتخاب شوند؛ کسانی که با مسائل جاری آموزش در مدارس به‌طور مستقیم برخورد داشته باشند و با درک مسائل اصلی آموزش جغرافیا، در مورد انتخاب مقاله و چاپ آن تصمیم بگیرند.
۳. برگزاری انواع مسابقه‌های علمی بین دبیران، ضمن ایجاد شادابی و نشاط علمی، در ارتقای سطح دانش دبیران بسیار مؤثر است.
۴. چاپ گاه‌نامه و پرداختن به مسائل متناهی محیط جغرافیایی اطراف، موجب اعتلا و رشد این علم در جامعه خواهد شد.
۵. ما با رشد آموزش جغرافیا به همراه تمام دانش‌آموختگان جغرافیا، یک خانواده بزرگ را تشکیل داده‌ایم. امید است که برای سعادت و موفقیت یکدیگر تلاش کنیم.

### منابع

۱. رشد آموزش جغرافیا، شماره‌های ۱۱-۹، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۲۳، ۲۷، ۷۲ و ۸۷
۲. زکی، محمدعلی. فصل‌نامه‌ی دانش مدیریت. شماره‌ی ۷۵.
۳. شعبانی، حسن. مهارت‌های آموزشی و پرورشی. سمت. ۱۳۸۵.



**پویایی نظام شهری ایران**

نویسنده: دکتر اصغر نظریان

ناشر: مبتکران (۱۳۸۱-۶۶۴۸۵۲۰۰-۰۲۱)

نوبت چاپ: اول/ ۱۳۸۱

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

«کتاب پویایی نظام شهری ایران»، ادامه و تکمله‌ی کتاب «جغرافیای شهری ایران» است که در سال ۱۳۷۴ توسط «دانشگاه پیام نور» انتشار یافت. در این فاصله، تحولات بسیاری در نظام شهری ایران به وجود آمده و تغییرات کالبدی- فضایی، اقتصادی و اجتماعی با سرعت بیش‌تری در شهرها حاصل شده‌اند که پویایی نظام شهری ایران را بازگو می‌کند. این کتاب در چارچوب دانش جغرافیای شهری ایران و جایگاه جغرافیای شهری در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، حتی‌الامکان از سرآغاز علمی آن تاکنون، با کاربرد تحلیل تکوینی، تحلیل ساختاری و در مواردی تحلیل کاربردی، به رشته‌ی تحریر درآمده است. مطالب کتاب در ۹ فصل تنظیم شده که از نظر موضوعی در سه بخش به شرح زیر قابل تقسیم‌اند:

(الف) در فصل‌های اول تا چهارم، تحولات تاریخی شهر و شهرنشینی را در ارتباط با نظام‌های سیاسی، اجتماعی،



**کوروش امیری‌نیا**

اقتصادی و فرهنگی مورد بحث قرار گرفته است و روابط نظام‌مند شهرها، و موقعیت و دگرگونی آن‌ها بررسی و اشکال فضایی آن‌ها ترسیم شده است.

(ب) فصل‌های پنجم و ششم به مطالعه و بررسی تحولات شهری معاصر ایران، از انقلاب مشروطیت تا به امروز پرداخته شده است و مجموعه‌ی تحولات شهری را، از دوره‌ی نفوذ نظام سرمایه‌داری و استقرار آن در دوره‌ی پهلوی، تا تحولات ویژه در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، با آخرین اطلاعاتی که تا سال ۱۳۸۷ به دست آمده است، مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است.

(ج) در فصل‌های هفتم و هشتم، سازمان فضایی، شبکه‌ی شهری، الگوهای ارزیابی و جایگاه نظام شهری ایران در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ی ملی و نظام برنامه‌ریزی بررسی شده است.

(د) و بالاخره، فصل نهم چالش‌ها و سیاست‌های راهبردی نظام شهری را مدنظر قرار داده و نمودهایی از مبانی نظری در ارتباط با برنامه‌ریزی‌های ساختاری- راهبردی را به بحث گذاشته است.

مطالعه‌ی این کتاب را به دانشجویان و دبیران رشته‌ی جغرافیا و سایر رشته‌های مرتبط توصیه می‌کنیم.



**درچه، نگین زاینده‌رود**

(سیمای جغرافیایی شهر درچه)

نویسنده: ابراهیم براتی

ناشر: انتشارات کنکاش (۱۳۷۶-۳۷۶۳۵۹۴)

(۰۳۱۲)

نوبت چاپ: اول/ ۱۳۸۷

قیمت: ۲۳۰۰ تومان

شهر درچه با فرهنگ غنی اسلامی و تاریخی خود، آداب و رسوم اجتماعی کهن، علما و مشاهیر بزرگ، چشم‌اندازهای زیبای حاشیه‌ی زاینده‌رود، جاذبه‌های گردشگری قنوت و برج‌های کبوتر، هم‌جواری با شهر تاریخی و زیبای اصفهان، و مکان‌گزینی بسیار مناسب نسبت به مراکز جمعیتی از موقعیتی ممتاز در استان اصفهان برخوردار است. بنابراین، شناخت ویژگی‌های خاص این شهر، نه تنها برای ساکنان این واحد

جغرافیایی جالب و مفید است، بلکه می تواند به عنوان یک منبع موثق برای اجرای طرح های گوناگون ملی و منطقه ای، مورد استفاده ی برنامه ریزان منطقه ای و شهری قرار گیرد.

مطالب کتاب «درچه، نگین زاینده رود» در چهار فصل با عنوان های زیر تنظیم شده اند:

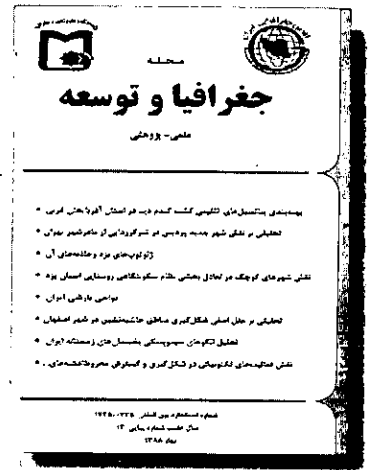
**فصل اول:** ساختار اکولوژیک شهر درچه

**فصل دوم:** بررسی خصوصیات اقتصادی شهر درچه

**فصل سوم:** رجال و مشاهیر

**فصل چهارم:** آداب و رسوم

مطالعه ی این کتاب را به دانشجویان رشته ی جغرافیا و سایر رشته های مرتبط توصیه می کنیم.



### جغرافیا و توسعه ی پایدار

سیزدهمین شماره ی مجله ی علمی - پژوهشی «جغرافیا و توسعه ی پایدار» (سال

هفتم، بهار ۱۳۸۸) با مقالات زیر منتشر شد:

- پهنه بندی پتانسیل های اقلیمی کشت گندم دیم در استان آذربایجان غربی
- تحلیلی بر نقش شهر جدید پردیس در تمرکززدایی از مادر شهر تهران
- ژئوتوب های یزد و جاذبه های آن

• نقش شهر های کوچک در تعادل بخشی نظام سکونتگاهی روستایی استان یزد

• نواحی جارش ایران

• تحلیلی بر علل اصلی شکل گیری مناطق حاشیه نشین در شهر اصفهان.

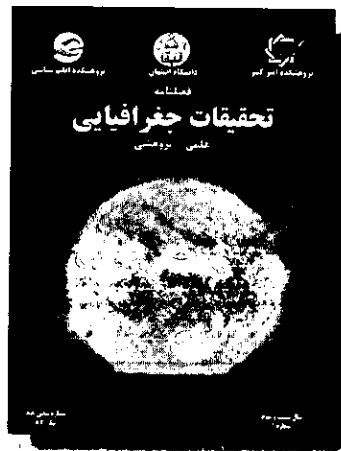
• تحلیل الگوهای سینوپتیکی یخبندان های زمستانه ی ایران.

• نقش فعالیت های تکتونیکی در شکل گیری و گسترش مخروط افکنه های دامنه های جنوبی الآداغ.

• معرفی کتاب

• خلاصه ی انگلیسی

رشد آموزش جغرافیا توفیق همکاران دست اندرکار این مجله را از خداوند متعال خواهان است و مطالعه ی آن را به دانشجویان رشته ی جغرافیا و سایر رشته های مرتبط توصیه می کند.



### تحقیقات جغرافیایی (علمی - پژوهشی)

هشتاد و هشتمین شماره ی «فصل نامه ی علمی - پژوهشی تحقیقات جغرافیایی» (سال

بیست و سوم، بهار ۸۸) با مقالات زیر منتشر شد:

- تأثیر فعالیت های خورشیدی بر تغییرات

بارندگی های سالانه ی ایران

• بررسی تأثیر سامانه ی پرفشار آזור بر بارش ایران زمین

• بررسی و تحلیل تأثیر تنش گرمایی بر محصول گندم در استان های جنوبی کشور

• هزینه ی اقتصادی تصادفات درون شهری در ایران

• تحلیل فضایی و ژنتیکی مخروط افکنه های ایران

• ارزیابی تأثیرات نو زمین ساخت فعال در دامنه های کرکس با استفاده از روش های ژئومورفولوژی

• بررسی سیلاب ها بر اساس موقعیت های سیستم های سینوپتیکی در استان یزد

• هشتاد و نهمین شماره ی این فصل نامه (سال بیست و سوم، تابستان ۸۸) نیز با مقالات زیر منتشر شد:

• نواحی دمایی ایران

• بررسی ویژگی های مشاغل بخش غیررسمی در مادر شهر تبریز

• مدل پیش بینی بارش های انزلی، با استفاده از متغیرهای دینامیکی و ترمودینامیکی جو بالای محدوده ی دریایچه ی خزر

• بررسی ویژگی های موفومتری رسوبات

• تبخیری جهت تعیین پایداری

• تعیین پتانسیل اقلیمی کشت گندم دیم در استان آذربایجان شرقی به کمک شبکه های

عصبی هوشمند و GIS

• کاربرد مدل «تحلیل سلسله مراتبی» (AHP) در مکان یابی صنعتی روستایی، نمونه ی

موردی: مکان یابی صنعت آب میوه گیری در شهرستان بناب

• یخ در آتش: آثار یخچالی در منطقه ی بم

مطالعه ی این فصل نامه ی تحقیقاتی را به دانشجویان و دبیران جغرافیا و سایر رشته های مرتبط توصیه می کنیم.

### گروه

آموزشی جغرافیای ناحیه‌ی یک آموزش و

پرورش اراک، در راستای فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی در

سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷، فعالیت‌هایی به شرح زیر داشته است:

۱. بازدید از کارخانه‌ی تولید آلومینیوم اراک در آبان‌ماه ۱۳۸۷.

۲. بررسی سؤالات امتحانی خرداد ۱۳۸۷ و معرفی دو نفر از آن‌ها که حائز اکثریت امتیاز

شده‌اند.

۳. تهیه‌ی لوح فشرده آموزشی برای استفاده‌ی دبیران در تدریس جغرافیای استان با موضوع‌های: آشنایی

با سازمان گردشگری استان، معرفی کارخانه‌ی تولید آلومینیوم ایران، معرفی شرکت آذراب اراک، جاذبه‌های

جغرافیایی منطقه‌ی هفتاد قله.

۴. طراحی نمونه سؤال امتحانی و ارسال آن برای دبیران به منظور بررسی و اظهارنظر.

۵. برگزاری کلاس ضمن خدمت به مدت ۲۴ ساعت با هماهنگی ضمن خدمت ناحیه.

۶. تهیه‌ی ۱۰ جلد کتاب از بنیاد ایران‌شناسی برای دبیران جغرافیا.

۷. بررسی صورت جلسات دبیران که از مدارس به ناحیه ارسال شده است.

۸. برگزاری سه جلسه با دبیران ناحیه به منظور بررسی مشکلات و تبادل نظر با دبیران.

۹. تهیه‌ی نمونه سؤال از دروس سال سوم متوسطه و ارسال آن به دبیرستان‌های ناحیه.

۱۰. پیش‌بینی کلاس‌های ضمن خدمت برای دبیران با همکاری واحد ضمن خدمت ناحیه برای

سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸.

۱۱. بازدید از مدارس ناحیه در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷.

۱۲. بازدید دبیران جغرافیا از غار چال نخجیر دلیجان در

خردادماه ۱۳۸۸.

گروه‌های آموزشی ناحیه‌ی ۱ اراک

گروه جغرافیا دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

# فعالیت‌های گروه آموزشی جغرافیای آموزش و پرورش ناحیه‌ی یک اراک



# آشنایی با کشورهای جهان

## جمهوری دومینیکن

نام رسمی: جمهوری دومینیکن

نام محلی: دومینیکانا DOMINICANA

نام بین‌المللی: دومینیکا (DOMINICAN (DOM)

کشور دومینیکن، با مساحت ۴۸/۷۷۱ کیلومتر مربع (صد و بیست و هشتمین کشور جهان)، در آمریکای مرکزی و در حاشیه‌ی شمالی دریای کارائیب جای دارد. این کشور که نیمه‌ی خاوری جزیره‌ی «هیسپانیولا» از جزایر آنتیل بزرگ را به خود اختصاص داده و در شرق کشور «هاییتی» واقع شد. سطح دومینیکن عمدتاً هموار و نسبتاً مسطح است و رشته کوهی به ارتفاع حداکثر ۳/۱۷۵ متر (قله‌ی دوآرته)، در امتداد شمال‌غربی به جنوب خاوری، در ناحیه‌ی مرکزی آن، قرار دارد.

آب و هوا: اقلیم آن گرم و مرطوب و پر باران است که دو مورد از جریان‌های اقیانوسی، به اعتدال آن کمک می‌کند. جنگل‌های آن که در گذشته وسعت زیادی داشته‌اند، به مرور زدوده شده و جای خود را به کشتزارها داده‌اند. رودهای مهم آن سوکو، یاگه و سان خوان نام دارند و بزرگ‌ترین جزیره‌ی آن «سائونا» است.

جمعیت: براساس آمار سال ۲۰۰۷، دومینیکن با جمعیتی بالغ بر ۹/۳۳۶۷۰۰۰ نفر، هشتاد و ششمین کشور جهان است که از این تعداد، ۶۷۸ درصد ساکن شهرها و ۳۳/۲ درصد ساکن روستاها (۲۰۰۵) بوده‌اند. تراکم جمعیت آن نیز ۱۹۲/۴ نفر در هر کیلومتر مربع است. توزیع سنی: طبق آمار سال ۲۰۰۲، افراد زیر ۱۵ سال ۳۳/۵ درصد، بین ۱۵ تا ۲۹ سال ۲۷/۶ درصد، بین ۳۰ تا ۴۴ سال ۲۰/۲ درصد، بین ۴۵ تا ۵۹ سال ۱۱/۷ درصد، بین ۶۰ تا ۷۴ سال ۵/۹ درصد و بیش از ۷۵ سال نیز ۲/۱ درصد از جمعیت را تشکیل می‌دهند. متوسط عمر مردان ۷۱ سال و زنان ۷۴/۵ سال (۲۰۰۶) است.

تولد و مرگ و میر: براساس آمار سال ۲۰۰۶، میزان تولد ۲۳/۲ نفر در هر هزار نفر، میزان مرگ و میر ۵/۴ نفر در هر هزار نفر، و میزان

مرگ و میر کودکان ۲۹ نفر در هر هزار تولد بوده است.

ترکیب نژادی: در سال ۲۰۰۳، دورگه‌ی سیاه و سفید ۷۳ درصد، سفیدپوست ۱۶ درصد و

**سعید بختیاری**  
مؤسسه‌ی گیتاشناسی

سیاه‌پوست ۱۱ درصد از کل جمعیت دومینیکن را به خود اختصاص داده بودند.

مذهب و زبان: براساس آمار سال ۲۰۰۴، کاتولیک‌ها ۶۴/۴ درصد، سایر مسیحیان ۱۱/۴ درصد، بدون دین‌ها ۲۲/۵ درصد و سایر ادیان ۱/۷ درصد از کل جمعیت بوده‌اند. زبان رایج و رسمی اسپانیایی است که با خط لاتین نوشته می‌شود.

پایتخت و شهرهای مهم: شهر «سانتودومینگو» با ۱/۸۸۷/۵۸۶ نفر جمعیت (۲۰۰۲) پایتخت کشور دومینیکن است و شهرهای مهم آن عبارت‌اند از: سانتیاگو (۵۰۷/۴۱۸ نفر)، سان‌پدر و دماکوریس (۱۹۳/۷۱۳ نفر)، لارومان (۱۹۱/۳۰۳ نفر) و سان کریستوبال (۱۳۷/۴۲۲ نفر).

نوع حکومت: حکومت آن جمهوری چند حزبی با دو مجلس قانون‌گذاری است. رئیس حکومت و رئیس دولت، رئیس جمهور لئونل فرناندز از سال ۲۰۰۴ بوده است.

قوه‌ی مقننه از دو مجلس نمایندگان با ۱۴۹ عضو و مجلس سنا با ۳۰ عضو به مدت چهار سال تشکیل یافته است. در سال ۱۹۹۸، کرسی‌های مجلس نمایندگان در حزب انقلابی دومینیکن (۸۳ کرسی)، حزب آزادی دومینیکن (۵۰ کرسی) و حزب اصلاح‌طلب سوسیال مسیحی (۱۶ کرسی). دومینیکن در تاریخ ۲۷ فوریه‌ی ۱۸۴۴ از هاییتی مستقل شد و روز ملی این کشور، بیست و هفتم فوریه، روز استقلال آن است.

| دوره‌ی تحصیلی         | تعداد مدارس | تعداد معلمان | تعداد دانش‌آموزان | نسبت دانش‌آموز به معلم |
|-----------------------|-------------|--------------|-------------------|------------------------|
| ابتدایی               | -           | ۳۵/۸۶۷       | ۱/۳۷۴/۶۲۴         | ۳۸/۳                   |
| متوسطه و فنی‌وحرفه‌ای | -           | ۲۴/۷۲۳       | ۶۵۸/۱۶۴           | ۲۶/۶                   |
| عالی                  | -           | ۱۱/۱۱۱       | ۲۸۶/۹۵۷           | ۲۵/۸                   |

دومینیکن در سال ۱۹۴۵ به عضویت «سازمان ملل متحد» درآمد و علاوه بر آن در سازمان‌های زیر نیز عضویت دارد:

کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (UNCTAD)، صندوق کودکان ملل متحد (UNICEF)، سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (FAO)، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA)، بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی / IBRD)، سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری (ICAO)، انجمن بین‌المللی توسعه (IDA)، بنگاه مالی بین‌المللی (IFC)، سازمان بین‌المللی کار (ILO)، صندوق بین‌المللی پول (IMF)، سازمان بین‌المللی کشتی‌رانی (IMO)، اتحادیه بین‌المللی مخابرات راه دور (ITU)، سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (UNESCO)، سازمان توسعه‌ی صنعتی ملل متحد (UNIDO)، اتحادیه‌ی جهانی پست (UPU)، سازمان جهانی بهداشت (WHO)، سازمان جهانی هواشناسی (WMO)، سازمان تجارت جهانی (WTO)، سازمان کشورهای آمریکایی (OAS)، کشورهای آفریقا، کارائیب و اقیانوس آرام (ACP) و بانک توسعه‌ی ملل آمریکایی (I-ADB).

**کشاورزی و صنایع:** محصولات عمده‌ی این کشور عبارت‌اند از (۲۰۰۵): نیشکر، برنج، موز، گوجه‌فرنگی، آووکادو و قهوه. مهم‌ترین محصولات صنعتی آن نیز سیمان، شکر تصفیه‌شده و سیگار است. در سال ۲۰۰۳، دومینیکن ۳۳ درصد زمین کشاورزی، ۴/۴۳ درصد مرتع و چمنزار و ۴/۲۸ درصد جنگل (۲۰۰۵) داشته است. دام‌های زنده آن در سال ۲۰۰۵ شامل: گاو و مرغ بوده است. هم‌چنین در سال ۲۰۰۴، حدود ۱۳/۷۶۰ میلیون کیلووات ساعت برق و ۱/۹۹۳/۰۰۰ تن فراورده‌های نفتی تولید شده است.

**نیروی کار:** براساس آمار سال ۲۰۰۴، تعداد نیروی کار این کشور ۳۷۰۱/۸۰۴ نفر بوده است که ۴۳/۱ درصد کل جمعیت را تشکیل می‌دهد. شاغلان بالای ۱۰ سال ۵۵/۱ درصد، زنان ۳۸/۷ درصد و بی‌کاران ۱۶/۲ درصد (۲۰۰۶) از کل جمعیت بوده‌اند.

**واحد پول:** پزو دومینیکن معادل ۱۰۰ سنتاوو، هر دلار آمریکا معادل ۳۳/۲۵ پزو دومینیکن و هر پزو دومینیکن معادل ۳۰۲/۵ ریال است.

**تولید ناخالص ملی:** در سال ۲۰۰۶، تولید ناخالص ملی به معادل ۲۹/۸۹۰/۰۰۰/۰۰۰ دلار آمریکا بالغ شد و میزان سرانه‌ی آن حدود ۳/۱۰۹ دلار آمریکا بود.

**واردات:** دومینیکن در سال ۲۰۰۶، معادل ۸/۷۴۵/۰۰۰/۰۰۰ دلار آمریکا کالا وارد کرده است که عمدتاً شامل کالاهای مصرفی (۵۰/۷ درصد)، کالاهای سرمایه‌ای (۱۵/۴ درصد) و نفت خام (۱۰/۹ درصد)



## یا دجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

### مجله‌های عمومی دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- ♦ **رشد کدک** (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه‌ی اول دوره‌ی دبستان)
- ♦ **رشد خواتموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره‌ی دبستان)
- ♦ **رشد دانش‌آموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره‌ی دبستان)
- ♦ **رشد نوجوان** (برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)
- ♦ **رشد جوان** (برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

### مجله‌های عمومی بزرگسالان

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- ♦ **رشد آموزش ابتدایی** ♦ **رشد آموزش راهنمایی تحصیلی** ♦ **رشد تکنولوژی آموزشی** ♦ **رشد مدرسه فردا** ♦ **رشد مدیریت مدرسه** ♦ **رشد معلم**

### مجله‌های اختصاصی

(به صورت فصلنامه و ۴ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- ♦ **رشد برهان راهنمایی** (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی) ♦ **رشد برهان متوسطه** (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی) ♦ **رشد آموزش قرآن** ♦ **رشد آموزش معارف اسلامی** ♦ **رشد آموزش زبان و ادب فارسی** ♦ **رشد آموزش هنر** ♦ **رشد مشاور مدرسه** ♦ **رشد آموزش تربیت بدنی** ♦ **رشد آموزش علوم اجتماعی** ♦ **رشد آموزش تاریخ** ♦ **رشد آموزش جغرافیا** ♦ **رشد آموزش زبان** ♦ **رشد آموزش ریاضی** ♦ **رشد آموزش فیزیک** ♦ **رشد آموزش شیمی** ♦ **رشد آموزش زیست‌شناسی** ♦ **رشد آموزش زمین‌شناسی** ♦ **رشد آموزش فنی و حرفه‌ای** ♦ **رشد آموزش پیش‌دبستانی**

مجله‌های رشد عمومی و اختصاصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران، مربیان و مشاوران مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت‌معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره‌ی ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

♦ نامبر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸

♦ تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۴۹۰۹۹

♦ [E-mail: info@roshdmag.ir](mailto:info@roshdmag.ir) ♦ [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)



بوده است. اغلب این کالاها از کشورهای (۲۰۰۵): آمریکا (۵۰ درصد)، کلمبیا (۷۲ درصد) و مکزیک (۵/۸ درصد) وارد شده‌اند.

صادرات: در سال ۲۰۰۶، این کشور حدود ۷۴۴۰/۰۰۰/۰۰۰ دلار آمریکا کالا، شامل: صادرات مجدد از مناطق آزاد (۷۰ درصد)، آلیاژ نیکل و آهن (۱۱ درصد)، سوخت (۵/۶ درصد) و شکر خام (۱/۶ درصد) به کشورهای (۲۰۰۵) آمریکا (۷۸/۹ درصد)، هلند (۲/۴ درصد) و مکزیک (۱/۹ درصد) صادر کرده است.

ارتش: در سال ۲۰۰۶ این کشور حدود ۲۴/۵۰۰ نفر نظامی داشته است. از این تعداد، ۶۱/۲ درصد در نیروی زمینی، ۱۶/۳ درصد در نیروی دریایی و ۲۲/۵ درصد در نیروی هوایی مشغول خدمت بوده‌اند. هزینه سرانه ارتش در سال ۲۰۰۵، حدود ۲۰ دلار آمریکا بوده است.

حمل و نقل: طول خطوط آهن دومینیکن در سال ۲۰۰۴ بالغ بر ۶۱۵ کیلومتر و طول راه‌های اتومبیل‌رو آن (۲۰۰۲) حدود ۱۹/۷۰۵ کیلومتر بوده است. در سال ۲۰۰۱، ۵۶۱/۳۰۰ دستگاه اتومبیل سواری و ۲۸۴/۷۰۰ دستگاه اتوبوس و کامیون در این کشور مشغول به کار بوده‌اند.

ارتباطات: در سال ۲۰۰۰، تعداد گیرنده‌ی رادیویی (۱۸۱ دستگاه برای هر هزار نفر)، ۱/۱۹۵۰/۰۰۰ گیرنده‌ی تلویزیونی (۲۰۰۴) (۲۰۹ دستگاه برای هر هزار نفر)، ۸۹۵/۰۰۰ خط تلفن (۲۰۰۵) (۱۰۰ خط برای هر هزار نفر)، ۴/۶۰۷۰۰۰ خط تلفن همراه (۲۰۰۶) (۵۱۱ خط برای هر هزار نفر)، ۲۰۷۰۰۰ دستگاه رایانه‌ی شخصی (۲۰۰۵) (۲۲ رایانه برای هر هزار نفر)، ۲/۰۰۰/۰۰۰ اشتراک اینترنت (۲۰۰۶) (۲۲۲ اشتراک برای هر هزار نفر) و همچنین ۲۸۳/۰۰۰ نسخه روزنامه (۲۰۰۵) (۳۰ نسخه برای هر هزار نفر) مورد استفاده قرار گرفته است.

بهداشت: طبق آمار سال ۲۰۰۵، در این کشور ۱۲/۹۶۶ پزشک (برای هر ۷۳۰ نفر یک پزشک) و ۹/۶۴۰ تخت بیمارستانی (برای هر ۹۸۲ نفر یک تخت) وجود داشته است.

تغذیه: سرانه‌ی مواد مصرفی در سال ۲۰۰۵، به طور متوسط ۲/۶۷۳ کالری بوده که ۸۴ درصد آن از مواد نباتی و ۱۶ درصد آن از فرآورده‌های حیوانی تأمین شده است.

آموزش: نرخ باسوادی در این کشور ۸۴/۷ درصد (۲۰۰۳) بوده است. جدول زیر خلاصه‌ای از نسبت‌های آموزشی دوره‌های تحصیلی دومینیکن را در سال تحصیلی ۲۰۰۲-۳ نشان می‌دهد.



## برگ اشتراک مجله های رشد

### شرایط:

- ۱- پرداخت مبلغ ۵۰/۰۰۰ ریال به ازای هر عنوان مجله‌ی درخواستی، به صورت علی الحساب به حساب شماره‌ی ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه‌ی سه راه آزمایش (سرخه حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.
- ۲- ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده‌ی اشتراک باپست سفارشی. (کپی فیش رانزد خود نگه دارید.)

### نام مجله های درخواستی :

.....  
.....

### نام و نام خانوادگی:

.....

### تاریخ تولد:

.....

### میزان تحصیلات:

.....

### تلفن:

.....

### نشانی کامل پستی:

.....

استان: ..... شهرستان: .....

خیابان: .....

پلاک: ..... کدپستی: .....

در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده اید، شماره‌ی اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

.....

● امور مشترکین: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶-۷۷۳۳۶۶۵۵

● صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

● پیام گیر مجله های رشد: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۸۲

### یادآوری:

- هزینه‌ی برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی و عدم حضور گیرنده، بر عهده‌ی مشترک است.
- مبنای شروع اشتراک مجله از زمان دریافت برگ اشتراک است.

# فراخوان

مجله‌ی رشد آموزش جغرافیا هم‌چون سال‌های گذشته، آماده است تا نسبت به معرفی کتاب‌های جدید در حوزه‌ی جغرافیا اقدام نماید. از این‌رو از کلیه‌ی مؤلفان، مترجمان و متخصصان جغرافیا دعوت می‌شود جهت معرفی آثار خود ۲ نسخه از آثار به چاپ رسیده را به همراه معرفی اجمالی اثر، حداکثر تا ۳۰۰ کلمه به دفتر مجله ارسال فرمایند.

مجله‌ی رشد آموزش جغرافیا در راستای سیاست‌های تشویقی دفتر انتشارات کمک‌آموزشی اعلام می‌دارد که این مجله آماده است تا چکیده‌ی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری جغرافیا را معرفی نماید. طبیعتاً با توجه به اهداف اصلی مجله و رعایت حقوق خوانندگان آن پایان‌نامه‌هایی که در زمینه‌ی آموزش جغرافیا باشند از اولویت برخوردار خواهند بود.

دهه‌ی  
فجر  
گرامی باد

بر اساس تصمیمات هیئت تحریریه، مجله‌ی رشد آموزش جغرافیا آماده است تا نسبت به معرفی سایت‌های جغرافیایی اقدام نماید. داوطلبان می‌توانند ضمن ارسال تصویری از درگاه وب‌سایت خود با ارسال متنی حداکثر ۳۰۰ کلمه‌ای به معرفی سایت خود پردازند.





مراکز توسعه، دفاع و امنیت  
در جنوب شرق کشور



دانشگاه تهران

# همایش سراسری جغرافیا، توسعه، دفاع و امنیت در جنوب شرق کشور

نیمه دوم اردیبهشت ماه ۱۳۸۹  
تهران، وزارت کشور، تالار اجتماعات غدیر



## اهداف همایش:

- تعیین نقش و راهبردهای علوم جغرافیایی در حوزه‌های توسعه، دفاع و امنیت در منطقه جنوب شرق کشور
- مشارکت جامعه علمی جغرافیایی ایران در حل برخی از مشکلات

## محورهای همایش:

### ۱- جغرافیا و توسعه پایدار در جنوب شرق کشور:

- توسعه محورهای ارتباطی و تأثیر آن بر منطقه
- فیژوگرافی منطقه و تأثیر آن بر توسعه
- ارزیابی قابلیت‌ها و محدودیت‌های محیطی منطقه
- ظرفیت بنادر و تجارت دریایی
- توسعه منابع آب (چالش‌ها و راهکارها)
- نقش گردشگری در توسعه منطقه
- نقش شیلات در توسعه منطقه
- ایجاد زیرساخت داده‌های مکانی (GIS) و تأثیر آن بر توسعه منطقه

### ۲- جغرافیا و دفاع در جنوب شرق کشور:

- جغرافیا و آمایش دفاعی
- جغرافیا و پدافند غیرعامل
- فیژوگرافی مرزها در جنوب شرق و نقش آن در دفاع
- نقش فناوری‌های نوین جغرافیایی در مسائل دفاعی

### ۳- جغرافیا و امنیت در جنوب شرق کشور:

- اقدام (فرصت‌ها و چالش‌ها)
- جایگاه امنیت در برنامه‌های توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی
- مهاجرت، شکل‌گیری سکونتگاه‌های جدید و امنیت
- فیژوگرافی مرزها در جنوب شرق و نقش آن در امنیت
- نقش فناوری‌های نوین جغرافیایی در مسائل امنیتی منطقه
- جغرافیا و مدیریت بحران (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و زیست‌محیطی)
- جغرافیا و مخاطرات محیطی (خشکسالی، سیل، زلزله، حوادث جوی و...)
- تأثیر سیاست‌های توسعه شهری و روستایی بر امنیت
- نقش نیروهای نظامی و انتظامی در امنیت منطقه
- نقش نیروی انتظامی در تأمین امنیت مرزهای جنوب شرق

www.gdds.ihu.ac.ir

حامیان:



وزارت کشور  
سازمان مرزها و گمرکات



سازمان نقشه‌نگاری و اطلاعات جغرافیایی



سازمان جغرافیایی



سازمان نقشه‌نگاری و اطلاعات جغرافیایی

بزه‌شناسان مستقل  
پدافند غیرعامل  
دانشگاه جامع  
امام حسین